



مرکز تحقیقات اسلامی

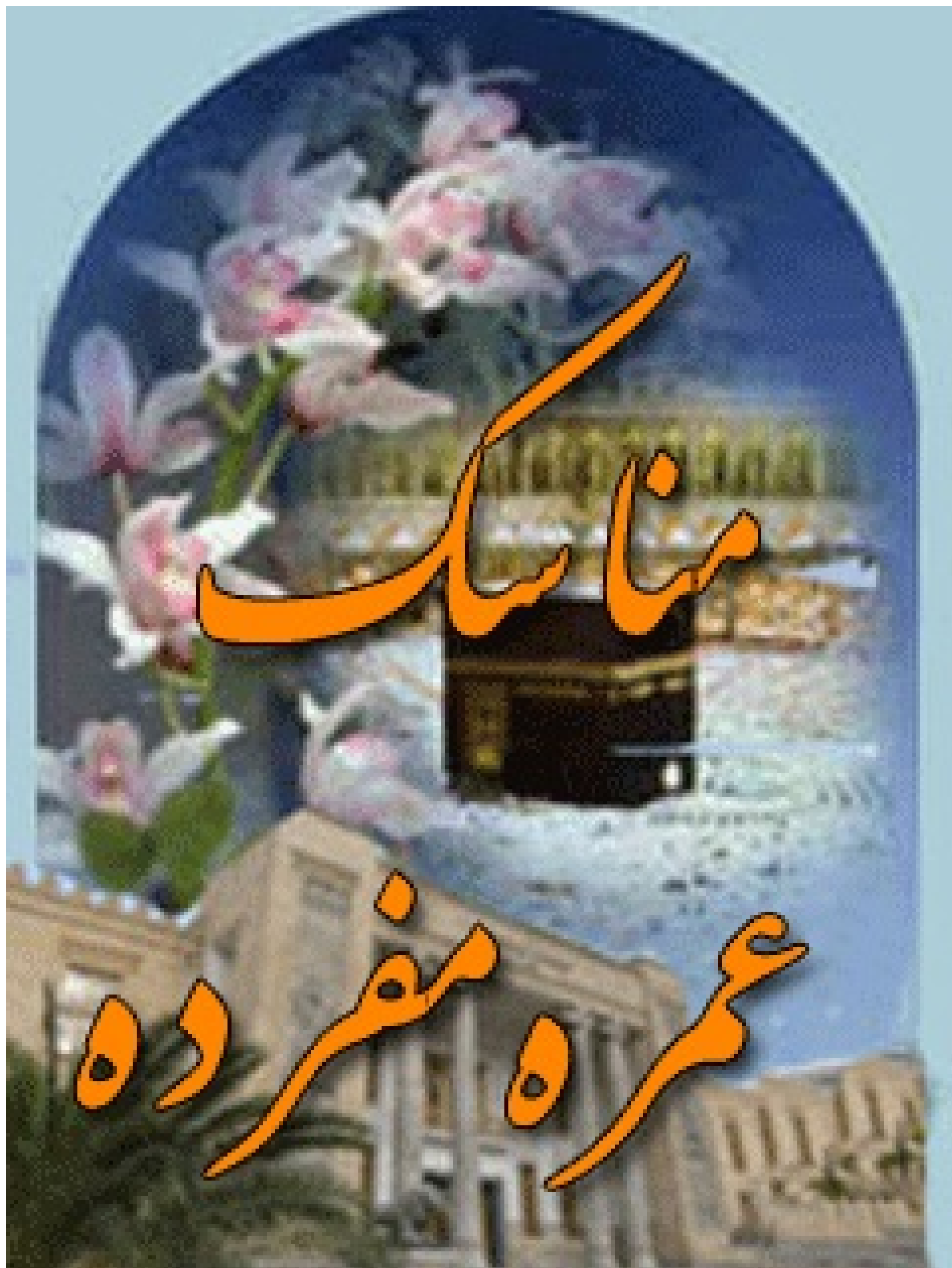
اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



مناسک

عمرة مفردة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مناسک عمره مفرده با حواشی مراجع تقلید

نویسنده:

آیت الله ناصر مکارم شیرازی

ناشر چاپی:

مدرسه الامام علی بن ابی طالب ( علیه السلام )

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۲	مناسک عمره مفرده
۱۲	مشخصات کتاب
۱۲	پیشگفتار
۱۴	عمره مفرده
۱۴	عمره مفرده
۱۶	فاصله معتبر بین دو عمره مفرده
۱۹	پی نوشتها
۱۹	اعمال عمره مفرده
۱۹	اعمال عمره مفرده
۱۹	۱ احرام از میقات
۱۹	احرام از میقات
۱۹	میقات
۱۹	میقات های پنج گانه
۱۹	۱ مسجد شجره
۲۱	۲ جُحْفَه
۲۲	۳ وادی عقیق
۲۲	۴ قرن المنازل
۲۲	۵ أدنی الحل
۲۳	احرام از محاذات یکی از میقاتها
۲۴	احکام میقات ها
۲۷	واجبات احرام
۲۷	واجبات احرام
۲۷	اول: پوشیدن لباس احرام

۳۳	دوم: نیت
۳۵	سوم: گفتن لبیک
۳۹	احکام احرام
۴۰	محرمات احرام
۴۰	محرمات احرام
۴۰	۱ پوشیدن لباس دوخته
۴۳	۲ پوشیدن چیزی که تمام پشت پاراپوشاند (برای مردان)
۴۴	۳ پوشانیدن سر (برای مردان)
۴۶	۴ پوشانیدن صورت (برای زنان)
۴۷	۵ زینت کردن
۴۸	۶ سرمه کشیدن
۴۸	۷ نگاه کردن در آینه
۴۹	۸ استعمال بوی خوش
۵۱	۹ مالیدن انواع روغنها و کرمها به بدن
۵۱	۱۰ ناخن گرفتن
۵۳	۱۱ زیر سایه رفتن در حال احرام (برای مردان)
۵۶	۱۲ زایل کردن مو از بدن
۵۸	۱۳ عقد ازدواج
۶۰	۱۴ نگاه کردن
۶۰	۱۵ لمس کردن
۶۰	۱۶ بوسیدن
۶۰	۱۷ نزدیکی کردن
۶۲	۱۸ استمناء کردن
۶۲	۱۹ کشتن حشرات
۶۲	۲۰ بیرون آوردن خون از بدن
۶۳	۲۱ کشیدن دندان

۶۳	..... ۲۲ دروغ و دشنام و تفاخر
۶۴	..... ۲۳ مجادله و نزاع
۶۶	..... ۲۴ شکار حیوانات صحرائی
۶۷	..... ۲۵ حمل اسلحه
۶۸	..... قطع درخت و گیاه حرم
۶۸	..... دیگر مسائل محرمات و کفارات احرام
۶۹	..... کفارات احرام به طور خلاصه
۶۹	..... ۲ طواف
۶۹	..... طواف
۶۹	..... شرایط پنج گانه طواف
۶۹	..... اول: نیت
۷۱	..... دوّم: طهارت از حدث
۷۱	..... طهارت از حدث
۸۲	..... حکم مسلوس
۸۳	..... حکم مبطون
۸۴	..... سوّم: طهارت از نجاست
۸۶	..... چهارم: ختنه برای مردان
۸۷	..... پنجم: پوشانیدن عورت
۸۷	..... پوشانیدن عورت
۸۷	..... طواف در لباس مشمول خمس
۸۷	..... حدّ پوشش در طواف
۸۸	..... واجبات هفتگانه طواف
۸۸	..... اول و دوّم: شروع از حجر الاسود و ختم به آن
۸۹	..... سوّم: خانه کعبه سمت چپ طواف کننده باشد
۹۳	..... چهارم: «حجر اسماعیل» داخل طواف باشد
۹۳	..... پنجم: طواف در خارج خانه کعبه باشد

۹۴	ششم: حدّ مطاف
۹۵	هفتم: موالات
۱۰۰	احکام طواف
۱۰۰	عدم تمکّن از طواف
۱۰۰	نقصان طواف
۱۰۰	کم یا زیاد کردن طواف
۱۰۴	قرآن در طواف
۱۰۵	شک در طواف
۱۰۷	نیابت در طواف
۱۰۸	دیگر سوالات طواف
۱۱۰	۳ نماز طواف
۱۱۰	نماز طواف
۱۱۰	محلّ نماز طواف
۱۱۳	کیفیت نماز طواف
۱۱۴	اصلاح قرائت نماز
۱۱۵	ترک نماز طواف
۱۱۶	زمان نماز طواف
۱۱۷	شک در نماز طواف
۱۱۸	وظیفه زنان حائض
۱۱۸	مسائل دیگر
۱۱۸	طوافهای مستحبّی
۱۲۱	۴ سعی صفا و مروه
۱۲۱	سعی صفا و مروه
۱۲۱	واجبات سعی
۱۲۱	واجبات سعی
۱۲۱	۱ نیت



- ۲ شروع از «صفا» ----- ۱۲۱
- ۳ ختم کردن به «مروه» ----- ۱۲۱
- ۴ سعی هفت دور تمام باشد ----- ۱۲۲
- ۵ سعی در داخل مسعی انجام گیرد ----- ۱۲۵
- ۶ سعی به صورت متعارف انجام گیرد ----- ۱۲۶
- ۷ غصبی نبودن لباس، ستر عورت در مردان و حجاب در زنان ----- ۱۲۷
- زمان انجام سعی ----- ۱۲۷
- احکام سعی ----- ۱۲۷
- ترک سعی ----- ۱۲۷
- قطع کردن سعی ----- ۱۲۸
- شکّ در سعی ----- ۱۲۹
- انجام محرمات احرام بعد از سعی ----- ۱۳۱
- طهارت از حدث ----- ۱۳۱
- امور باقی مانده در سعی ----- ۱۳۲
- ۵ تقصیر ----- ۱۳۴
- چگونگی تقصیر ----- ۱۳۴
- زمان تقصیر ----- ۱۳۶
- محلّ تقصیر ----- ۱۳۶
- شرایط تقصیر کننده ----- ۱۳۶
- احکام تقصیر ----- ۱۳۶
- ۶ و ۷ طواف نساء و نماز آن ----- ۱۳۸
- طواف نساء و نماز آن ----- ۱۳۸
- احکام مصدود و محصور ----- ۱۴۳
- مسائل متفرقه ----- ۱۴۶
- شرکت در نماز جماعت اهل سنت ----- ۱۴۶
- سجده گاه ----- ۱۴۸

۱۴۹	..... نماز مسافر
۱۵۰	..... روزه مستحبی
۱۵۱	..... وقت نماز و روزه
۱۵۱	..... اعلان عید
۱۵۱	..... حج و خمس
۱۵۲	..... لقطه (گمشده) حرم
۱۵۳	..... استفتائات مرتبط با مسائل عمره
۱۵۷	..... چند مسأله مهم و محلّ ابْتِلا در عمره
۱۶۱	..... آداب و مستحبات عمره
۱۶۲	..... مستحبات سفر
۱۶۲	..... مستحبات احرام
۱۶۵	..... مکروهات احرام
۱۶۵	..... مستحبات دخول حرم
۱۶۵	..... مستحبات ورود به مکه معظمه و آداب مسجد الحرام
۱۶۸	..... آداب و مستحبات طواف
۱۷۰	..... دعاهای اشواط طواف
۱۷۳	..... مستحبات نماز طواف
۱۷۴	..... مستحبات سعی
۱۷۵	..... دعاهای اشواط سعی
۱۸۱	..... مستحبات دیگر مکه معظمه
۱۸۱	..... طواف وداع
۱۸۱	..... قسمتی از مستحبات مدینه طیبه
۱۸۱	..... توضیح
۱۸۱	..... زیارت حضرت رسول اکرم(صلی الله علیه وآله)
۱۸۱	..... زیارت حضرت صدیقه(علیها السلام)
۱۸۲	..... زیارت جامعه که هر یک از ائمه(علیهم السلام)رامی توان با آن زیارت نمود

۱۸۲ ----- زیارت ائمه بقیع (علیهم السلام) -----

۱۸۴ ----- زیارت حضرت حمزه -----

۱۸۵ ----- زیارت وداع پیامبر (صلی الله علیه وآله) -----

۱۸۵ ----- زیارت وداع ائمه بقیع (علیهم السلام) -----

۱۸۶ ----- درباره مرکز -----

سرشناسه : مکارم شیرازی ناصر، ۱۳۰۵ -

عنوان و نام پدیدآور : مناسک عمره مفرده مکارم شیرازی تهیه و تنظیم مسعود مکارم.

مشخصات نشر : قم مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع) ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری : ۳۱۹ ص. ۱۲ × ۱۷ س م.

شابک : ۶۰۰۰ ریال (چاپ اول) ؛ ۸۰۰۰ ریال ۹۶۴-۸۱۳۹-۵۵-۵ ؛ ۱۰۰۰۰ ریال : چاپ چهارم ۸۷۹-۴۶۹-۹۳۱۸-۵۵-۶ :

یادداشت : چاپ اول : ۱۳۸۴.

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : چاپ چهارم: ۱۳۸۷.

موضوع : حج عمره

موضوع : حج عمره -- رساله عملیه موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه

شناسه افزوده : مکارم مسعود، ۱۳۴۶ -، گردآورنده

شناسه افزوده : مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)

رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۹۲ م/ ۳۸ ۵۸۳۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۳۸۴۶۷

## پیشگفتار

از آنجا که هر سال، خیل کثیری از مردم با ایمان و علاقه مند ما جهت بجا آوردن عمره مفرده عازم بیت الله الحرام شده و این اقبال روز به روز بیشتر می شود و از طرفی مواجهه روحانیون محترم با مسائل جدید و احساس نیاز نسبت به تدوین مناسکی جامع در این زمینه، سبب شد که بازنگری کاملی در کلیه مسائل عمره و تطبیق مسائل حج بر آن، زیر نظر حضرت آیه الله

العظمی مکارم شیرازی (مدّ ظلّه العالی) را به انجام برسانیم؛ تا از طرفی حجاج محترم به تمامی مسائل و آداب و اعمال این فریضه بزرگ آگاه شده و از طرف دیگر دغدغه های روحانیون محترم کاروانها نسبت به اطلاع از آخرین فتاوی معظّم له برطرف گردد و همگان بتوانند اعمال عمره را با خیالی آسوده به جای آورده و با دستی پر

از معنویت از این سفر روحانی بازگردند.

از مزایای این کتاب می توان به موارد زیر اشاره نمود: ۱ جمع آوری کلیه نظرات فقهی حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی در باب عمره که در کتب مختلف آمده، به همراه آخرین فتاوی معظم له. ۲ حذف مسائل تکراری و غیر ضروری و جایگزین شدن مسائل جدید بجای آن. ۳ قرار گرفتن مسائل و استفتائات هر موضوع در کنار هم برای سهولت در یافتن مسائل مورد نیاز. ۴ قرار گرفتن مسائل در ابواب و فصول مناسب. ۵ بکارگیری زبان و ادبیات روز. ۶ حذف مسائلی که امروزه مصداق خارجی ندارد.

از خوانندگان عزیز بویژه روحانیون محترم کاروان ها، صمیمانه درخواست می کنیم ما را از نظرات و پیشنهادهای خویش بهره مند سازند تا در چاپ های بعدی از آن استفاده کنیم. در خاتمه از جناب مستطاب حجه الاسلام والمسلمین آقای علیان نژادی که در تهیه این اثر ما را یاری نمودند، تشکر و سپاسگزاری کرده و از خداوند متعال توفیق و عزت ایشان را خواستاریم. مسعود مکارم ربیع الثانی ۱۴۲۶

**عمره مفرده**

**عمره مفرده**

مسأله ۱ عمره مفرده یکی از بهترین اعمال است، و فضیلت بسیار دارد. از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: «الْعُمْرَةُ كَفَّارَةٌ لِكُلِّ ذَنْبٍ (۱)؛ عمره کفاره تمام گناهان است (و پشت انسان را از بار گناه سبک می کند)». مسأله ۲ عمره را در هر ماهی از سال می توان بجا آورد؛ ولی در ماه رجب از همه ماهها بهتر است (۲)، و در اخبار اسلامی درباره آن بسیار تأکید شده است. مسأله ۳ عمره همانند حج بر دو قسم است: واجب و مستحب. مسأله

۴ کسی که فقط توانایی بر عمره مفرده داشته باشد احتیاط واجب آن است که آن را بجا آورد هر چند استطاعت و توانایی بر حج نداشته باشد، و یک مرتبه در تمام عمر بیشتر واجب نیست، بنابراین کسانی که حج نیابتی بجا می آورند، احتیاط واجب آن است که بعد از انجام عمل نیابت، عمره مفرده ای برای خود بجا آورند. مسأله ۵ هر کس قصد دارد وارد مکه شود واجب است با احرام وارد شود، و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد، و اگر موسم حج نیست واجب است عمره مفرده انجام دهد. لکن کسانی که به مقتضای شغلشان زیاد به مکه رفت و آمد می کنند (مانند رانندگان اتومبیل، و خدمه کاروانها)، از این حکم استثنا شده اند. همچنین کسانی که عمره بجا آورده اند اگر از مکه خارج شوند و دوباره در همان ماه داخل مکه شوند، احرام و عمره مجدد بر آنها واجب نیست. سؤال ۶ آیا انجام عمره مفرده در ماههای حج پیش از عمره تمتع جایز است؟ آیا در این مسأله فرقی بین ضروره و غیر ضروره هست؟

جواب: مانعی ندارد، و در این مسأله بین کسی که برای اولین بار به حج می رود و غیر او تفاوتی نیست. سؤال ۷ هرگاه شخصی رجاءاً به احرام عمره مفرده محرم شود، آیا باید در تمام اعمال عمره کلمه رجاء را در نیت بیاورد، یا این کار لازم نیست؟ جواب: همین اندازه که نیت رجاء در ذهن او نسبت به تمام اعمال عمره وجود دارد کافی است، و لازم نیست کلمه رجاء را تکرار کند. سؤال

۸ زنی که احتمال می دهد عادت شود و نتواند داخل مسجد الحرام گردد، آیا می تواند برای عمره مستحبی محرم شود، و اگر عادت شد برای طواف و نماز نایب بگیرد؟ همچنین اگر بیمار احتمال دهد که نتواند اعمال عمره مفرده را انجام دهد، آیا می تواند چنین کند؟ جواب: اشکال ندارد، و چنانچه وظیفه او نایب گرفتن شود برای طواف و نماز طواف نایب می گیرد، و بقیه را با رعایت ترتیب خودش انجام می دهد. سؤال ۹ آیا کسی که نمازش را غلط می خواند، و وقت تصحیح آن را ندارد، می تواند عمره مفرده مستحبی بجا آورد؟ جواب: اشکالی ندارد. سؤال ۱۰ آیا انجام عمره مفرده پس از اتمام عمره تمتع و قبل از آغاز اعمال حج تمتع، جایز است؟ جواب: نباید عمره مفرده بجا آورده شود، و اگر بجا آورند صحت آن محل اشکال است، ولی ضرری به عمره و حج تمتع نمی زند.

### فاصله معتبر بین دو عمره مفرده

مسأله ۱۱ شخصی که بیش از یک ماه در مکه بوده و همین مدت از عمره مفرده قبلی او گذشته، اگر برای کاری به جدّه رود و در بازگشت بدون احرام وارد مکه شود، کار خلاف شرعی انجام داده، و باید به میقات برگردد و محرم شود و عمره مفرده بجا آورد؛ زیرا با گذشتن ماه قمری، کسی که وارد مکه می شود باید عمره دیگری انجام دهد. مسأله ۱۲ کسانی که عمره را مثلاً در ماه شعبان بجا آورده، و در ماه رمضان به (جهت بازدید) به عرفات می روند، با توجه به این که از محدوده حرم خارج می شوند در بازگشت باید



محرم شوند، و عمره مفرده دیگری بجا آورند. مسأله ۱۳ تکرار عمره مانند تکرار حج مستحب است، ولی در هر ماه قمری بیش از یک عمره نمی توان بجای آورد. مسأله ۱۴ همان گونه که گفته شد در هر ماه قمری یک عمره مستحب است، بنابراین اگر کسی در اواخر ماه رجب وارد مکه شود و عمره مفرده بجا آورد، و بعداً ماه شعبان شروع شود، می تواند دوباره عمره مفرده ای بجا آورد، و اما در همان ماه، دو عمره مفرده اشکال دارد، و اگر کسی بخواهد در یک ماه بیش از یک عمره بجا آورد، به قصد رجاء انجام می دهد؛ یعنی به امید این که مطلوب درگاه الهی باشد (نه به نیت دستور قطعی) ولی بهتر آن است که زائران محترم به جای این گونه عمره های مکرر، به طواف بردازند که مشروعیت آن مسلم است. مسأله ۱۵ اگر در روز آخر ماه، مُحرم شود و اعمال را در ماه بعد انجام دهد، در صورتی که بعد از اعمال برای بازدید به عرفات برود، آیا در برگشت عمره دیگری بر او واجب نیست؟ جواب: اگر ماه رجب می گذرد برای درک فضیلت عمره این ماه می تواند محرم شده و اعمال را در ماه شعبان انجام دهد ولی نمی تواند عمره دیگری را در ماه شعبان بجای آورد. سؤال ۱۶ فرموده اید که: «در هر ماه قمری بیش از یک عمره نمی توان انجام داد» آیا در این مسأله بین دو عمره مفرده ای که برای خودش بجا می آورد، با دو عمره مفرده ای که هر دو، یا یکی از

آنها را به نیابت از دیگران انجام می دهد، تفاوتی هست؟ جواب: تفاوتی نمی کند. سؤال ۱۷ هرگاه در یک ماه قمری دو عمره مفرده انجام دهد، و عمره دوم نیابتی باشد، آیا نایب می تواند برای انجام آن اجرت بگیرد؟ و چنانچه عمره مفرده بر منوب عنه واجب شده باشد، آیا چنان عمره ای کفایت می کند؟ جواب: لازم است احتیاط را مراعات کند، و چنانچه با اطلاع اجیر کننده از آنچه انجام شده اجرت بگیرد اشکال ندارد ولی کفایت کردن چنین عمره ای از عمره واجب محل اشکال است. سؤال ۱۸ همان گونه که عمره مفرده را قبل از عمره تمتع، هر چند در همان ماه قمری باشد، اجازه داده اید، آیا بعد از عمره تمتع و قبل از حج نیز می توان در همان ماه قمری عمره مفرده ای انجام داد، یا باید به قصد رجاء باشد؟ جواب: اشکال دارد. سؤال ۱۹ گاه محل توزیع کالا در مکه مکرمه یک کیلومتر بعد از مسجد تنعیم قرار دارد. وظیفه خدمه ای که مجبورند برای گرفتن سهمیه کاروان به آن محل رفت و آمد کنند، چیست؟ جواب: در عمره مفرده، هرگاه قبل از گذشتن ماهی که در آن عمره انجام داده، خارج شود و باز گردد، تکرار عمره لازم نیست؛ اما اگر در ماه بعد برگردد، باید از همان مسجد تنعیم محرم شود، و عمره به جا آورد، مگر این که شغلش به طور مرتب رفت و آمد به بیرون حرم باشد. سؤال ۲۰ بعضی از فقها می گویند: «خدمه ای که می خواهند از مکه خارج شوند، اگر فقط به جدّه بروند برای ورود

مجدد به مکه لازم نیست محرم شوند، ولی اگر به مدینه بروند، برای ورود مجدد به مکه باید دوباره در مسجد شجره محرم شده، و با احرام وارد مکه شوند» نظر حضرت تعالی چیست؟ جواب: اگر بازگشت او در همان ماه قمری باشد که خارج شده، احرام مجدد لازم نیست، و اگر در ماه بعد بوده، باید مجدداً محرم شود و اعمال را بجا آورد. سؤال ۲۱ هرگاه خدمه کاروانها، عمره مفرده را بجا آورده باشند، آیا هر بار که از مکه خارج می شوند و برای انجام کارهای کاروان مثلاً به جدّه می روند، در موقع بازگشت به مکه باید محرم شوند؟ جواب: لازم نیست محرم شوند، مگر این که در ماه بعد (ماه قمری دیگر) وارد شوند.

## پی نوشتها

۱. وسائل الشیعه، جلد ۸، صفحه ۶۶، ابواب وجوب الحج، باب ۳۸، حدیث ۷، و جلد ۱۰، صفحه ۲۴۰، ابواب العمره، باب ۳، حدیث ۷. ۲. روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد، که تنها در کتاب وسائل الشیعه، جلد ۱۰، صفحه ۲۳۹، ابواب العمره، باب ۳، شانزده روایت نقل شده است.

## اعمال عمره مفرده

### اعمال عمره مفرده

مسأله ۲۲ اعمال عمره مفرده هفت چیز است: ۱ احرام از میقات. ۲ طواف خانه خدا (هفت دور). ۳ نماز طواف. ۴ سعی صفا و مروه. ۵ تقصیر، یعنی کوتاه کردن مو و ناخن. ۶ طواف نساء. ۷ نماز طواف نساء.

## ۱ احرام از میقات

### احرام از میقات

#### میقات

مسأله ۲۳ منظور از میقات جایی است که باید از آنجا برای عمره احرام بست، و بدون احرام نمی توان از آن گذشت. مسأله ۲۴ محل بستن احرام عمره، ادنی الحل یعنی اولین نقطه خارج از حرم است و جایز است از یکی از میقاتهای معروف پنج گانه محرم شود ولی بهتر این است احرام عمره مفرده نیز از یکی از میقات های پنجگانه انجام گیرد، بنابراین کسانی که قصد عمره مفرده دارند و قبلاً به مدینه می روند، بهتر است از مسجد شجره یا لااقل از جحفه محرم شوند؛ هر چند از «حدیبیه» یا محاذی آن در جاده جدید نیز مانعی ندارد.

## میقات های پنج گانه

### ۱ مسجد شجره

مسأله ۲۵ «مسجد شجره» در کنار مدینه قرار دارد، و امروز به نام «آبار علی» معروف است، آن را «ذو الحلیفه» نیز می نامند.

تمام کسانی که می خواهند از راه مدینه به حج بروند باید از آنجا مُحرم شوند، و جایز نیست تأخیر بیندازند، و مثلاً از «جحفه» که میان راه مکه و مدینه است محرم شوند، مگر بیماران و افراد ضعیف و کسانی که موانع دیگری دارند، و نمی توانند از مسجد شجره محرم شوند. مسأله ۲۶ واجب نیست احرام از داخل مسجد شجره باشد، بلکه می توان در کنار مسجد نیز احرام بست، و تفاوتی میان مسجد سابق، و مسجد امروز که بسیار توسعه یافته وجود ندارد؛ بنابراین، زنانی که در حال عادت ماهانه هستند می توانند در بیرون مسجد احرام ببندند. مسأله ۲۷ شخص جنب یا حائض می تواند در حال عبور از مسجد محرم شود، و نباید در مسجد توقّف کند. همان

گونه که می تواند در خارج از مسجد محرم شود.

مسأله ۲۸ چنانچه شخص جنب یا حائض بر اثر ازدحام جمعیت نتواند در حال عبور از مسجد احرام ببندد، و بنا به عللی موقف بر غسل نیز نشود، می تواند تیمم بدل از غسل حیض یا جنابت کند، و از داخل مسجد محرم شود، و نیز می تواند بیرون مسجد احرام ببندد. مسأله ۲۹ احتیاط مستحب آن است که از خود مسجد شجره محرم شوند، نه در کنار و اطراف مسجد، و مستحب است که در محل اصلی و قدیمی مسجد احرام ببندند؛ هر چند در قسمتهای توسعه یافته مسجد، بلکه در خارج از مسجد چنان که گفتیم نیز می توان احرام بست. سؤال ۳۰ هر گاه حائض یا جنب، عمداً و عسیاناً وارد مسجد شجره شده، و همانند دیگران در آنجا توقف نموده، و محرم شود. آیا احرامش صحیح است؟ جواب: اگر عمداً باشد خالی از اشکال نیست؛ ولی همان گونه که قبلاً گفته ایم احرام از خارج مسجد نیز جایز است.

## ۲ جُحْفَه

مسأله ۳۱ «جحفه» محلی است میان مکه و مدینه در فاصله ۱۵۰ کیلومتری مکه، و فعلاً با جاده اصلی مقداری فاصله دارد، و در آنجا مسجد بزرگی ساخته اند، و آن، میقات کسانی است که از مصر و شمال آفریقا و سوریه و اردن و لبنان (از طریق زمینی) به حج می آیند، بلکه میقات تمام کسانی است که از آنجا عبور می کنند. مسأله ۳۲ مسلمانان ایران و سایر نقاط که با هواپیما وارد فرودگاه جدّه می شوند، و نمی خواهند به مدینه بروند، می توانند به جحفه رفته

و از آنجا محرم شوند. مسأله ۳۳ همان گونه که گفته شد در جحفه مسجدی است که می توان از بیرون یا داخل آن احرام بست، و بهتر داخل مسجد است، ولی زنان حائض از بیرون مسجد محرم می شوند.

### ۳ وادی عقیق

مسأله ۳۴ «وادی عقیق» محلی است در سمت شمال شرقی مکه، که حدود ۹۴ کیلومتر با آن فاصله دارد، و آن، میقات اهل عراق و مردم «نجد» است، و تمام کسانی که از آن محل عبور می کنند، می توانند از آنجا مُحَرَّم شوند. این میقات دارای سه قسمت است: قسمت اول را «مَسْلَخ» می نامند، و قسمت دوم را «عَمْرَه»، و قسمت سوم را «ذات عرق» می گویند، و احرام بستن از تمام آنها جایز است، هر چند افضل احرام از «مسلخ» است.

### ۴ قرن المنازل

مسأله ۳۵ «قرن المنازل» محلی است نزدیک «طائف» که حدود ۹۴ کیلومتر با مکه فاصله دارد، و آن میقات مردم آنجا، یا کسانی است که از آنجا عبور می کنند. بلکه تمام کسانی که وارد جدّه می شوند، می توانند به آنجا رفته و از آنجا محرم شوند، هم اکنون در آنجا مسجدی وجود دارد که همه می توانند از آن محرم شوند.

### ۵ أدنی الحل

مسأله ۳۶ «أدنی الحل» یعنی اولین نقطه خارج از حرم، میقات کسانی است که عمره مفرده بجا می آورند. مسأله ۳۷ بهتر این است که برای عمره مفرده از یکی از این سه محل: «حدیبیه» یا «جعرانه» یا «تنعیم» که نزد اهل مکه معروف است، احرام ببندد، و آسانتر برای کسانی که می خواهند بعد از حج، عمره مفرده بجا آورند این است که به مسجد تنعیم که حدود هشت کیلومتر با مسجد الحرام فاصله دارد و در حال حاضر جزء شهر مکه است بروند، و از آنجا محرم شوند. مسأله ۳۸ کسانی که از طریق جدّه مستقیماً برای عمره مفرده به سوی مکه می روند باید از «حدیبیه» که فاصله آن با مکه حدود ۱۷ کیلومتر است، محرم شوند (حدیبیه دورترین حدّ حرم است). (۱) مسأله ۳۹ شاغلین در جدّه (از ایرانیان و سایر کشورها) در عمره مفرده می توانند مانند سایرین از «حدیبیه» یا محاذی آن در جاده جدید محرم شوند، و چنانچه بر اثر جهل به مسأله در جای دیگری محرم شوند، احرام آنها صحیح نیست، و محرّمات احرام بر آنها حرام نمی شود. در صورت علم و عمد نیز حکم مسأله همین است، ولی در صورت

جهل، اگر بعد از اعمال مسأله را بفهمند عمل

آنان صحیح است.

### احرام از محاذات یکی از میقاتها

مسأله ۴۰ کسانی که از میقات نمی گذرند هرگاه به محاذات هر یک از میقاتها برسند باید از همانجا محرم شوند، و لزومی ندارد که حتماً به یکی از میقاتهای پنجگانه معروف بروند، و اگر از محاذات دو میقات می گذرند باید وقتی به محاذات نخستین میقات می رسند احرام ببندند، و در محاذات میقات بعد، نیت احرام را تجدید نمایند. مسأله ۴۱ کسانی که از محاذات غیر مسجد شجره عبور می کنند، احتیاط مستحب آن است که قبل از رسیدن به محاذات، به نذر محرم شوند، و بهتر آن است که در محاذات تجدید احرام کنند (ولی واجب نیست). مسأله ۴۲ منظور از محاذات برای کسی که به طرف مکه می رود آن است که به جایی برسد که میقات در سمت راست یا چپ او واقع شده، به گونه ای که اگر از آن نقطه عبور کند میقات متمایل به پشت او گردد.

مسأله ۴۳ اگر محاذات را نداند باید از اهل اطلاع مورد اطمینان پرسد، و اگر نتواند مکان محاذات را تشخیص دهد، قبل از رسیدن به محلی که احتمال می دهد محاذات باشد بنابر احتیاط با نذر محرم می شود. مسأله ۴۴ هرگاه از راهی بگذرد که محاذی هیچ یک از میقاتها نیست (مانند جدّه)، احتیاط آن است که به میقات رود و از آنجا محرم شود، یا به جایی برود که محاذی یکی از میقاتها باشد، و اگر آن هم امکان ندارد، از هر جا که احتمال می دهد محاذی یکی از میقاتهاست محرم می شود، سپس

به اولین نقطه حرم (در اطراف مکه) که رسید، احرام خود را تجدید می کند (یعنی دوباره نیت نموده، و لیتیک گوید). مسأله ۴۵ در مسأله محاذات میقات، فرقی میان صحرا و دریا نیست. مسأله ۴۶ محاذات با علم و یقین و نیز شهادت دو شاهد عادل ثابت می شود، و اگر از این دو راه ثابت نشد، هرگاه از قول کسانی که مطلع به آن مکانها هستند گمان قوی حاصل شود کافی است. همچنین از قول کسانی که اهل خبره هستند، و از روی قواعد علمی محاذات را تعیین می کنند، اگر گمان قابل ملاحظه ای حاصل شود ظاهراً کافی است. مسأله ۴۷ در صورتی که ثابت نشود «رائع» محاذی جحفه است، احرام از آن محل صحیح نیست.

## احکام میقات ها

مسأله ۴۸ احرام بستن قبل از میقات جایز نیست. همان گونه که گذشتن از میقات بدون احرام حرام است، و تنها باید در خود میقات محرم شوند؛ مگر در دو صورت: ۱ در صورتی که نذر کند قبل از میقات محرم شود، لازم است به نذر خود وفا کند، از هر جا که باشد، و نیازی به تجدید احرام در میقات نیست، به همین جهت هنگامی که انسان در میقات یا محاذات آن شک کند، می تواند قبل از رسیدن به محلّ مشکوک، «نذر احرام» نماید، و از همان جا محرم شود، و فرقی میان حجّ واجب و مستحب نیست؛ و نذر زن در صورتی که مزاحم حقّ شوهر نباشد اشکالی ندارد. ۲ برای کسی که می خواهد عمره ماه رجب را بجا آورد، و بیم آن دارد که ماه رجب قبل از رسیدن



به میقات تمام گردد، جایز است قبل از میقات محرم شود، تا فضیلت عمره ماه رجب را درک کند. مسأله ۴۹ رسیدن به میقات باید به طور یقین، یا اطمینان، یا شهرت در میان اهل محل، یا حدّ اقل شهادت یک نفر عادل ثابت شود، و در صورت شک، احرام بستن جایز نیست؛ مگر از طریق نذر کردن. مسأله ۵۰ کسانی که میقات برای آنها مشخص نیست نمی توانند به گفته راهنما، یا رئیس کاروان، که می گوید فلان محل میقات است، محرم شوند، مگر این که از گفته آنها اطمینان پیدا کنند، بلکه ظنّ حاصل از گفته اهل اطلاع نیز کافی است. در غیر این صورت باید به اهل محل مراجعه کنند. مسأله ۵۱ عبور از میقات بدون احرام جایز نیست، مگر این که میقات دیگری در پیش داشته باشد که در این صورت احرام از میقات دوم صحیح است؛ هر چند کار خلافی کرده است. مسأله ۵۲ جایز نیست اختیاراً احرام را از میقات تأخیر بیندازد. بلکه احتیاط واجب آن است که از محاذات میقات هم بدون احرام عبور نکند؛ اگرچه میقات دیگری بعد از آن باشد. مسأله ۵۳ کسانی که برای عمره مفرده به مکه مشرف می شوند، و باید به یکی از مواقیت معروفه بروند، نمی توانند بدون احرام از میقات عبور کنند، و اگر چنین کنند، واجب است به میقات بازگردند، و از آنجا محرم شوند، و اگر نتوانند برگردند، از همان جا که هستند محرم می شوند. مسأله ۵۴ اگر بدون احرام از میقات بگذرد، و میقات دیگری بعد از آن میقات باشد، لازم نیست به میقات اول

بازگردد، بلکه از میقات دوّم محرم می شود. مسأله ۵۵ هرگاه از روی جهل یا فراموشی در میقات محرم نشود، هنگامی که یادش آمد اگر بیرون حرم است، باید از همان جا احرام بیند، و اگر وارد حرم شده به بیرون حرم (مثلاً تنعیم) برود و احرام بیند، و اگر نمی تواند از حرم بیرون برود، از همان جا که هست احرام می بندد. مسأله ۵۶ هرگاه زن در حال عادت ماهیانه باشد، و خیال کند احرام بستن برای او جایز نیست، و در میقات احرام نیند، اگر می تواند، باید به میقات برگردد و مُحرم شود، و اگر نمی تواند، به خارج حرم رود و در آنجا احرام بیند، و اگر نمی تواند، از همان جا که هست احرام بیند، و عمره او صحیح است. مسأله ۵۷ هرگاه از روی جهل یا فراموشی احرام را ترک کند، و بعد از تمام شدن اعمال متوجّه شود، اعمال او صحیح است. مسأله ۵۸ کسی که با احرام عمره مفرده وارد مکه می شود، در صورتی که در ماههای حج (سؤال، ذی القعدة و ذی الحجه) احرام بسته باشد، جایز است آن را عمره تمتّع قرار دهد، و به دنبال آن حجّ تمتّع بجا آورد. سؤال ۵۹ آیا نذر احرام قبل از میقات برای نایب هم جایز است؟ جواب: اشکال ندارد. سؤال ۶۰ زنی بدون اجازه شوهرش نذر نموده، و قبل از رسیدن به میقات با نذر محرم می شود. آیا احرام وی و اعمال پس از آن صحیح است؟ جواب: اگر نذر او منافاتی با حقّ شوهرش ندارد، احرامش صحیح است.

۱. حدیثیه در کنار جاده قدیم

«جده، مکه» واقع شده، و محاذی آن در جاده جدید در نزدیکی پل شمشیه مسجدی ساخته اند که محاذی آن است، و می توان از آنجا محرم شد.

## واجبات احرام

## واجبات احرام

مسأله ۶۱ نخستین اعمال عمره مفرده «احرام» است و واجبات احرام سه چیز است: پوشیدن لباس احرام، تیت و گفتن لبیک.

### اول: پوشیدن لباس احرام

مسأله ۶۲ شخصی که می خواهد احرام ببندد واجب است قبلاً لباسهایی را که پوشیدنش بر محرم حرام است از تن بیرون آورد، سپس دو جامه احرام را بر تن کند. یکی را (که ازار گویند) به صورت لنگ دور کمر ببندد، و دیگری را مانند عبا بر دوش ببندد (و آن را «رداء» گویند). این حکم مخصوص مردان است، و برای زنان پوشیدن دو جامه احرام، نه زیر لباسها و نه روی لباسها، لازم نیست. بلکه همان لباسها، لباس احرامشان محسوب می شود.

مسأله ۶۳ احتیاط واجب آن است که دو جامه احرام و طرز پوشیدن آن به همین شکلی که معمول است باشد یعنی لنگ را طوری ببندد که لااقل از ناف تا زانو را بپوشاند، و رداء را روی شانه بپوشاند، به طوری که بقیه بدن را بپوشاند، ولی جنس و رنگ خاصی در جامه احرام شرط نیست، اما نباید دوخته باشد. مسأله ۶۴ احتیاط واجب آن است که پوشیدن دو جامه احرام قبل از تیت و گفتن لبیک باشد، و اگر بعد از لبیک بپوشد، احتیاط آن است که لبیک را دوباره بگوید. مسأله ۶۵ احتیاط واجب آن است که لنگ را به گردن نزنند، و اگر از روی جهل یا فراموشی گره بزنند احتیاط آن است که فوراً باز کند، ولی به احرامش ضرری نمی زند و چیزی بر او نیست (اما گره زدن آن به دور کمر مانعی ندارد). و بهترین راه آن

است که روی لنگ کمر بند یا مانند آن ببندد تا کاملاً راحت باشد؛ اما گره زدن دو طرف رداء مانعی ندارد. همچنین بستن آن به وسیله سنجاق، یا گذاشتن سنگی در یک طرف حوله و بستن آن با یک قطعه کش یا نخ به طرف دیگر (آن گونه که در میان بعضی از حجاج معمول است) نیز مانعی ندارد؛ هر چند ترک این امور بهتر است. مسأله ۶۶ احتیاط واجب آن است که در حال اختیار به یک جامه بلند، که مقداری از آن را لنگ و مقداری را رداء قرار می دهند، اکتفا نکنند؛ بلکه باید دو جامه جداگانه باشد. مسأله ۶۷ احتیاط واجب آن است که در پوشیدن جامه احرام قصد قربت و جلب رضای الهی داشته باشد، و احتیاط مستحب آن است که به هنگام بیرون آوردن جامه دوخته هم قصد قربت داشته باشد. مسأله ۶۸ تمام چیزهایی که در لباس نمازگزار شرط است در دو جامه احرام نیز شرط می باشد؛ بنابراین لباسهای احرام باید پاک باشد، و از اجزای حیوان حرام گوشت، یا ابریشم خالص، و زربفت نباشد. (در این حکم، بنابر احتیاط واجب، فرقی میان زن و مرد نیست، هر چند در نماز در مورد پارچه ابریشم و زربفت میان زن و مرد تفاوت است). مسأله ۶۹ در مواردی که نجس بودن لباس نمازگزار بخشوده شده، در لباس احرام نیز بخشوده شده است. مسأله ۷۰ إزار (لنگ) باید بدن نما نباشد، و احتیاط واجب آن است که رداء نیز چنین نباشد. مسأله ۷۱ احتیاط واجب آن است که جامه احرام از پوست نباشد. مسأله ۷۲ احتیاط واجب آن است

که جامه احرام منسوج و بافتنی نباشد، و چیزهایی مانند نمد کافی نیست. مسأله ۷۳ واجب نیست همیشه لباس احرام را به تن داشته باشد؛ بلکه می تواند برای شستن، یا عوض کردن، یا حَمَّام رفتن، یا مقصود دیگری، موقتاً آن را از تن درآورد. مسأله ۷۴ هرگاه لباس احرام نجس شود باید آن را بشوید، و اگر میسر نبود هر وقت ممکن شد اقدام به تطهیر آن می کند. (و اگر رداء نجس شود می تواند موقتاً آن را بردارد) و احتیاط آن است که اگر بدن نیز در حال احرام نجس شود، مبادرت به تطهیر آن کند. مسأله ۷۵ اگر جامه احرام یا بدن را تطهیر نکند کفاره ندارد. مسأله ۷۶ هرگاه محرم جامه احرام را بنا بر عللی عوض کرده، بهتر است هنگامی که وارد مکه می شود، برای طواف همان جامه ای را که در آن محرم شده، بپوشد. مسأله ۷۷ اگر از روی نادانی یا فراموشی در حالی که پیراهن یا لباسهای معمولی دیگر در تن دارد احرام ببندد، احرام او صحیح است؛ ولی باید فوراً آن لباس را از تن بیرون آورد، و فقط لباس احرام بپوشد، و اگر این کار از روی علم و عمد باشد، احتیاط آن است که در این صورت بعد از بیرون آوردن آن لباس و پوشیدن لباس احرام، دوباره نیت کند و لَبَّيْكَ بگوید. مسأله ۷۸ هرگاه بعد از احرام به خاطر ندانستن مسأله یا فراموشی، پیراهن به تن کند احرامش صحیح است؛ ولی باید آن را از طرف پایین درآورد، و اگر ممکن نشد، باید آن را بشکافد و بیرون آورد. مسأله ۷۹

هرگاه بیمار باشد و نتواند لباس معمولی خود را در میقات از تن در آورد، کافی است نیت احرام کند و لَبِيْكَ بگوید، و در صورت امکان لباسهای معمولی را موقتاً در آورد و لباس احرام بپوشد و محرم شود، و بعداً اگر ناچار است لباس معمولی خود را به تن کند، و اگر در میقات این کار ممکن نشد، و بعداً حال او برای پوشیدن لباس احرام مساعد شد، احتیاط واجب آن است که اگر توانایی دارد به میقات برگردد، و مجدداً احرام ببندد، و اگر بازگشت به میقات میسر نبود، از همان جا لباس را عوض می کند، و تجدید احرام لازم نیست. مسأله ۸۰ پوشیدن بیش از دو جامه (مثلاً دو حوله) برای احرام جهت جلوگیری از سرما یا گرما یا غیر آن، اشکالی ندارد. مسأله ۸۱ هرگاه محرم بر اثر سردی هوا، یا علّت دیگر، ناچار شود لباس دوخته بپوشد، این کار اشکالی ندارد، ولی اگر ممکن است، لباس دوخته را پایین و بالا کند و بر دوش بیندازد، و دست در آستین آن نکند، و احتیاط آن است که آن را پشت و رو نیز بنماید، و اگر اضطرار به پوشیدن لباس دوخته به این نوع پوشش رفع نمی شود، می تواند به طور معمولی لباس بپوشد. سؤال ۸۲ آیا به هنگام پوشیدن لباس احرام، چه در میقات باشد یا ساعتها قبل از بستن احرام در مدینه صورت گرفته باشد، قصد خاصّی لازم است؟ جواب: هیچ قصدی لازم نیست، بلکه هنگام احرام مطابق آنچه در بحث احرام گذشت نیت می کند. سؤال ۸۳ هرگاه شخصی در میقات، یا محاذات آن،

یا ادنی الحل، یا شهر مکه، و خلاصه هر جا که وظیفه اش بوده محرم شود، و سپس پشیمان گردد، آیا می تواند احرامش را بر هم بزند؟

جواب: نمی تواند از احرام خارج شود. حتی اگر لباس احرام را از تن بیرون کند، و لباس دوخته بپوشد، و قصد بیرون آمدن از احرام نکند، احرامش به هم نمی خورد، و آنچه به سبب احرام بر او حرام شده حلال نمی شود، و اگر کاری کند که موجب کفاره است، باید کفاره بدهد و راه خروج از احرام فقط انجام عمره یا حج است که نیت آن را کرده است. سؤال ۸۴ بعضی از مردان محرم برای این که موقع وزش باد، یا به هنگام سوار شدن ماشین، یا مانند آن، عورت آنها ظاهر نشود، علاوه بر دو حوله احرام، یک متر پارچه ندوخته از وسط پا عبور می دهند، به گونه ای که دو طرف پارچه از جلو و عقب زیر حوله قرار می گیرد. این عمل چه حکمی دارد؟ جواب: اشکال ندارد ولی اجتناب از این گونه کارها جز در موارد ضروری بهتر است. سؤال ۸۵ آیا لباس احرام منحصر به دو جامه است، و نباید بیشتر باشد؟ جواب: مقدار واجب آن دو جامه است، و زیادتر مانعی ندارد؛ مشروط بر این که مانند لباس احرام باشد، مثلاً از حوله های متعدد استفاده کند. سؤال ۸۶ اینجانب به علت قطع نخاع و عدم کنترل بول و مشکلات دیگر، نمی توانم بدن و لباس احرام خود را پاک نگهدارم، وظیفه ام چیست؟ جواب: آن مقدار که می توانید محافظت کنید، و آنچه موجب عُسر و

حرج است اشکالی ندارد. سؤال ۸۷ اگر لباس احرام زنان به قدری نازک باشد که بدن آنها نمایان گردد، آیا به اعمال حج آنان ضرری می‌رساند؟ جواب: این کار برای احرام اشکال دارد و طواف و نماز طواف را باطل می‌کند. سؤال ۸۸ طبق فتوای بعضی از مراجع که فرموده‌اند: «احتیاطاً زنان هم مثل مردان محرم شوند» آیا زن بعد از پوشیدن حوله‌های احرام، می‌تواند حوله‌ها را کنار بگذارد، و اعمال حج را با لباس معمولی اش انجام دهد؟ جواب: زنان می‌توانند در همان لباسهای معمولی محرم شوند، و پوشیدن حوله‌های احرام لازم نیست، و به فرض که احتیاطاً با آن محرم شوند، بعد می‌توانند بیرون آورند. سؤال ۸۹ اگر جامه احرام را از پول خمس یا زکات نداده خریداری باشند، آیا احرام در آن صحیح است؟ جواب: احرام در آن حرام است. سؤال ۹۰ آیا پرداخت خمس لباس احرام، که معلوم نیست از پول خمس نداده تهیه شده، یا از پولی که خمس به آن تعلق نگرفته (مانند مال الارث) واجب است؟ جواب: با فرض شک در تعلق خمس، پرداختن خمس آن لازم نیست، هر چند احتیاط در آن مطلوب است. سؤال ۹۱ چنانچه شخصی که سال خمسی نداشته به عمره مفرده مشرف شود، و با همان پولهای خمس نداده هزینه‌های عمره، از جمله لباس احرام را تأمین نماید. عمره او چه حکمی دارد؟ جواب: اعمال او اشکال دارد. سؤال ۹۲ شخصی با پول خمس نداده لباس احرام خریده، و با همان لباس محرم شده، و طواف و نماز طواف را بجا آورده است.



اکنون وظیفه اش چیست؟

جواب: اگر از روی علم و عمد نبوده، عمره و حجّ او صحیح است، ولی در صورتی که جاهل مقصّر بوده، احتیاط واجب آن است طواف و نماز آن، را اعاده کند. سؤال ۹۳ غسل احرام، زیارت و مانند آن، تا چه زمانی اعتبار دارد؟ و با چه چیزهایی باطل می شود؟ جواب: تا یک روز معتبر است و اگر حدث اصغر از او سرزند، به قصد رجا آن را اعاده می کند، ولی واجب نیست.

### دوم: نیت

مسأله ۹۴ نیت احرام چنین است که قصد می کند اموری را که بعداً به آن اشاره می شود بر خود حرام بشمرد، و به دنبال آن به اعمال عمره پردازد، و کافی است با در نظر گرفتن این معنی، به زبان، یا در قلبش بگوید: «احرام می بندم برای عمره مفرده برای خودم (یا برای کسی که از طرف او نیابت دارم) قربه الی الله» و منظورش از «احرام می بندم» بناگذاری بر تحریم کارهای مزبور بر خویش است.

مسأله ۹۵ لازم نیست نیت را بر زبان جاری کند، بلکه کافی است چنین قصدی در دل او باشد، ولی بهتر است علاوه بر قصد باطنی، بر زبان نیز جاری سازد. مسأله ۹۶ مستحبّ است ولیّ طفل غیر ممیز، یا هر کسی که عهده دار کارهای کودک است او را محرم کند، و لباس احرام بر وی بپوشاند، و از طرف او نیت کند یعنی به هنگام عمره مفرده بگوید: «این طفل را محرم می کنم به عمره مفرده قربه الی الله» و در صورت امکان او را وادار کند که لبیک بگوید،

و اگر توانایی ندارد خودش از طرف او تَبِيك بگوید؛ اما اگر ولی می‌ترسد که نتواند وظائف مربوط به کودک را بدرستی انجام دهد، بهتر است از محرم کردن وی صرف‌نظر کند. مسأله ۹۷ هرگاه در موقع نیت احرام قصد شکستن بعضی از محرمات را داشته باشد (مثل این که در همان موقع در حال سفر باشد، و بدون ضرورت زیر سقف اتومبیل یا هواپیما قرار گیرد) برای احرام او خالی از اشکال نیست، و اگر در آغاز نیت ترک همه را داشته، ولی پس از احرام نیت او عوض شود، یا بعضی از آن اعمال را مرتکب گردد، ضرری به احرام او نمی‌زند؛ هر چند در مواردی باید کفاره دهد. مسأله ۹۸ دانستن اموری که بر محرم حرام است به طور مشروح لازم نیست؛ بلکه کافی است به طور اجمال نیت ترک همه را داشته باشد. سؤال ۹۹ هرگاه کسی که به دیگران «نیت احرام» و «تلبیه» را تلقین می‌کرده، فراموش کند که خودش نیت نماید، وظیفه اش چیست؟ جواب: اگر به قصد انجام عمره تلبیه نگفته، محرم نشده است، و باید در صورت امکان به میقات بازگردد و محرم شود، و اگر بازگشت به میقات ممکن نیست، به خارج حرم می‌رود و در آنجا مجدداً احرام می‌بندد. سؤال ۱۰۰ هرگاه شخصی رجاءاً به احرام عمره مفرده محرم شود، آیا باید در تمام اعمال عمره کلمه رجاء را در نیت بیاورد، یا این کار لازم نیست؟ جواب: همین اندازه که نیت رجاء در ذهن او نسبت به تمام اعمال عمره وجود دارد کافی است، و لازم نیست

کلمه رجاء را تکرار کند.

سؤال ۱۰۱ آیا قصد باطل کردن عمره، یا قسمتی از مناسک آن (بدون آن که هنگام قصد ابطال عمل را ادامه دهد) موجب بطلان آن می گردد؟ جواب: قصد ابطال موجب بطلان نمی گردد.

### سوم: گفتن لبیک

مسأله ۱۰۲ واجب است هنگام احرام «لبیکهای چهارگانه» را به عربی صحیح بگوید، و احتیاط واجب آن است که بصورت زیر باشد: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ؛ یعنی خداوندا! اجابت (و اطاعت) می کنم دعوت تو را، و دگر بار هم اجابت می کنم تو را، همتایی برای تو نیست، اجابت می کنم تو را، ستایش تنها تو را سزاوار است، و نعمت و ملک از آن تو است، هیچ همتایی نداری!». مسأله ۱۰۳ احتیاط واجب آن است از افزودن لبیک پنجم و عبارات دیگر خودداری شود؛ مگر آنچه در مستحبات خواهد آمد. مسأله ۱۰۴ واجب است لبیکهای چهارگانه فوق را، همانند تکبیره الاحرام نماز، به طور صحیح اداء کند. مسأله ۱۰۵ در صورتی که زائر نتواند این عبارات را با عربی صحیح ادا کند، باید آن را یاد بگیرد، و اگر نتواند، یا وقت نباشد، کافی است دیگری شمرده شمرده برای او بخواند و او تکرار نماید، و چنانچه قادر بر تلفظ صحیح نباشد، احتیاط آن است آنچه را می تواند بخواند، و ترجمه آن را نیز بگوید. مسأله ۱۰۶ شخص گنگ بجای گفتن «لبیک» با دست خود اشاره می کند، و زبان خود را طبق معمول حرکت می دهد، و بهتر است علاوه بر این، کسی به نیابت از او نیز

لَبِيك بگویند، ولی واجب نیست. مسأله ۱۰۷ کودکان نیز می توانند برای عمره مُحْرَم شوند، و چنانچه خودشان تمیز بدهند «لَبِيك» را همراه با نیت می گویند، و اگر غیر ممیز باشند کسی از طرف آنها نیت می کند و لَبِيك می گوید، و هرگاه کسی در میقات بیهوش باشد، از طرف او نیز می توان نیت کرد و لَبِيك گفت. مسأله ۱۰۸ در احرام فقط یک بار لَبِيك گفتن (به صورتی که گفته شد) واجب است، و بعد از آن، مستحب است آن را در حالات مختلف به مقدار امکان تکرار کند؛ یعنی در موقع سوار شدن بر مرکب و پیاده شدن، و گذشتن از پستیها و بلندیها، و پس از خواب، و بعد از نمازها تکرار می نماید، و بهتر است مردان صدای خود را به لَبِيك بلند کنند. مسأله ۱۰۹ در احرام عمره مفرده واجب است هنگام مشاهده کعبه اگر از مکه برای احرام به خارج رفته است، و هنگام داخل شدن به منطقه حرم اگر از خارج مکه به سوی آن می آید، لَبِيك را قطع کند. مسأله ۱۱۰ هرگاه مُحْرَم «لَبِيك» واجب را، چه عمداً و چه بر اثر عذر، نگفته باشد، محرمات احرام بر او حرام نمی شود، و اگر چیزی از محرمات احرام که کفاره دارد انجام دهد، کفاره بر او واجب نمی شود. همچنین اگر «لَبِيك» اول را با ریا باطل کند.

مسأله ۱۱۱ پیش از گفتن «لَبِيك» اعمالی که بر مُحْرَم حرام است، بر او حرام نمی شود؛ هر چند نیت احرام کرده، و لباس احرام را نیز پوشیده باشد. بنابراین، اگر قبل از گفتن لَبِيك

چیزی از آنها را بجا آورد کفاره ای ندارد، و در حقیقت «لَبَّيْكَ» مانند «اللَّهُ أَكْبَرُ» اوّل نماز است، که تا آن را نگوید وارد نماز نمی شود، و هرگاه شک کند که «لَبَّيْكَ» گفته یا نه؟ باز هم چیزی بر او حرام نمی شود. مسأله ۱۱۲ هرگاه در میقات باشد و شک کند لبّیک گفته، یا نه باید لبّیک را بگوید، و اگر از میقات گذشته، احتیاط آن است اگر می تواند بازگردد و لبّیک را بگوید، و اگر نمی تواند، در همانجا بگوید، و اگر لبّیک گفته، اما نمی داند صحیح گفته یا نه؟ بنابر درست گفتن می گذارد، و احرامش صحیح است. مسأله ۱۱۳ اگر لبّیک را فراموش کند، یا به خاطر ندانستن مسأله آن را نگوید، واجب است در صورت امکان به میقات برگردد و احرام ببندد و لبّیک بگوید، و اگر نتواند برگردد، و هنوز داخل حرم نشده، همانجا لبّیک می گوید، و اگر داخل حرم شده، واجب است به خارج حرم بازگردد، و در آنجا احرام ببندد و لبّیک بگوید، و چنانچه نمی تواند بازگردد، همانجا محرم می شود و لبّیک می گوید، و اگر بعد از اتمام عمره یادش بیاید، عمل او صحیح است. مسأله ۱۱۴ جایز نیست لبّیک واجب را از میقات تأخیر بیندازد، و اگر عمداً تأخیر بیندازد، باید به وظیفه کسی که بدون احرام از میقات عبور کرده عمل کند؛ یعنی اگر می تواند بازگردد. سؤال ۱۱۵ بعضی از زائران ایرانی، کلماتی مانند «لَبَّيْكَ»، «غیر»، «یوم» و مانند آن را به گونه ای ادا می کنند که گاه احساس می شود متمایل به کسره است.

در مقابل بعضی از اهل دقت، یا سواسیها، اظهار می‌دارند که فتحه باید کاملاً ظاهر شود، و به هنگام تلفظ چنان اشباع می‌کنند که شبیه به «الف» می‌شود (و لُبَّيَاكُمِ می‌گویند) در حالی که اساتید قرائت زبان عربی و حتی خود عربها نیز به دقتی که گروه دوم لازم می‌دانند، ادا نمی‌کنند. لطفاً بفرمائید طرز صحیح قرائت این کلمات چگونه است؟ جواب: در این گونه مسائل باید به تلفظ اهل لسان توجه کرد؛ و از آنجا که اهل لسان فتحه را به صورتی که گروه دوم معتقدند نمی‌گویند، احتیاط آن است که از آن پرهیز شود؛ و آنچه از اهل لسان بارها شنیده ایم این است که فتحه را کمی مایل به کسره ادا می‌کنند، و همین صحیح است. سؤال ۱۱۶ یکی از حجاج شنوایی خود را به کلی از دست داده، و زبانش هم لکنت دارد، و قادر بر تکلم صحیح نمی‌باشد. مسؤولین و دوستانش به این موضوع توجه نداشته، و آن شخص در میقات نیت نکرده، و تلبیه هم نگفته، و به همین شکل همراه بقیه وارد مکه شده است، وظیفه او چیست؟ جواب: باید به میقات برگردد و با نیت و تلبیه مُحَرَّم شود؛ هر چند با بردن همراه باشد، و اگر نمی‌تواند به میقات بازگردد، باید در خارج از حرم محرم شود، و اگر نمی‌تواند تلبیه را، هر چند با تلقین، صحیح بگوید احتیاط آن است که به هر نحو می‌تواند بگوید، و ترجمه اش را نیز بر زبان آورد. سؤال ۱۱۷ چنانچه پس از خروج از میقات متوجه

شود که تلبیه را نگفته، یا نیت نکرده، یا به جهت دیگری احرامش درست نبوده، و از طرفی نمی تواند از نیمه راه به میقات برگردد، بلکه باید به مکه بیاید، و از آنجا به میقات باز گردد. وظیفه چنین شخصی چیست؟ جواب: باید از أدنی الحَلِّ به نیت عمره مفرده محرم گردد. سؤال ۱۱۸ آیا خانمها می توانند تلبیه را به گونه ای بلند بگویند که مرد نامحرم صدای آنها را بشنود؟ جواب: اشکالی ندارد.

## احکام احرام

مسأله ۱۱۹ لازم نیست محرم به هنگام احرام بستن، از حدث اصغر و اکبر پاک باشد، بنابراین بدون وضو، و در حال جنابت یا حیض، یا نفاس می تواند محرم شود. (البته روشن است که در صورت جنابت و حیض و نفاس هم باید خارج از مسجد محرم شود)، بلکه غسل احرام بر زن حائض و نفساء نیز مستحب است. مسأله ۱۲۰ اگر احرام را فراموش کند و بعد از پایان مناسک و اعمال متوجه شود، عمره او صحیح است. مسأله ۱۲۱ احرام کسی که ختنه نشده صحیح است، ولی طواف و نماز طواف های او اشکال دارد، و در احرام باقی می ماند. مگر آن که ختنه کرده و سپس طواف و نماز طواف را بجای آورد. مسأله ۱۲۲ اگر بچه ختنه نشده را وادار به احرام کنند، یا او را محرم نمایند، احرام او صحیح است؛ ولی تمام طوافهای او اشکال دارد. بنابراین، چنین فردی در احرام باقی می ماند، و در آمدن از احرام برای او مشکل می شود؛ مگر آن که او را ختنه کنند، و سپس طواف کند، یا او را طواف دهند.

مسأله ۱۲۳ هنگامی که انسان محرم می شود کارهای زیر بر او حرام می گردد، و بعضی دارای کفاره است، به عقیده ما بعضی از آنها مکروه است، که شرح آن خواهد آمد. این کارها به ترتیب زیر است: ۱ پوشیدن لباس دوخته (برای مردان). ۲ پوشیدن چیزی که پشت پا را می پوشاند (برای مردان). ۳ پوشانیدن سر (برای مردان). ۴ پوشانیدن صورت (برای زنان). ۵ زینت کردن برای همه. ۶ سرمه کشیدن. ۷ نگاه کردن در آینه.

۸ استعمال بوی خوش. ۹ مالیدن کرم و روغن به بدن. ۱۰ ناخن گرفتن. ۱۱ زیر سایه رفتن در حال سفر (برای مردان). ۱۲ زائل کردن مو از بدن. ۱۳ عقد ازدواج. ۱۴ نگاه به همسر از روی شهوت. ۱۵ لمس کردن. ۱۶ بوسیدن. ۱۷ نزدیکی کردن. ۱۸ استمناء کردن. ۱۹ کشتن حشرات. ۲۰ بیرون آوردن خون از بدن. ۲۱ کشیدن دندان. ۲۲ مجادله کردن. ۲۳ دروغ گفتن. ۲۴ صید حیوانات صحرائی. ۲۵ حمل اسلحه.

مسأله ۱۲۴ پس از آن که کودک محرم شد، یا او را محرم نمودند، ولی یا سرپرست او باید او را از محرمات احرام باز دارد، و اگر ممیز نیست، او را از محرمات احرام حفظ کنند. مسأله ۱۲۵ اگر کودک محرم مرتکب یکی از محرمات احرام شد، کفاره آن در صید بر عهده ولی او است، نه آن که از اموال طفل پردازد، و احتیاط مستحب آن است که در غیر صید نیز ولی از طرف او کفاره بدهد.

### ۱ پوشیدن لباس دوخته

مسأله ۱۲۶ پوشیدن لباسهایی مانند پیراهن، قبا، کت و شلوار، زیر پیراهن، شورت، بر مردان در حال احرام حرام است.



بلکه احتیاط واجب آن است که از هر لباس دوخته اجتناب کنند. همچنین از لباسهای بافتنی، و لباسهایی که قطعات آن را به هم می چسبانند، یا مانند نمد درست می کنند، و به صورت پیراهن و پالتو و شلوار و مانند آن است، هر چند دوختنی نباشد و نخ و سوزن در آن به کار نرود، احتیاط واجب این است که از همه این ها پرهیز شود.

مسئله ۱۲۷ در لباس دوخته تفاوتی میان لباس کوچک و بزرگ نیست، ولی انداختن پتوهایی که اطراف آن دوخته شده بر شانه برای دفع سرما و مانند آن، یا کشیدن لحاف دوخته شده به روی بدن (به شرط این که سر خود را با آن نپوشاند) اشکال ندارد، بلکه اگر لبه های احرامی نیز دوخته باشد ضرری ندارد؛ هر چند احتیاط مستحب در ترک آن است. مسئله ۱۲۸ بستن «همیان» (۱) بر کمر مانعی ندارد، هر چند دوخته شده باشد. همچنین بستن کمر بند روی احرامی نیز مانعی ندارد؛ خواه دوخته باشد، یا غیر دوخته. بستن شال دوخته شده روی احرامی نیز بی مانع است، اما احتیاط مستحب در تمام اینها ندوخته بودن است. مسئله ۱۲۹ استفاده از فتق بند، هر چند دوخته باشد، مانعی ندارد. همچنین کیفهای دوخته ای که احیاناً به گردن یا شانه می اندازند، و قمقمه آب که در محفظه دوخته ای قرار دارد، ضرری ندارد. مسئله ۱۳۰ همان گونه که در باب احرام گفتیم احتیاط واجب آن است که لنگ احرامی را به گردن گره نزنند؛ اما گره زدن آن به دور کمر، مخصوصاً در آنجا که احتیاج به آن باشد، و همچنین گره

زدن رداء، یا استفاده از سنجاق برای نگهداشتن آن، یا لنگ مانعی ندارد، ولی بهتر ترک آن است، و آنچه در میان بعضی از حجّاج معمول است، که سنگی در کنار حوله گذاشته، و با یک قطعه کش یا نخ آن را به طرف دیگر می بندند نیز جایز است، و بهترین راه برای حفظ لنگ، استفاده از کمربند است. مسأله ۱۳۱ پوشیدن انواع لباس دوخته برای زنان بی مانع است؛ مگر دستکش که جایز نیست، هر چند دوخته نباشد. مسأله ۱۳۲ کسی که عمداً لباس دوخته بپوشد، کفّاره آن یک گوسفند است؛ اما اگر از روی فراموشی یا جهل باشد چیزی بر او نیست. مسأله ۱۳۳ پوشیدن لباس دوخته در حال اضطرار حرام نیست، ولی کفّاره دارد. مسأله ۱۳۴ اگر محرم چند لباس دوخته بپوشد، باید برای هر کدام یک کفّاره بدهد، و احتیاط واجب آن است که اگر آنها را توی هم کند و یک دفعه بپوشد، برای هر یک کفّاره جداگانه بپردازد. مسأله ۱۳۵ اگر از روی اضطرار لباسهای متعدّد بپوشد کفّاره ساقط نمی شود؛ مگر این که کفّاره متعدّد موجب عسر و حرج شود. مسأله ۱۳۶ اگر لباسی، مثلاً پیراهن، بپوشد و کفّاره آن را بپردازد، و دوباره پیراهن دیگری بپوشد، یا همان را که پوشیده از تن بیرون آورد و مجدداً بپوشد، باید دوباره کفّاره بپردازد. سؤال ۱۳۷ آیا مردان محرم، برای محافظت از سرما، می توانند از پتوهائی که حاشیه آن دوخته شده استفاده کنند؟ جواب: اشکالی ندارد، و حکم لباس دوخته بر آن جاری نمی شود. سؤال ۱۳۸ آیا منظور از لباس دوخته که در حال احرام بر مردان حرام

است دوختنیهایی است که قطعات جدا از هم را به هم متصل می کنند، یا حتی اگر بر روی حوله احرام هم دوخت بزنند اشکال دارد؟ جواب: این گونه دوختن ها اشکالی ندارد. سؤال ۱۳۹ آیا استفاده از دست و پای مصنوعی، که با چرمهای دوخته شده به بدن می بندند، برای جانبازان و معلولین مُحرّم جایز است؟

جواب: اشکالی ندارد، و کفّاره هم ندارد. سؤال ۱۴۰ آیا پوشیدن لباسهایی که قسمتهایی از آن، به عنوان تزئین، تور دوزی یا گلدوزی شده، برای زنان محرم جایز است؟ و آیا مقنعه جز لباس است؟ جواب: از لباسهای زینتی در حال احرام باید پرهیز کرد، و مقنعه نیز جزء لباس است.

۱. همین چیزی است که، بر کمر می بندند و پول نقد و مانند آن را در آن می گذارند.

## **۲ پوشیدن چیزی که تمام پشت پارابوشاند(برای مردان)**

مسأله ۱۴۱ پوشیدن کفشهایی که تمام پشت پا را می پوشاند، مانند چکمه، گیوه، کفشهای معمولی و امثال آن، و همچنین جوراب در حال احرام جایز نیست؛ خواه ساق پا را بپوشاند، یا نه؛ اما اگر قسمتی از پشت پا را بپوشاند، مانند بند نعلین، و کفشهایی که قسمتی از پشت پا در آن پوشیده نمی شود، مانعی ندارد. البته این حکم مخصوص مردان است، و پوشیدن کفش و جوراب برای زنان در حال احرام اشکال ندارد. مسأله ۱۴۲ هرگاه حوله احرامی بلند باشد و پشت پا را بپوشاند، یا مثلاً برای رفع درد پا، پارچه ای را داغ کنند و روی پشت پا بگذارند، اشکالی ندارد. مسأله ۱۴۳ هرگاه مرد عمداً، یا در حال اضطرار، کفش و جوراب بپوشد کفّاره ندارد، و احتیاط

مستحب آن است که اگر مجبور به پوشیدن کفش و جوراب شود، قسمت روی پا را شکاف دهد. سؤال ۱۴۴ آیا احرام در کفش دوخته شده، که تمام پشت پا را نگیرد، جایز است؟ جواب: آری جایز است؛ ولی بهتر است مردان در حال احرام چنین کفشی نپوشند.

### ۳ پوشانیدن سر (برای مردان)

مسأله ۱۴۵ پوشانیدن تمام سر برای مردان در حال احرام حرام است، و احتیاط واجب آن است که قسمتی از سر را نیز نپوشانند، ولی پوشانیدن سر با دست، یا موقع خشک کردن با حوله، یا به هنگام خواب به وسیله بالش جایز است. همچنین انداختن بند مشک و ساک و مانند آن، بر سر جایز است، و پوشانیدن صورت نیز برای مردان مانعی ندارد.

مسأله ۱۴۶ احتیاط واجب آن است که سر را به چیزهایی مثل گل، حنا، دارو، و مانند آن نیز نپوشانند. مسأله ۱۴۷ احتیاط واجب آن است که چیزی بر سر نگذارد؛ مثلاً باری را که می خواهد حمل کند بر روی سر قرار ندهد. مسأله ۱۴۸ احتیاط واجب آن است که گوشها را نیز نپوشانند. مسأله ۱۴۹ جایز نیست محرم سر خود را در آب فرو برد؛ خواه بقیه بدن زیر آب باشد یا نه؛ اما ریختن آب بر سر خواه برای غسل باشد یا غیر آن مانعی ندارد، همچنین زیر دوش رفتن؛ ولی سر خود را در وان حمام زیر آب نکند. مسأله ۱۵۰ دستمالی که برای سردرد به سر می بندند اشکال ندارد، و خشک کردن سر با دستمال و حوله نیز جایز است؛ مشروط بر این که سر را با آن نپوشانند. مسأله ۱۵۱ اگر پارچه ای را روی

کمانی بیندازند، به گونه ای که بالای سر قرار گیرد، و سر را برای حفظ از پشه زیر آن کنند اشکالی ندارد. همچنین استفاده از پشه بند اشکال ندارد. مسأله ۱۵۲ مرد محرم نباید به هنگام خوابیدن سر خود را بپوشاند، و اگر بدون توجه، یا از روی فراموشی چنین کند، باید فوراً سر خود را برهنه نماید. مسأله ۱۵۳ کفاره پوشانیدن سر به طور عمد برای مردان یک گوسفند است (بنابر احتیاط واجب) ولی در صورت جهل و فراموشی و غفلت کفاره ندارد. مسأله ۱۵۴ احتیاط واجب آن است که اگر سر را به طور مکرر بپوشاند، کفاره را نیز تکرار کند؛ یعنی برای هر دفعه یک گوسفند بدهد، مگر این که موجب عُسر و حرج شود. سؤال ۱۵۵ اگر محرم سر درد بگیرد و بدین جهت دستمالی بر سر ببندد، که تمام سر را بپوشاند، چه حکمی دارد؟ جواب: این کار در حال ضرورت جایز است؛ ولی بنابر احتیاط واجب کفاره دارد. سؤال ۱۵۶ مُحرمی سرش را شسته و موهایش خیس است. اگر صبر کند تا موها به طور طبیعی خشک شود و سپس وضو بگیرد، نمازش به تأخیر می افتد. وظیفه اش چیست؟ جواب: مانعی ندارد سرش را با حوله خشک کند، و سپس وضو بگیرد، ولی حوله را آهسته بکشد، تا مویی جدا نشود، همچنین دقت نماید تا همه سر را نپوشاند.

سؤال ۱۵۷ اگر مرد محرم سرش را با چیز دوخته مانند کلاه دوخته شده بپوشاند، آیا باید دو کفاره بدهد، یا یک کفاره کافی است؟ جواب: در مثل پارچه دوخته شده که به صورت کلاه نیست

یک کفاره دارد؛ ولی کلاه دوخته و مانند آن، بنا بر احتیاط واجب دو کفاره دارد.

#### ۴ پوشانیدن صورت (برای زنان)

مسأله ۱۵۸ پوشانیدن صورت برای زنان در حال احرام جایز نیست، خواه به وسیله نقاب باشد، یا پوشیه، یا بادبزن، یا مانند آن. حتی احتیاط واجب آن است که به وسیله سدر و مانند آن هم صورت خود را نپوشانند. مسأله ۱۵۹ پوشانیدن قسمتی از صورت، به طوری که به آن نقاب و برقع نگویند حرام نیست. همچنین پوشانیدن در حال خواب به وسیله لحاف و گذرانیدن صورت بر بالش، یا پوشانیدن به وسیله دست، مانعی ندارد. مسأله ۱۶۰ بر زنان واجب است که به هنگام نماز سر خویش را بپوشانند، و بدین منظور برای این که یقین حاصل کنند می توانند مقداری از صورت را نیز با مقنعه و مانند آن بپوشانند. مسأله ۱۶۱ جایز است زن چادر خود را پایین بکشد، به طوری که نصف یا تمام صورت را فراگیرد، و احتیاط آن است که به صورت نچسبد، و در صورتی که نامحرمی نباشد صورت را باز نگه دارد (باز بودن گردی صورت در غیر حال احرام نیز جایز است). مسأله ۱۶۲ کفاره پوشانیدن صورت برای زنان، بنا بر احتیاط مستحب یک گوسفند است، و می توان این احتیاط را ترک کرد. سؤال ۱۶۳ هرگاه زن محرم از مقنعه ای استفاده کند که روی چانه را تا لبها بپوشاند، چه حکمی دارد؟ جواب: اشکال ندارد؛ هر چند بهتر آن است که مقنعه روی خطّ چانه باشد. سؤال ۱۶۴ آیا زن مُحْرِم می تواند صورت خود را با حوله خشک کند. جواب: خشک کردن صورت برای زنان با حوله

مانعی ندارد. به شرط اینکه تمام صورت را نپوشانند. سؤال ۱۶۵ صورت خانمهای محرم در حال پوشیدن یا درآوردن مقنعه خواه و ناخواه پوشیده می شود، چه حکمی دارد؟ جواب: این مقدار مانعی ندارد.

## ۵ زینت کردن

مسأله ۱۶۶ جایز نیست مردان انگشتر زینتی بپوشند؛ ولی انگشترهایی که برای ثواب در دست می کنند، اگر جنبه تزئینی نداشته باشد، بی اشکال است. بنابراین اگر انگشتر زینتی باشد، باید از پوشیدن آن خودداری کند، خواه به قصد زینت باشد، یا نباشد. مسأله ۱۶۷ اگر انگشتری به دست کند، نه برای زینت و نه برای استحباب، مثل آن که برای خاصیتی به دست کند، و عرفاً جنبه زینتی نداشته باشد، اشکال ندارد. مسأله ۱۶۸ پوشیدن زینت آلات مطلقاً برای زنان در حال احرام جایز نیست؛ اما زینت آلاتی که قبلاً به طور معمول آن را می پوشیده، اگر در حال احرام پنهان باشد مانعی ندارد، و آنها را نباید به مردان نشان بدهد؛ حتی به شوهر خود. مسأله ۱۶۹ بستن «حنا» برای مردان و زنان، اگر جنبه زینت داشته باشد، در حال احرام جایز نیست.

مسأله ۱۷۰ احتیاط واجب آن است که محرم، خواه زن باشد یا مرد، از پوشیدن هرگونه زینت آلات دیگر نیز اجتناب کند؛ حتی احرامی زینتی، یا نعلین زینتی نپوشد، و از هرگونه آرایش سر و صورت و سایر اعضای بدن پرهیز نماید. مسأله ۱۷۱ رنگ کردن موها، در صورتی که به آن تزئین گفته شود، برای محرم اشکال دارد؛ هر چند قصد زینت نکرده باشد، و در صورتی که جنبه تزئین نداشته باشد (مثل این که برای درمان حنا ببندد) مانعی ندارد. همچنین رنگ

کردن موها و بستن حنا قبل از احرام، به طوری که اثرش تا موقع احرام باقی بماند، اشکالی ندارد؛ مگر این که از اول قصدش تزئین برای حالت احرام باشد، که معمولاً کسی این کار را نمی کند. مسأله ۱۷۲ پوشیدن زیور آلات برای زنان در حال احرام حرام است، ولی کفّاره ندارد. سؤال ۱۷۳ در مورد زینت کردن زن در حال احرام فرموده اید: «اگر به قصد بقاء زینت قبل از احرام زینت کند، و اثرش پس از احرام نیز باقی باشد، اشکال دارد» آیا حکم مزبور تکلیفی است، یا وضعی؟

جواب: حکم مذکور تکلیفی است، و احرام او باطل نمی شود، و کفّاره ای ندارد.

## ۶ سر مه کشیدن

مسأله ۱۷۴ سر مه کشیدن برای زنان و مردان با موادّ سیاه، یا غیر آن، اگر جنبه زینت داشته باشد در حال احرام حرام است، و اگر جنبه زینت ندارد، مثلاً برای درمان چشم استفاده شود و شکل زینت به خود نگیرد، اشکالی ندارد. مسأله ۱۷۵ سر مه کشیدن در حال احرام موجب کفّاره نمی شود؛ مگر این که بوی خوش در آن باشد، که در این صورت اگر عمداً سر مه بکشد احتیاط آن است که یک گوسفند کفّاره بدهد. مسأله ۱۷۶ در صورتی که محرم به خاطر درمان و مانند آن احتیاج به سر مه کشیدن داشته باشد مانعی ندارد.

## ۷ نگاه کردن در آینه

مسأله ۱۷۷ نگاه کردن در آینه برای تزئین خود و اصلاح سر و وضع خویش در حال احرام حرام است؛ خواه مرد باشد، یا زن؛ اما برای هدفهای دیگر، مثل نگاه کردن رانندگان در آینه برای دیدن اطراف اتومبیل، یا نگاه کردن پزشک برای دیدن دهان و دندان بیمار، یا نگاه به آینه بی آن که عکس خویش را در آن ببیند، یا نگاه کردن به آینه برای دیدن محلّ زخم صورت و مانند آن، مانعی ندارد. مسأله ۱۷۸ نگاه کردن در آب صاف و اشیاء صیقلی برای اصلاح سر و وضع خویش، حکم نگاه در آینه را دارد، و در حال احرام جایز نیست. مسأله ۱۷۹ احتیاط مستحب آن است که به آینه نگاه نکند؛ هر چند برای زینت کردن نباشد. مسأله ۱۸۰ اگر بدون اختیار چشمش به آینه بیفتد اشکالی ندارد؛ و بهتر این است که در ایام حج، در اطاقهایی که افراد محرم سکونت دارند، و نیز در آسانسورها، روی آینه چیزی بکشند



که نگاه غیر اختیاری افراد محرم نیز به آن نیفتد. مسأله ۱۸۱ نگاه کردن به آینه موجب کفاره نمی شود، ولی مستحب است بعد از نگاه کردن لبیک بگوید.

مسأله ۱۸۲ نگاه کردن در شیشه اطاق، یا شیشه عینک که پشت آن پیدا است، در حال احرام بی مانع است، ولی اگر عینک زینتی باشد استفاده از آن برای محرم، خواه مرد باشد یا زن، جایز نیست. سؤال ۱۸۳ آیا عکس گرفتن در حال احرام، یا فیلمبرداری در این حال، اشکال دارد؟ چون عکس گیرنده به شیشه دوربین، که حالت شفاف و آینه مانندی دارد، نگاه می کند. جواب: عکس برداری و فیلم برداری در حال احرام اشکالی ندارد.

## ۸ استعمال بوی خوش

مسأله ۱۸۴ استعمال بوی خوش، مانند انواع عطرها، مُشک، زعفران، گلاب و غیر آن، خواه از طریق بوییدن باشد، یا مالیدن بر بدن و لباس، یا پراکندن در فضای اطاق به وسیله اسپری، یا خوردن غذاهای معطر، بر مرد و زن مُحرم حرام است. مسأله ۱۸۵ خوردن میوه های خوشبو مانند سیب و پرتغال و مانند آن مانعی ندارد ولی بهتر است از بوییدن آنها خودداری شود. مسأله ۱۸۶ احتیاط واجب آن است که از تمام انواع گلها و سبزیهایی که بوی خوش می دهد اجتناب شود. مسأله ۱۸۷ خرید و فروش عطریات در حال احرام اشکالی ندارد، ولی نباید حتی به عنوان امتحان آنها را بویید، یا استعمال کند. مسأله ۱۸۸ احتیاط آن است که محرم از «دارچین»، «زنجبیل»، «هَلَل» و هر آنچه بوی خوش دارد، اجتناب کند. مسأله ۱۸۹ محرم نمی تواند با صابونهای عطری، یا شامپوهای معطر، خود را بشوید، و لازم

است از گذاشتن این گونه اشیاء در کنار لباس احرامی خود، که سبب بو گرفتن آنها می شود، خودداری کند. مسأله ۱۹۰ هرگاه محرم در جایی قرار گیرد که بوی خوش در آنجا باشد، باید چیزی در برابر بینی خود بگیرد که بوی خوش را استشمام نکند؛ مگر این که موجب عسر و حرج شود، ولی اگر از محلی بگذرد که بوی بد در آنجاست، نباید بینی خود را بگیرد، اما می تواند به سرعت از آنجا بگذرد.

مسأله ۱۹۱ اگر ناچار شود لباسی که بوی خوش می دهد بپوشد، یا غذایی که بوی خوش دارد بخورد، باید چیزی در برابر بینی خود قرار دهد که بوی خوش را استشمام نکند؛ مگر این که موجب عسر و حرج شود. مسأله ۱۹۲ مشهور آن است که استعمال خلوق کعبه (چیزی که کعبه را با آن خوشبو می کنند) حرام نیست؛ ولی چون معلوم نیست خلوق کعبه چیست احتیاط آن است که از بوی خوشی که فعلاً به کعبه می مالند نیز اجتناب شود. مسأله ۱۹۳ اگر عمداً بوی خوش استعمال کند، کفّاره آن بنابر احتیاط واجب یک گوسفند است. مسأله ۱۹۴ اگر در زمان واحد به طور مکرر بوی خوش استعمال کند، بعید نیست یک گوسفند کفایت کند؛ ولی احتیاط در تعدّد است، و چنانچه در زمانهای مختلف از بوی خوش استفاده نماید، تکرار کفّاره را ترک نکند، و اگر پس از استفاده از بوی خوش کفّاره دهد، و دوباره بوی خوش استعمال کند، واجب است مجدداً کفّاره دهد. سؤال ۱۹۵ آیا برای محرم جایز است از صابون، یا شامپوهایی که بویی دارد هر چند

بوی خیلی خوشی نیست استفاده کند؟ جواب: اگر صدق بوی خوش می کند باید از آن اجتناب نماید؛ در غیر این صورت مانعی ندارد، و اگر مشکوک هم باشد، اشکالی ندارد.

## ۹ مالیدن انواع روغنها و کرماها به بدن

مسئله ۱۹۶ مالیدن هر نوع روغن و کرم به بدن، خواه معطر باشد یا نه، برای محرم جایز نیست؛ حتی مالیدن روغنهای خوشبو قبل از احرام در صورتی که عطر آن در حال احرام باقی بماند ممنوع است؛ اما روغن و کرم غیر معطر قبل از احرام مانعی ندارد. مسئله ۱۹۷ مالیدن انواع پمادهای طبیبی بر بدن برای معالجه و درمان مانعی ندارد. مسئله ۱۹۸ خوردن غذاهای چرب، هر چند اطراف دست و دهان را چرب کند، برای محرم جایز است. مسئله ۱۹۹ خوردن روغن اگر بوی خوش همانند بوی زعفران نداشته باشد، مانعی ندارد. مسئله ۲۰۰ اگر در روغن بوی خوش باشد کفاره آن یک گوسفند است؛ هر چند از روی اضطرار باشد، و اگر بوی خوش نداشته باشد، در صورت مالیدن به بدن، کفاره آن نیز بنا بر احتیاط یک گوسفند است.

## ۱۰ ناخن گرفتن

مسئله ۲۰۱ گرفتن ناخن دست یا پا، حتی گرفتن یک ناخن یا بعضی از آن، بر محرم حرام است؛ ولی اگر ناخن آسیب دیده، و ماندن آن ضرر دارد، یا مایه ناراحتی شدید است، می تواند آن را قطع کند. مسئله ۲۰۲ تفاوتی در گرفتن ناخنها با قیچی و ناخن گیر و حتی با دندان نیست. مسئله ۲۰۳ در آنچه که گفته شد تفاوتی میان انگشت اضافی و غیر آن نیست (بنا بر احتیاط واجب). مسئله ۲۰۴ هرگاه گرفتن ناخن از روی فراموشی یا ندانستن مسئله باشد، چیزی بر او نیست، و اگر از روی عمد باشد، کفاره گرفتن هر ناخن یک مد طعام است؛ (حدود ۷۵۰ گرم) و هرگاه تمام ناخن دستها را بگیرد، کفاره آن یک گوسفند است.

همچنین اگر تمام ناخنهای دست و پا را در یک مجلس بگیرد، کفّاره آن یک گوسفند است؛ اما اگر ناخن دستها را در یک مجلس، و ناخن پاها را در مجلس دیگر بگیرد، کفّاره آن دو گوسفند است. مسأله ۲۰۵ هرگاه تمام ناخن دستها را بگیرد، ولی تمام ناخن پاها را نگیرد، یک گوسفند برای ناخن دستها کفّاره می دهد، و برای هر یک از ناخنهای پا، یک مدّ طعام به نیازمند می پردازد. همچنین اگر تمام ناخن پاها را بگیرد، ولی تمام ناخن دستها را نگیرد. مسأله ۲۰۶ اگر پنج ناخن دست و پنج ناخن پا را بگیرد، باید برای یک از ناخنها یک مدّ طعام کفّاره بدهد. همچنین اگر کمتر از ده ناخن از دستها یا پاها را بگیرد. مسأله ۲۰۷ اگر بیش از ده ناخن داشته باشد، و تمام ناخنها را بگیرد، باید یک گوسفند کفّاره بدهد، و احتیاط مستحب آن است که برای هر یک از ناخنهای اضافه بر ده ناخن اصلی، کفّاره مدّ طعام بدهد. مسأله ۲۰۸ هرگاه شخصی بیش از ده ناخن دارد، و ده ناخن اصلی را در حال احرام بگیرد، احتیاط واجب آن است که یک گوسفند کفّاره بدهد، ولی اگر بعضی از ناخنهای اصلی و بعضی از ناخنهای اضافه را بگیرد، برای هر یک از ناخنهای اصلی یک مدّ طعام، و برای هر یک از ناخنهای اضافی نیز، بنابر احتیاط مستحب، یک مدّ طعام می پردازد. مسأله ۲۰۹ اگر ناچار به گرفتن ناخن شود، احتیاط واجب آن است که کفّاره آن را به همان شرحی که گذشت بپردازد. سؤال ۲۱۰ گرفتن ناخنِ شخصِ غیرِ محرم

توسط محرم چه حکمی دارد؟ جواب: اشکال ندارد.

### ۱۱ زیر سایه رفتن در حال احرام (برای مردان)

مسئله ۲۱۱ مرد محرم هنگام سفر نباید زیر سایه برود، یا سایبانی مانند چتر بر سر بگیرد. بنابراین، سوار شدن بر هواپیما، یا اتومبیل سر پوشیده، و مانند آن، هنگام روز برای مردان محرم جایز نیست؛ ولی برای زنان و بچه ها جایز است، و کفاره ای هم ندارد. مسئله ۲۱۲ در منازل وسط راه، یا در مکه، عرفات، مشعر و منی، رفتن زیر خیمه و سقف منزل مانعی ندارد؛ هر چند در حال راه رفتن باشد. همچنین گذشتن از بازارهای سر پوشیده، و تونلهایی که برای عابران درست کرده اند، بی مانع است. مسئله ۲۱۳ گذشتن از زیر پلهای وسط راه مانعی ندارد. همچنین بودن در سایه ای که از دیواره های اتومبیل سرباز به وجود می آید، جایز است. مسئله ۲۱۴ در این حکم فرقی بین افراد پیاده و سواره نیست. مسئله ۲۱۵ در مواقعی که سایبان اثری برای حفظ از آفتاب و باران ندارد، رفتن مردان محرم زیر سایبان در حال سفر مانعی ندارد. بنابراین، مردان محرم می توانند در شبها، یا بین الطلوعین، یا روزهای کاملاً ابری، از ماشین سقف دار یا هواپیما استفاده کنند؛ ولی در شبهای بارانی استفاده از سایبان کفاره دارد. مسئله ۲۱۶ کسانی که نذر کرده اند از کشور خود احرام ببندند، و ناچارند با هواپیما به مکه مشرف شوند، نذر آنها صحیح است، و باید در کشورشان محرم شوند، ولی برای زیر سقف بودن در حال سفر، باید کفاره بدهند. مسئله ۲۱۷ برای بیماران، و کسانی که از حرارت آفتاب شدیداً ناراحت می شوند، یا تابش آفتاب

به آنها زیان می‌رساند، جایز است از ماشین سقف دار و مانند آن استفاده کنند؛ اما باید کفاره بدهند. مسأله ۲۱۸ هرگاه محرم از روی سهو و فراموشی، یا جهل، به هنگام سفر زیر سایه برود، کفاره ندارد؛ اما اگر عمداً، یا به خاطر ضرورتی باشد، کفاره دارد، و کفاره آن یک گوسفند برای هر احرام است؛ یعنی برای مجموع احرام عمره یک گوسفند، و برای مجموع احرام حج نیز یک گوسفند واجب است. سؤال ۲۱۹ طبق فتوای حضرت‌عالی، محرم از منزل خود در مکه تا مسجدالحرام می‌تواند از ماشین سقف دار استفاده کند. آیا کسانی که در مسجدالحرام برای حج احرام می‌بندند نیز می‌توانند در مکه زیر سقف بروند؟ جواب: در شهر مانعی ندارد؛ هر چند در حال حرکت به سوی عرفات باشد، ولی هنگامی که به خارج شهر رسید سایبان جایز نیست؛ مگر این که شب باشد. سؤال ۲۲۰ استظلال برای شخصی که از تنعیم محرم می‌شود چه حکمی دارد؟ جواب: با توجه به این که تنعیم در حال حاضر جزء شهر مکه شده و مکه منزل است، استظلال در فرض سؤال اشکالی ندارد. سؤال ۲۲۱ افرادی که از مسجد شجره محرم شده، و شبانه با ماشین سقف دار به سمت مکه حرکت کرده‌اند، نزدیک طلوع آفتاب در ماشین به خواب رفته، و پس از طلوع آفتاب بیدار شده، و بلافاصله ماشین را متوقف کرده‌اند. آیا برای مدتی که در حال حرکت روزانه در زیر سقف بوده‌اند کفاره‌ای به آنها تعلق می‌گیرد؟ اکنون که ماشین توقف کرده و می‌خواهند با حرکت در زیر

سقف از ماشین پیاده شوند، چه حکمی دارد؟ جواب: در این صورت کفّاره ای لازم نیست. سؤال ۲۲۲ پیاده و سوار شدن از ماشینی که ایستاده، در صورتی که مستلزم گذشتن از زیر سقف جلو ماشین باشد، چه حکمی دارد؟ جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۲۲۳ آیا استظلال مربوط به سایه حاصل از تابش عمودی خورشید است، یا شامل سایه حاصل از تابش مایل خورشید هم می شود؟ جواب: سایه دیوارهای ماشین بدون سقف و مانند آن مانعی ندارد. سؤال ۲۲۴ آیا استظلال مربوط به سایه ای است که بر سر محرم می افتد، یا اگر سایه فقط بر شانه بیفتد نیز حکم استظلال دارد؟ جواب: در فرض سؤال، که سایه بر سر نیست، مانعی ندارد. سؤال ۲۲۵ در شهر مکه تونلهائی وجود دارد که طول آن بیش از هزار متر است. آیا محرم می تواند با اتومبیل مسقف از آن عبور کند؟ جواب: مانعی ندارد زیرا داخل شهر است. سؤال ۲۲۶ آیا محرم به محض رسیدن به شهر مکه می تواند از سایه استفاده کند، یا این کار بعد از رسیدن به محلّ اقامت و منزل جایز است؟ جواب: با رسیدن به مکه استظلال مانعی ندارد. سؤال ۲۲۷ با ماشین بدون سقف در حال احرام به سمت مکه حرکت کردیم، برای نوشیدن آب مجبور شدم به قسمت جلو اتوبوس که مسقف است بروم. آیا مرتکب خلافی شده و باید کفّاره پردازم؟ جواب: این کار جایز نیست، و اگر عمداً باشد کفّاره دارد، و کفّاره آن یک گوسفند برای تمام مدّت احرام است؛ ولی اگر در شب غیر بارانی باشد اشکال ندارد. سؤال ۲۲۸ یکی از

خدمه کاروان ها مجبور است به عنوان راهنما به همراه زنان با ماشین سقف دار روزانه به سوی مکه حرکت کند، چه حکمی دارد؟ جواب: رفتن زیر سایه در موقع ضرورت جایز است، ولی کفاره دارد، و کفاره آن برای هر احرام یک گوسفند است. سؤال ۲۲۹ برخی از حجّاج، که برای عمره مفرده محرم می شوند، مجبورند روزانه و با ماشین مسقف حرکت کنند، و در بین راه برای نماز و غذا چند مرتبه پیاده و سوار می شوند. چند کفاره بر آنان واجب است؟ جواب: برای تمام مدت احرام عمره، یا تمام مدت احرام حج، یک کفاره کافی است.

## ۱۲ زایل کردن مو از بدن

مسأله ۲۳۰ مُحرم نباید مو از بدن خود جدا کند؛ خواه با تراشیدن باشد، یا قیچی کردن، یا کندن به هر وسیله دیگر (مثلاً به وسیله دارو)، خواه شخصاً این کار را انجام دهد، یا دیگری را وادارد تا او را اصلاح نماید؛ حتّی جدا کردن یک مو از بدن جایز نیست، و فرقی میان اعضای بدن نمی باشد. مسأله ۲۳۱ در حرمت جدا کردن مو از بدن، تفاوتی بین کم و زیاد بودن موی ازاله شده نیست، بلکه همان گونه که گفته شد ازاله یک مو نیز حرام است؛ هر چند از نظر کفاره تفاوت دارد. مسأله ۲۳۲ اگر بداند شانه زدن موی سر و صورت، سبب جدایی موها می شود جایز نیست؛ بلکه احتیاط مستحب آن است که از شانه کردن موها در حال احرام مطلقاً خودداری کند، و هنگام خاراندن بدن نیز باید مواظب باشد مویی جدا نشود. مسأله ۲۳۳ هرگاه داشتن مو سبب بیماری، یا ناراحتی شدید گردد، جایز



است آن را زایل کند؛ ولی کفّاره دارد. مسأله ۲۳۴ اگر به هنگام انجام وضو یا غسل، مویی بدون قصد کنده شود اشکالی ندارد.

مسأله ۲۳۵ هرگاه عمداً سر خود را بتراشد، یا موهای زیر هر دو بغل یا یکی را زایل کند، کفّاره آن یک گوسفند است؛ ولی اگر از روی ضرورت سر خود را بتراشد مخیر است میان یک گوسفند، یا سه روز روزه، یا اطعام شش فقیر، که به هر کدام دو مدّ طعام (تقریباً یک کیلو و نیم) بدهد، و احتیاط واجب آن است که در زایل کردن موی زیر بغل نیز همین کفّاره را بدهد؛ اما اگر مقداری از موی سر، یا صورت، یا زیر بغل، یا زیر گلو، و مانند آن را زایل کند، کافی است یک فقیر را اطعام نماید. مسأله ۲۳۶ اگر موی سر را به غیر تراشیدن إزالة کند، احتیاط واجب آن است که کفّاره تراشیدن را بدهد. مسأله ۲۳۷ اگر از روی ندانستن مسأله، یا فراموشی، یا غفلت، موی بدن را زایل کند کفّاره ندارد، و هرگاه در موقع وضو و غسل دست بر بدن بکشد، و موهایی کنده شود، همان طور که گفته شد، کفّاره ای ندارد؛ اما اگر بدون هدف دست بر سر و صورت یا بدن خود بکشد، و موهایی از او جدا شود، احتیاط واجب آن است که مقداری غذا به فقیر بدهد. مسأله ۲۳۸ محرم نمی تواند مواز بدن دیگری زایل کند. خواه طرف مقابل مُحرّم باشد، یا غیر مُحرّم، خواه با تیغ باشد، یا با وسیله دیگر؛ ولی این کار کفّاره ای ندارد. بنابراین، باید دقت کرد که در منی

به هنگام بیرون آمدن از احرام، افراد محرم نمی توانند سر دیگران را بتراشند، یا اصلاح کنند؛ بلکه اول باید خودشان از احرام خارج شوند، و بعد چنین کنند. سؤال ۲۳۹ مُحرّمی سرش را شسته و موهایش خیس است. اگر صبر کند تا موها به طور طبیعی خشک شود و سپس وضو بگیرد، نمازش به تأخیر می افتد. وظیفه اش چیست؟ جواب: مانعی ندارد سرش را با حوله خشک کند، و سپس وضو بگیرد، ولی حوله را آهسته بکشد، تا مویی جدا نشود، همچنین دقت نماید تا همه سر را نپوشاند. سؤال ۲۴۰ هرگاه شخصی که از احرام خارج شده موهای شخص محرم را بتراشد یا کوتاه کند، یا یکی دیگر از کارهایی که بر محرم حرام است برای او انجام دهد، مانند گرفتن ناخن یا زینت کردن او و امثال آن، چه حکمی دارد؟ جواب: در صورتی که محرم به میل و اختیار حاضر به این کار شود، مرتکب کار حرامی شده و باید کفّاره بدهد؛ ولی چنانچه بدون اختیار، یا از روی فراموشی بوده، کفّاره ای برای هیچ کدام ندارد.

### ۱۳ عقد ازدواج

مسأله ۲۴۱ ازدواج کردن در حال احرام برای مُحرّم، اعم از زن و مرد، جایز نیست؛ خواه خودش صیغه عقد را بخواند، یا به دیگری وکالت دهد که این کار را انجام دهد. خواه عقد دائم باشد یا موقت، و در هر صورت عقد او باطل است، و هرگاه علم به حرام بودن آن داشته باشد، و اقدام به این کار کند، آن همسر برای او حرام ابدی خواهد شد. مسأله ۲۴۲ جایز نیست مُحرّم برای دیگری صیغه عقد بخواند، هر چند او مُحرّم

نباشد، و در این صورت نیز عقد او باطل است؛ اما حرام ابدی نمی شود، و در هیچ یک از دو صورت فوق کفّاره واجب نیست. مسأله ۲۴۳ جایز نیست مُحْرِم در مجلس عقد ازدواج به عنوان شاهد حضور پیدا کند. همچنین (بنا بر احتیاط واجب) جایز نیست شهادت بر انجام عقد ازدواج دهد؛ هر چند قبل از احرام شاهد عقد بوده باشد، و برای خود یا دیگری خواستگاری کند. مسأله ۲۴۴ اگر با علم به مسأله، همسری را در حال احرام برای خود عقد کند، همان گونه که گفته شد آن همسر بر او حرام دائمی می شود، ولی اگر با جهل به مسأله چنین کاری کند، عقد باطل است، اما حرام ابدی نمی شود، و احتیاط مستحب آن است که با او ازدواج نکند؛ مخصوصاً اگر با او نزدیکی کرده باشد. مسأله ۲۴۵ در احکامی که گفته شد، فرقی بین عقد دائم و موقت نیست. مسأله ۲۴۶ هرگاه مرد غیر مُحْرِم زن مُحْرِمی را عقد کند، احتیاط واجب آن است که او را طلاق دهد، و در صورت علم به مسأله، حرام ابدی نیز می شود؛ بنا بر احتیاط واجب. مسأله ۲۴۷ رجوع کردن در حال احرام به زنی که وی را طلاق رجعی داده، اشکالی ندارد. مسأله ۲۴۸ هرگاه شخص سوّمی زنی را برای کسی که در احرام است عقد کند، و محرم دخول نماید، و هر سه نفر عالم به حکم بطلان باشند، بر هر یک از آنان یک شتر به عنوان کفّاره واجب است، ولی اگر آمیزش صورت نگیرد، بر هیچ کدام کفّاره ای واجب نمی شود، و در این حکم تفاوتی

نیست بین آن که زن و عاقد محرم باشند، یا نباشند، و اگر بعضی از آنها حکم را می دانسته، و بعضی دیگر نمی دانسته اند، کفّاره فقط بر کسی که می دانسته واجب است.

#### ۱۴ نگاه کردن

مسأله ۲۴۹ جایز نیست مُحَرَّم به همسر خود از روی شهوت نگاه کند؛ ولی صحبت کردن با او و نگاه بدون قصد لذت مانعی ندارد و می تواند مانند سایر محارم با او معاشرت نماید. مسأله ۲۵۰ هرگاه به قصد لذت به همسرش نگاه کند، باید یک گوسفند کفّاره بدهد، و اگر با این کار منی از او خارج شود، احتیاط واجب آن است که یک شتر کفّاره بدهد. مسأله ۲۵۱ هرگاه عمداً به زن دیگری غیر از همسرش نگاه کند، و با این کار منی از او خارج شود، احتیاط واجب آن است که در صورت توان یک شتر، و اگر نمی تواند یک گاو، و اگر قدرت بر آن هم ندارد، یک گوسفند کفّاره دهد.

#### ۱۵ لمس کردن

مسأله ۲۵۲ برای شخص مُحَرَّم جایز نیست که دست بر بدن همسرش بگذارد، ولی این کار بدون قصد لذت مانعی ندارد. مسأله ۲۵۳ هرگاه به قصد لذت بدن همسرش را لمس نماید، باید یک گوسفند کفّاره دهد، و اگر با این کار انزال منی شود، کفّاره آن بنا بر احتیاط واجب یک شتر است. سؤال ۲۵۴ آیا شوهر پس از خروج از احرام می تواند زوجه در حال احرامش را از روی شهوت لمس کند؟ جواب: برای شوهر اشکالی ندارد؛ ولی اگر زن نیز از این کار لذت می برد احتیاط آن است که به این کار رضایت ندهد.

#### ۱۶ بوسیدن

مسأله ۲۵۵ جایز نیست مُحَرَّم همسر خود را از روی شهوت ببوسد، و احتیاط آن است که بوسیدن بدون قصد لذت را نیز ترک کند. مسأله ۲۵۶ اگر همسرش را به قصد لذت ببوسد، کفّاره آن یک شتر است؛ خواه انزال شود، یا نشود.

مسأله ۲۵۷ اگر زنی را از روی شهوت ببوسد، کفّاره آن بنا بر احتیاط واجب یک شتر است، و اگر بدون شهوت باشد، یک گوسفند کفّاره دارد. سؤال ۲۵۸ مردی از احرام خارج می شود، سپس همسرش را که هنوز در احرام است می بوسد، هر چند زن راضی به این کار نبوده است. حکم زن و مرد در این مسأله چیست؟ جواب: اگر زن اختیاری نداشته و راضی نبوده، چیزی بر او نیست، و بر مرد هم کفّاره ای واجب نشده است.

#### ۱۷ نزدیکی کردن

مسأله ۲۵۹ نزدیکی با همسر در حال احرام عمره مفرده حرام است، و آن دو حالت دارد: اگر قبل از اتمام سعی صفا و مروه باشد عمره او باطل است، و یک شتر باید کفّاره بدهد، و احتیاط واجب آن است که عمره را تمام کرده، و یک ماه صبر کند، سپس به یکی از میقاتها رفته مجدداً احرام ببندد، و عمره مفرده را اعاده کند، و فرقی میان عمره واجب و مستحب نیست؛ اما اگر بعد از سعی (و قبل از تقصیر) باشد، عمره او باطل نخواهد شد. مسأله ۲۶۰ هرگاه از روی فراموشی، یا غفلت، یا ندانستن

مسأله نزدیکی کند، ضرری به عمره او نمی زند، و کفّاره هم ندارد. بنابراین، احکام فوق مربوط به کسی است که عالماً آن را انجام می دهد. مسأله ۲۶۱ هرگاه مرد

محرم با همسر خود، که وی نیز محرم است، از روی اجبار نزدیکی کند، چیزی بر زن نیست، ولی مرد در صورت علم و عمد علاوه بر کفاره خود، باید کفاره زن را نیز بدهد؛ اما اگر این کار با علم و رضایت زن صورت گیرد، هر کدام باید یک کفاره به شرحی که گذشت بدهند. مسأله ۲۶۲ کفاره در همه این موارد، بنا بر احتیاط واجب، یک شتر است، و فرقی میان همسر دائم و موقت نیست. همچنین نزدیکی از جلو و عقب در این احکام یکسان است.

## ۱۸ استمناء کردن

مسأله ۲۶۳ هرگاه مُحْرِم با خود بازی کند و منی از او خارج شود، حکمش حکم کسی است که با زنی نزدیکی کرده باشد، که شرح آن در مسائل سابق گذشت، و اگر با همسر خود بازی کند، یا به وسیله نگاه کردن، یا فکر و تصور کردن چنان صحنه‌هایی، منی از او خارج گردد، کفاره بر او واجب است؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب تمام احکام جماع را، که در مسائل سابق گذشت، دارد.

## ۱۹ کشتن حشرات

مسأله ۲۶۴ احتیاط واجب آن است که مُحْرِم حشرات (مانند پشه، مگس، مورچه و امثال آن) را نکشد؛ چه روی بدن یا لباس او باشد، یا جای دیگر. بلکه احتیاط واجب آن است که هیچ جنبه‌ای را به قتل نرساند، مگر این که مایه آزار او شوند، یا از حیوانات مودی و خطرناک، مثل مار و عقرب و مانند آن باشد؛ حتی احتیاط واجب آن است که حشرات مذکور را از روی بدن نیفکند، و اگر از روی خطا چنین کند، مقداری طعام به فقیر دهد. مسأله ۲۶۵ احتیاط واجب آن است که حشرات را از مکانی که محفوظ است به جایی که در معرض سقوط است منتقل نکند؛ بلکه احتیاط آن است که مطلقاً از محلی به محل دیگر منتقل ننماید؛ مگر این که مکان دوم محفوظتر باشد.

مسأله ۲۶۶ کشتن و انتقال حشرات در حال احرام کفاره دارد، و کفاره آن، خواه عمداً باشد یا از روی خطا، مقداری طعام است.

## ۲۰ بیرون آوردن خون از بدن

مسأله ۲۶۷ بیرون آوردن خون از بدن، خواه به وسیله حجامت باشد، یا جراحی، یا مسواک نمودن، یا خاراندن بدن، به طوری که خون از آن خارج شود، در غیر حال ضرورت مکروه است، و چون جمعی از فقها آن را حرام می‌دانند، احتیاط مستحب ترک آن است. مسأله ۲۶۸ بهتر است در حال احرام از دادن خون به روش امروز نیز خودداری کند؛ مگر در مواقع ضرورت و برای حفظ جان مسلمان. مسأله ۲۶۹ بیرون آوردن خون از بدن کفاره‌ای ندارد. سؤال ۲۷۰ تزریق آمپول برای تزریق کننده و تزریق شونده، که در حال احرام است، چه

حکمی دارد؟ جواب: تزریق آمپول در حال احرام مانعی ندارد ولی اگر موجب بیرون آمدن خون از بدن گردد مکروه است.

سؤال ۲۷۱ آیا می توان پوستهای زاید را، که از لبها یا کنار ناخن ها بر آمده، از بدن جدا کرد؟ جواب: در صورتی که خون نیاید اشکالی ندارد، و اگر خون بیاید مکروه است، و در هر حال کفاره ای ندارد.

## ۲۱ کشیدن دندان

مسأله ۲۷۲ کشیدن، یا کندن، یا جرم گیری، یا پر کردن دندان، اگر باعث خونریزی شود در حال احرام مکروه است، ولی اگر موجب خونریزی نشود اشکالی ندارد هر چند احتیاط مستحب ترک آن است. مسأله ۲۷۳ کفاره کشیدن دندان در حال احرام، بنا بر احتیاط مستحب یک گوسفند است. سؤال ۲۷۴ آیا منظور از کشیدن دندان که در فرض خونریزی مکروه است دندان شخص محرم است، یا شامل دندان دیگری هم می شود؟ مثلاً اگر دندانپزشک محرم باشد، و دندان شخص محرم یا غیر محرمی را بکشد آیا کراهت دارد؟ جواب: شامل دندان غیر نمی شود.

سؤال ۲۷۵ آیا در حال احرام می توان دندانی که شدیداً درد دارد، و دکتر سفارش به کشیدن آن کرده، را کشید هر چند باعث خونریزی شود؟ جواب: خارج کردن خون از بدن در حال احرام چه در حال ضرورت و غیر ضرورت حرام نیست، ولی مکروه است و کفاره ای هم ندارد.

## ۲۲ دروغ و دشنام و تفاخر

مسأله ۲۷۶ دروغ گفتن و دشنام دادن در همه حال حرام است، ولی در حال احرام به خصوص نهی شده است یعنی از کارهایی است که مُحَرَّم باید آن را ترک کند، بلکه احتیاط واجب آن است که از اظهار برتری بر دیگران، یا بیان نقص دیگران نسبت به خود، نیز اجتناب کند، و این سه کار (دروغ، دشنام و تفاخر) مطابق بعضی از روایات معصومین (علیهم السلام) در معنی «فسوق» در آیه شریفه (فَلَا رَفَتْ وَ لَا فُسُوقَ وَ لَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ) (۱) جمع است. مسأله ۲۷۷ هرگاه مُحَرَّم هر یک از امور سه گانه فوق را انجام دهد کار خلافی کرده، ولی احرام

او باطل نمی شود، و کفارۀ آن استغفار است، و بهتر این است که انسان در حال احرام زبان خود را از هر سخن ناروا و زشت حفظ کند، و جز به نیکی سخن نگوید. سؤال ۲۷۸ در بین مردم معروف است که شخص محرم نباید به کسی دستور بدهد؛ بلکه باید خود کارهایش را انجام دهد. آیا چنین مطلبی صحیح است؟ اگر در حال احرام به کسی دستور دهد آیا گناه کرده و کفارۀ دارد؟ جواب: این کار اشکال ندارد؛ ولی تفاخر و برتری جویی حرام است.

۱. سوره بقره، آیه ۱۷۹.

## ۲۳ مجادله و نزاع

مسأله ۲۷۹ «جدال» در حال احرام ممنوع است، همان گونه که در آیه شریفه ۱۷۹ سوره بقره به آن اشاره شده است، و منظور از «جدال» در اینجا آن است که از روی خصومت و دشمنی برای اثبات مطلبی در مقابل دیگری به خدا سوگند یاد کند، و بگوید: «بلی وَاللَّهِ...؛ آری، به خدا سوگند که مطلب چنین است» یا برای نفی مطلبی بگوید: «لا وَاللَّهِ...؛ نه، به خدا سوگند مطلب چنین نیست» و فرقی میان عربی و فارسی و زبانهای دیگر نمی باشد؛ بلکه هر عبارتی که این مفهوم را برساند در حال احرام حرام است. مسأله ۲۸۰ گفتن کلمه «لا» و «بلی» و مرادف آن در سایر زبانها، مثل «نه» و «آری» در فارسی، جدال نیست؛ بلکه قسم خوردن برای اثبات یا ردّ مطلبی، از روی خصومت و مخالفت جدال است. مسأله ۲۸۱ اگر قسم به غیر «الله» و خداوند باشد، حکم جدال ندارد. مسأله ۲۸۲ سایر نامهای خداوند نیز حکم لفظ جلاله (الله) را دارد؛ (بنابر



احتیاط واجب) بنابراین اگر مُحرّم در مقام خصومت و مجادله برای اثبات یا نفی مطلبی در مقابل دیگری، به «رحمان» یا «رحیم» یا «خالق آسمان و زمین» و مانند آن قسم بخورد، جدال محسوب می شود. مسأله ۲۸۳ در مقام ضرورت قسم به لفظ جلاله، یا سایر اسماء الله، برای شخص محرم، جهت اثبات حقّ یا ابطال باطلی جایز است.

مسأله ۲۸۴ در موضوع جدال سوگند دروغ و راست یکسان است؛ ولی اگر قسم دروغ باشد، کفّاره آن در همان مرتبه اوّل یک گوسفند است، و احتیاط آن است که برای دو بار قسم دروغ یک گاو، و برای سه بار یک شتر کفّاره دهد، و اگر راست باشد، چنانچه سه مرتبه تکرار کند کفّاره اش یک گوسفند می باشد؛ اما کمتر از سه بار کفّاره ندارد؛ هر چند در حال احرام کار خلافی کرده، و باید استغفار کند. مسأله ۲۸۵ اگر محرم بیش از سه مرتبه قسم راست بخورد، هر مقدار که باشد، کفّاره آن یک گوسفند است؛ مگر آن که بعد از سه مرتبه کفّاره بدهد، که در این صورت اگر سه مرتبه دیگر جدال کند، باید یک گوسفند دیگر کفّاره بدهد. مسأله ۲۸۶ اگر به دروغ مثلاً ده مرتبه یا بیشتر جدال کند، کفّاره آن بنابر احتیاط یک شتر است؛ مگر این که پس از سه مرتبه یا بیشتر، کفّاره را پردازد که در این صورت باید در دفعه اوّل گوسفند، و در دفعه دوّم گاو، و در دفعه سوّم شتر کفّاره دهد. مسأله ۲۸۷ بهتر است که در حال احرام از هر نوع مجادله و خصومت بپرهیزد؛ هر چند جمله های

قسم که در مسائل قبل گفته شد در آن نباشد، ولی اظهار تنفر و بیزاری و براءت از دشمنان اسلام، نه تنها ضرری برای احرام ندارد، بلکه از وظائف مسلمین در برابر کفار می باشد. مسأله ۲۸۸ هر گاه از روی محبت (نه به خاطر خصومت) بگوید: «به خدا قسم این کار را نکن» یا بگوید: «به خدا سوگند بگذار من برای تو این کار را انجام دهم» حرام نیست، و کفاره هم ندارد.

## ۲۴ شکار حیوانات صحرائی

مسأله ۲۸۹ شکار کردن حیوانات صحرائی یا ذبح آنها در حال احرام، حرام است؛ همچنین شکار پرندگان، و در این مورد تفاوتی نمی کند که به تنهایی شکار کند، یا به کمک دیگران. مسأله ۲۹۰ نشان دادن شکار به شخص شکار کننده، یا بستن و نگهداری آن، یا خوردن گوشت شکار (هر چند دیگری شکار کرده، یا خودش قبل از احرام آن را شکار کرده باشد) حرام است. مسأله ۲۹۱ کشتن ملخ نیز برای محرم جایز نیست؛ بنابراین اگر از راهی بگذرد که ملخ در آن است، چنانچه می تواند راه خود را تغییر دهد، و اگر نمی تواند باید مواظب باشد ملخ ها را حتی الامکان پایمال نماید، ولی در صورت ناچاری و مشقت و عسر و حرج اشکالی ندارد. مسأله ۲۹۲ کشتن حیوانات مودی، مانند مار و عقرب و درندگان، در جایی که ایجاد خطر نمایند جایز است. مسأله ۲۹۳ ذبح حیوانات اهلی، مانند مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر، در حال احرام اشکالی ندارد. مسأله ۲۹۴ شکار حیوانات دریایی برای محرم جایز است. مسأله ۲۹۵ منظور از حیوانات دریایی حیواناتی است که تخم گذاری

و رشد نوزاد آنها هر دو در دریا انجام شود، و در دریا هم زندگی کند. مسأله ۲۹۶ نگاه داشتن صید در حال احرام بنا بر احتیاط واجب حرام است؛ هر چند مالک آن باشد. مسأله ۲۹۷ هر حیوانی که شکار آن حرام است، نوزاد و تخم آن نیز حرام است؛ هر چند در دسترس باشد. مسأله ۲۹۸ اگر محرم شکاری ذبح کند، بنا بر مشهور در حکم میتة (مردار) خواهد بود، و بنا بر احتیاط واجب هیچ کس (چه محرم و چه غیر محرم) نمی تواند از آن استفاده کند. مسأله ۲۹۹ برای کشتن و شکار کردن هر یک از حیوانات صحرائی کفّاره ای معین شده است، ولی چون در حال حاضر این مسأله چندان مورد ابتلا نیست، و حجاج بیت الله مطلقاً اقدام به شکار نمی کنند، از شرح آن صرف نظر می شود.

## ۲۵ حمل اسلحه

مسأله ۳۰۰ محرم نباید با خود اسلحه بردارد؛ خواه اسلحه گرم باشد، یا سرد، بلکه احتیاط آن است که از سلاحهای دفاعی، مانند سپر و امثال آن، نیز استفاده نکند؛ ولی در موقع ضرورت، خطر و ترس از دزد و دشمن و حیوان درنده، حمل هر نوع سلاحی که لازم باشد جایز است. مسأله ۳۰۱ آنچه ممنوع است حمل نمودن اسلحه با خویش است؛ مانند بستن شمشیر به کمر، و گرفتن تفنگ بر دوش، یا با دست، ولی اگر در خانه و خیمه و اثاثیه خود سلاحی داشته باشد، برای احرام او ضرر ندارد؛ هر چند احتیاط مستحب آن است که آن را نیز در غیر موارد ضرورت ترک کند.

مسأله ۳۰۲ هرگاه عمداً اسلحه با خود بردارد، احتیاط آن است که

یک گوسفند کفّاره بدهد.

### قطع درخت و گیاه حرم

مسأله ۳۰۳ حرمت قطع گیاه و درخت حرم، اختصاص به حال احرام و شخصِ مُحْرَم ندارد؛ بلکه بر همه کس حرام است. مسأله ۳۰۴ اگر گیاه یا درختی در منزل انسان باشد، چنانچه خودش آن را کاشته باشد قطع آن جایز است، و اگر دیگری کاشته قطع آن نیز مانعی ندارد؛ ولی احتیاط مستحب آن است که آن را قطع نکند؛ اما قطع درختان و گیاهان خودرو که قبل از بنای منزل در آن بوده حرام است. مسأله ۳۰۵ گیاه اذخر که یکی از گیاهان خوشبو است از حکم بالا مستثنی است و قطع آن مانعی ندارد. مسأله ۳۰۶ اگر به صورت متعارف و عادی راه برود، و گیاهی بر اثر راه رفتن قطع شود، اشکالی ندارد. مسأله ۳۰۷ چنانچه درختی را که قطع آن جایز نیست قطع کند، احتیاط آن است که یک گاو کفّاره دهد؛ خواه آن درخت بزرگ باشد، یا کوچک. مسأله ۳۰۸ اگر قسمتی از درخت را قطع کند، نه همه آن را، لازم است قیمت آن را به عنوان کفّاره بپردازد. مسأله ۳۰۹ قطع گیاه حرم کفّاره ای جز استغفار ندارد. مسأله ۳۱۰ اگر نایب موجبات کفّاره را انجام دهد، کفّاره بر عهده خود اوست، نه منوب عنه.

### دیگر مسائل محرمات و کفّارات احرام

مسأله ۳۱۱ هر یک از محرمات احرام که موجب کفّاره است اگر بر اثر جهل به مسأله، یا از روی غفلت، یا فراموشی واقع شود کفّاره ای ندارد، و ضرری به عمره شخصِ محرم نمی زند، مگر صید که در هر صورت کفّاره دارد. مسأله ۳۱۲ شخصی که بر اثر جهل به مسأله، یا فراموشی حکم، یا موضوع آن،

یا بر اثر غفلت، بعضی از محرمات احرام را بجا آورده، کفاره ندارد، مگر در صید و شکار که در هر صورت کفاره دارد. بنابراین، به طور کلی در غیر شکار، هرگاه از روی علم و عمد مرتکب محرمات احرام شود، کفاره واجب می گردد.

مسئله ۳۱۳ شرایط قربانی حج تمتع در حیوانی که برای کفاره تقصیر قربانی می شود، معتبر نیست، بنابراین می توان گوسفند خصی و معیوب را برای این منظور قربانی کرد. مسئله ۳۱۴ مصرف کفارات فقط فقراء و مستمندان هستند، و احتیاط آن است که کفاره غیر سادات به سادات داده نشود. مسئله ۳۱۵ تأخیر انداختن انجام کفارات تا هنگام بازگشت به محل مانعی ندارد. بنابراین، می تواند گوسفند کفاره را در وطنش ذبح کند، تا صرف فقرای شیعه گردد. مسئله ۳۱۶ شخص فقیر نمی تواند گوشت کفاره خود را به مصرف کسانی که واجب النفقه او هستند برساند؛ هر چند نیازمند باشند. مسئله ۳۱۷ استفاده از گوشت کفاره برای شخصی که کفاره بر او واجب شده جایز نیست.

## کفارات احرام به طور خلاصه

گرچه کفاره هر یک از محرمات احرام، به هنگام ذکر آنها بیان شد، ولی مناسب است برای سهولت امر همه را یک جا بیاوریم:

### ۲ طواف

#### طواف

مسئله ۳۱۸ دوّم از واجبات عمره، طواف است؛ طواف یعنی هفت دور گردش به دور خانه خدا. مسئله ۳۱۹ هرگاه طواف را سهواً ترک کند، لازم است هر وقت یادش آمد آن را بجا آورد، و اگر به وطن خود بازگشته و نمی تواند یا زحمت شدید دارد که به مکه بازگردد، باید شخص مورد اطمینانی را نایب بگیرد.

## شرایط پنج گانه طواف

### اول: نیت

مسئله ۳۲۰ باید طواف را با قصد خالص برای خدا بجا آورد؛ زیرا طواف از عبادات است، و بدون نیت همراه با قصد قربت صحیح نیست.

مسئله ۳۲۱ لازم نیست محرم نیت را به زبان آورد، یا حتی از قلب خود بگذراند؛ بلکه همین مقدار توجه داشته باشد که تصمیم دارد طواف انجام دهد، و این توجه تا پایان طواف وجود داشته باشد کافی است. به عبارت دیگر، نیت در عبادات مانند نیت در کارهای روز مرّه است؛ همانطور که (مثلاً) با قصد آب می خورد و راه می رود، اگر به همان شکل عبادت را بجا آورد نیت انجام شده است؛ تنها قصد قربت در عبادات لازم است. مسئله ۳۲۲ اگر در انجام طواف، یا سایر اعمال عمره و حج، که عبادت است، ریا کند (یعنی برای نشان دادن، و به رخ دیگران کشیدن، و عمل خود را خوب جلوه دادن، عبادت را بجا آورد) آن عمل باطل است، و علاوه بر بطلان عمل، مرتکب معصیت و گناه بزرگی نیز شده است. مسئله ۳۲۳ اگر در

انجام عبادت، رضایت و خشنودی دیگری را هم مدّ نظر داشته باشد، و آن عمل خالص برای خدا نباشد، ریا و باطل است.  
مسأله ۳۲۴ در صحیح بودن

عمل کفایت می کند که آن را «برای خدا» یا «برای اطاعت امر خدا» یا «برای نجات از کیفر الهی» یا «برای رسیدن به بهشت» و یا «برای وصول به ثواب معنوی» انجام دهد. مسأله ۳۲۵ هر گاه بعد از تمام کردن طواف یا دیگر عبادات، مرتکب ریا شود، عبادت باطل نمی شود؛ هر چند کار خلافی کرده است. سؤال ۳۲۶ شخصی که به نیابت از دیگری به حج آمده، در دور دوم طواف شک می کند که آیا طواف را به تیت منوب عنه آغاز کرده، یا برای خودش؟ اکنون وظیفه اش چیست؟ جواب: احتیاط آن است که طواف را به تیت منوب عنه به پایان برساند، پس از آن نماز طواف بخواند، سپس طواف و نماز را اعاده کند.

## دوم: طهارت از حدث

### طهارت از حدث

مسأله ۳۲۷ منظور از «طهارت از حدث» این است که محرم به هنگام طواف، از جنابت و حیض و نفاس پاک باشد، و وضو داشته باشد. مسأله ۳۲۸ «طهارت از حدث» در صورتی شرط است که طواف واجب باشد، اما در طواف مستحب شرط نیست؛ هر چند افضل آن است که طهارت داشته باشد، بنابراین اگر جنب یا حائض، یا نفساء بوده و فراموش کرده، و با همان حال طواف نموده، طواف مستحب او صحیح است، اما در صورت علم و آگاهی، چون بودن جنب در مسجد الحرام حرام است، طواف او صحیح نمی باشد، ولی طواف مستحب بدون وضو اشکالی ندارد. مسأله ۳۲۹ هر گاه شخصی که وضو نداشته، یا از جنابت، یا حیض، یا نفاس، پاک نبوده طواف واجب کند، طوافش باطل است؛ خواه از روی عمد باشد، یا بر اثر غفلت و

نسیان، یا ندانستن مسأله. مسأله ۳۳۰ هرگاه محرم دسترسی به آب پیدا نکند، یا از استعمال آب معذور باشد، و نتواند صبر کند تا عذرش برطرف شود، واجب است به جای آن تیمم کند؛ خواه تیمم بدل از غسل باشد، یا بدل از وضو؛ سپس طواف را بجا آورد. مسأله ۳۳۱ اگر محرم تیمم بدل از غسل کرد، و سپس یکی از مبطلات وضو را انجام داد، لازم نیست تیمم بدل از غسل را تکرار کند؛ بلکه تیمم بدل از وضو می کند، و تا زمانی که یکی از موجبات غسل حاصل نشده، و عذرش باقی است، همان تیمم بدل از غسل اول کافی است. مسأله ۳۳۲ اگر امید دارد که عذرش مرتفع گردد، احتیاط واجب آن است که تا آخرین فرصت صبر کند؛ اگر عذر برطرف نشد تیمم کند. مسأله ۳۳۳ اگر با طهارت بوده و شک کند که حدثی از او سر زده، بنا را بر طهارت می گذارد، و لازم نیست دوباره آن را انجام دهد. مسأله ۳۳۴ هرگاه یقین داشته باشد غسل بر او واجب شده، یا وضویش باطل گردیده، سپس شک کند که وضو گرفته یا غسل کرده، باید وظیفه غسل یا وضو را انجام دهد. مسأله ۳۳۵ هرگاه بعد از انجام طواف شک کند آن را با وضو بجا آورده، یا شک کند غسل را انجام داده؟ طوافش صحیح است؛ ولی برای اعمال بعد (که نیاز به وضو، یا غسل دارد) باید آن را بجا آورد. مسأله ۳۳۶ اگر در اثناء طواف شک کند وضو گرفته؟ و حالت سابقه خود را از وضو و حدث نداند، اگر بعد از



تمام شدن دور چهارم باشد طواف را رها می کند و وضو می گیرد، و از همانجا بقیه طواف را بجا می آورد، و سپس احتیاطاً آن را اعاده می کند، و اگر قبل از دور چهارم باشد، طواف او باطل است. مسأله ۳۳۷ هرگاه در اثناء طواف شك کند غسلی که بر او واجب بوده انجام داده، یا نه؟ باید فوراً از مسجد الحرام خارج شود، و پس از غسل بازگردد، سپس اگر حداقل چهار دور را تمام کرده باشد، دنباله آن را بجا می آورد، و احتیاط آن است که پس از اتمام طواف آن را اعاده کند، و اگر قبل از شوط چهارم بوده، از اول شروع می کند. مسأله ۳۳۸ بانوان می توانند با خوردن قرص، عادت را به عقب بیندازند و طواف و عمره را به جا آورند، و برای عمره آنها اشکال ندارد. مسأله ۳۳۹ هرگاه بانوان بعد از خوردن قرص در ایام عادت لک ببینند، و سه روز پشت سر هم ادامه نداشته باشد، حیض محسوب نمی شود. وضو می گیرند، و اعمالشان صحیح است. مسأله ۳۴۰ هرگاه زنی در غیر ایام عادت ماهانه لک ببیند، و به اعتقاد این که خون عادت نیست، طواف و نماز طوافش را انجام دهد، و شب بعد از طواف خونی ببیند که تمام شرایط عادت ماهیانه را داشته باشد، اگر یقین کند که بعد از دیدن لک (در شب قبل از طواف) خون در باطن بوده و قطع نشده، آن لک احکام حیض دارد و طواف و نماز طوافش باطل است، ولی عمره او صحیح است، اما باید طواف و نماز

طواف را (بعد از قطع عادت و انجام غسل) اعاده کند، ولی اگر شك دارد، یا یقین دارد که آن لک مدتی قطع شده (و این خون تازه ای است)، حکم حیض ندارد و اعمالش صحیح است. مسأله ۳۴۱ هر گاه کسی مشغول طواف واجب باشد و وضوی او باطل شود، تجدید وضو می کند و باز می گردد. اگر حداقل چهار دور را تمام کرده بود، بقیه را بجا می آورد، و اگر کمتر از چهار دور بوده از اول شروع می کند، و اگر زن در حال طواف عادت ماهانه شود، فوراً از مسجد الحرام خارج می شود، و حکم او نیز بعد از پاک شدن همین است. مسأله ۳۴۲ اگر به خاطر پیش آمدن حاجت ضروری برای خودش یا یکی از برادران و خواهران دینی، طواف واجب خود را قطع کند، مطابق مسأله سابق عمل می نماید.

مسأله ۳۴۳ هر گاه در اثناء طواف بیماری شدیدی به او دست دهد که قادر بر اتمام طواف نباشد طواف را قطع می کند، و پس از بهبودی اگر چهار دور را تکمیل کرده بوده، باقیمانده را بجا می آورد، و اگر کمتر از آن بوده، طواف را از سر می گیرد، و اگر بیماری ادامه یافت و نتوانست شخصاً طواف کند، او را طواف می دهند، و اگر به این صورت نیز نتوانست طواف کند، نایب می گیرد. مسأله ۳۴۴ هر گاه طواف مستحب را رها کند و دنبال کاری برود (خواه ضروری باشد، یا غیر ضروری) هنگامی که باز می گردد می تواند از همانجا که رها کرده ادامه دهد؛ خواه چهار دور تمام شده باشد،

یا نه. مسأله ۳۴۵ نشستن در حال طواف برای رفع خستگی مانعی ندارد؛ ولی احتیاط واجب آن است که موالات عرفی به هم نخورد (یعنی مطابق معمول طواف را پشت سر هم و بدون فاصله زیاد بجا آورد). سؤال ۳۴۶ شخصی پس از انجام تقصیر متوجه می شود که در حال طواف و نماز طواف وضو نداشته، یا وضویش باطل بوده، اکنون چه وظیفه ای دارد؟ آیا لازم است مجدداً لباس احرام بپوشد، و طواف کند؟ جواب: طواف و نماز طواف را اعاده کند، و عمره او صحیح است، و پوشیدن لباس احرام لازم نیست. سؤال ۳۴۷ وضوی یکی از حجاج در دور آخر طواف باطل شد. طواف را با همان حالت به پایان رسانده، سپس وضو گرفته و طواف را از اول شروع کرده، و پس از آن نماز طواف و سعی و تقصیر را انجام داده است، آیا عمل او صحیح می باشد؟ جواب: طواف دوّم و اعمال پس از آن صحیح است؛ هر چند می توانست طواف اوّل را پس از وضو تکمیل و به آن قناعت نماید. سؤال ۳۴۸ شخصی به نیابت از پدر، عمره مفرده ای انجام داده، و روز بعد به نیابت از مادر احرام می بندد و در اثنای عمره دوّم متوجه می شود که طواف و نماز طواف عمره اوّل را بدون وضو انجام داده است. اکنون وظیفه اش چیست؟ جواب: طواف و نماز عمره اوّل را اعاده می کند، و عمره دوّم را به قصد رجا ادامه می دهد (توجه داشته باشید که در یک ماه قمری بیش از یک عمره نمی توان انجام داد؛ مگر

به قصد رجا، یعنی به امید این که مطلوب باشد، نه به طور قطعی). سؤال ۳۴۹ کسی که وظیفه اش وضوی جبیره ای و تیمم بوده، از روی جهل و نادانی به احکام شرعی بدون تیمم اعمال عمره را انجام داده است، وظیفه اش چیست؟ جواب: طواف و نماز آن باید اعاده شود، و احتیاط آن است که اعمال بعد از آن را هم اعاده نماید. سؤال ۳۵۰ هنگام اذان صبح به مسجد الحرام رسیدیم. سرپرست کاروان گفت: «کمی صبر کنید، پس از نماز صبح طواف می کنیم». بر اثر خستگی زیاد خوابم برد، و چون آب در دسترس خود نمی دیدم تیمم کردم، و طواف و نماز طواف را با تیمم انجام دادم. آیا اعمال من صحیح است؟ جواب: در صورتی که برای شما امکان داشته وضو بگیرید، هر چند که به منزل بروید و مثلاً برای روز بعد اعمال را انجام دهید، تیمم صحیح نبوده است. وظیفه شما این است که طواف و نماز طواف را اعاده کنید، و اگر خودتان نمی توانید، باید نایب بگیرید. سؤال ۳۵۱ شخصی در طواف واجب احساس می کند لباس احرامش نجس شده، ولی اعتنا نمی کند، و با همان حال طواف و اعمال بعد از آن را انجام می دهد، سپس لباسش را بررسی نموده، یقین پیدا می کند که در حال طواف چنین شده است، و بدون جبران اعمال به وطن باز می گردد. اکنون وظیفه اش چیست؟ آیا هنوز در حال احرام است؟ جواب: اگر در حال طواف یقین نداشته که وضویش باطل و احرامی اش نجس شده (هر چند بعد از اعمال یقین پیدا کرده باشد)،

از احرام خارج شده است، ولی باید طواف و نماز آن را اعاده کند و اگر شخصاً نمی تواند، باید نایب بگیرد. سؤال ۳۵۲ خانمی طبق تاریخ تولدش، بیش از پنجاه سال شمسی دارد، و یک سال و نیم است که عادت ماهانه نشده و ولی در حال احرام خون می بیند. آیا می توان در یائسگی او تردید کرد؟ وظیفه او چیست؟ جواب: هرگاه شرایط و صفات عادت ماهیانه را نداشته باشد، حکم مستحاضه را دارد و با انجام وظیفه مستحاضه حج و طواف او صحیح است. سؤال ۳۵۳ هرگاه زنان سیده پس از شصت سال، و غیر سیده بعد از پنجاه سال، چند روز متوالی خونی ببینند، که همه نشانه های حیض را داشته باشد، برای طواف و نماز طواف چه کنند؟ جواب: در صورت داشتن تمام نشانه های حیض، حکم حیض را دارد. در ضمن زنان سادات در محیط ما حکم زنان قرشیه را ندارند، و آنها نیز در پنجاه سالگی قمری (حدود ۵/۴۸ سال شمسی) یائسه می شوند، یعنی هرگونه خون مشکوکی ببینند حکم استحاضه را دارد. سؤال ۳۵۴ خانمی در حال طواف مستحاضه قلیله می شود. وظیفه اش چیست؟ جواب: اگر بعد از تمام شدن دور چهارم بوده، پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس، طواف را تمام می کند، و اگر قبل از تمام شدن دور چهارم بوده، پس از تجدید وضو و تطهیر، طواف را از اول شروع می کند. سؤال ۳۵۵ زن مستحاضه ای پس از انجام غسل و وضو مشغول طواف می شود، ولی در اثناء طواف لک می بیند. وظیفه اش چیست؟ جواب: اگر

خون او مستمر است و به وظیفه اش عمل کرده، و در حدّ امکان از خروج خون جلوگیری نموده، وظیفه ای ندارد، ولی اگر خون کاملاً قطع شده و غسل کرده، سپس خون جاری شده، حکم حدث جدید را دارد. سؤال ۳۵۶ زن مستحاضه که باید غسل کند و وضو بگیرد، و با این کار فاصله ای بین اعمال او پیش می آید، که گاهی از اوقات طولانی است، مثل این که باید برای غسل به منزل برود. آیا این فاصله اشکال ندارد؟ جواب: همانطور که قبلاً گفته شد، هنگامی که مستحاضه وظیفه غسل خود را برای نمازها انجام دهد به حکم طاهر است، و غسل دیگری برای طواف و نماز طواف لازم نیست. سؤال ۳۵۷ خانم مستحاضه ای طبق وظیفه اش غسل کرد، یا وضو گرفت، و مشغول طواف شد. در بین طواف، نماز ظهر شروع شد. طواف را قطع کرد و نمازش را خواند. پس از نماز، با همان وضو یا غسل طوافش را ادامه داد. آیا طوافش صحیح است؟ جواب: هرگاه مستحاضه کثیره غسلهای نماز خود را به موقع بجا آورد، غسل دیگری مطلقاً برای طواف و نماز طواف بر او واجب نیست. سؤال ۳۵۸ بعضی از بانوان برای جلوگیری از عادت ماهیانه، مخصوصاً جهت اعمال حج، قرص می خورند ولی با این حال به هنگام احرام لکه های مختصری می بینند. آیا ضرری به اعمال آنها می زند؟ جواب: لکه های مزبور، اگر سه روز مستمراً ادامه نیابد، حکم استحاضه را دارد، و ضرری به اعمال حج نمی زند، و باید مطابق اعمال استحاضه عمل کنند و چنانچه فقط لکه هایی

دیده و ادامه نداشته، تنها وضو بر آنان واجب است، و غسل ندارد. سؤال ۳۵۹ خانمی که پس از طواف عمره، خون دیده است وظیفه اش نسبت به نماز و اعمال بعدی چیست؟ ممکن است حیض باشد و ممکن است با خوردن قرص قطع شود؟

جواب: اگر احتمال قطع خون با خوردن قرص می دهد پس از تطهیر و وضو و انجام اعمال مستحاضه، نماز طواف را بخواند و سعی و تقصیر و طواف نساء را بجا آورد و چنانچه بعد معلوم شود که اعمال را در حال حیض انجام داده، نماز طواف و طواف نساء و نماز آن را پس از پاک شدن اعاده کند و اگر یقین به حیض بودن خون می دهد از مسجد بیرون رود و پس از پاک شدن، نماز طواف و اعمال پس از آن را انجام دهد و در صورت تنگی وقت برای نماز طواف عمره و طواف نساء و نماز آن، نایب بگیرد. سؤال ۳۶۰ اگر صاحب عادت «وقتی و عددی» که عدد روزهای عادتش همواره مثلاً هفت روز است، روز هفتم پاک شود و غسل کند، سپس اعمال حج را بجا آورد، ولی بعداً لک ببیند، اعمالش چگونه است؟ جواب: هرگاه اعمال او در حال پاکی واقع شده، صحیح است. سؤال ۳۶۱ نظم عادت ماهانه بعضی از خانمها به خاطر مصرف قرص جلوگیری بر هم می خوردند به طوری که گاه به مدت طولانی مرتب خون یا لک می بینند. وظیفه این دسته از زنان در حج چیست؟ جواب: اگر خون سه روز استمرار داشته باشد، و در ایام عادت دیده شود، هر چند به

این صورت که پس از شروع تا سه روز باطن آلوده باشد، محکوم به حکم حیض است. در غیر این صورت، احکام استحاضه را دارد. سؤال ۳۶۲ خانمی عادت ماهانه نمی شود ولی هر دو ماه یکبار دو سه روزی لک و ترشحات می بیند، وظیفه اش چیست؟ جواب: اگر خون، هر چند در داخل و باطن، تا سه روز استمرار نداشته، حکم استحاضه را دارد. سؤال ۳۶۳ خانمی بر اثر جهل و ناآگاهی از احکام شرع، پس از پاک شدن از عادت ماهانه، خیال می کرده جنب است، و لهذا نیت غسل جنابت کرده، و با همین اعمال را بجا آورده است. عمره او چه حکمی دارد؟ جواب: اگر منظورش انجام غسل برای عادت ماهانه بوده، و اسم آن را جنابت گذاشته، عملش صحیح است.

سؤال ۳۶۴ شخصی پس از به جا آوردن اعمال متوجه می شود که غسل مس میت بر او واجب بوده، و هنوز آن را انجام نداده است. آیا عمره اش صحیح است؟ جواب: هرگاه غسل واجب یا مستحب دیگری انجام داده کفایت می کند، و اعمالش صحیح است و اکنون وظیفه ای ندارد، ولی اگر هیچ غسلی نکرده، هر چند عمره او اشکالی ندارد، اما واجب است طوافها و نمازهای آن را اعاده کند، و اگر خودش قادر نیست نایب بگیرد. سؤال ۳۶۵ دختر مجردی در اوائل سن بلوغ جنب شده، و تا کنون غسل جنابت نکرده ولی غسلهایی مانند غسل حیض یا جمعه را انجام داده، و با این کیفیت به عمره رفته است. لطفاً بفرمائید: ۱ عبادتهایی که بعد از آن حالت تاکنون انجام داده چه وضعی



دارد؟ ۲ آیا هنوز از احرام خارج نشده، و جمیع محرمات احرام بر او حرام است؟ ۳ عمره او چه حکمی دارد، و اکنون وظیفه اش چیست؟

جواب: هرگاه غسل دیگری انجام داده کفایت می کند؛ بنابراین، اعمالی که بعد از غسل حیض یا جمعه انجام داده، از جمله عمره او، صحیح است، ولی نمازهایی را که بعد از جنابت و قبل از اولین غسل خوانده باید به تدریج قضا کند، و اگر بعد از جنابت تا زمان انجام عمره هیچ غسلی نکرده، باید طوافهای واجب و نمازهای آن را دوباره بجا آورد، و اگر نمی تواند، نایب بگیرد، و تا زمانی که این اعمال را اعاده نکرده، باید از بوی خوش و ازدواج و محرماتی که با طواف نساء حلال می شود، احتیاطاً اجتناب کند. سؤال ۳۶۶ هرگاه شخص محرم جنب شود و آب برایش ضرر داشته باشد و وقت تنگ باشد، آیا طواف و نماز آن با تیمم کافی است یا باید نایب هم بگیرد؟ جواب: کافی است و نایب گرفتن لازم نیست. سؤال ۳۶۷ خانمی به تصوّر این که پاک شده، طواف و نماز طوافش را بجا آورده، مشغول سعی می شود. در اثناء سعی متوجّه می شود که هنوز پاک نشده است، وظیفه اش چیست؟ اگر بعد از سعی متوجّه این موضوع شود، تکلیفش چه می باشد؟ جواب: در فرض اوّل سعی را قطع می کند، و پس از پاک شدن، طواف و نماز طواف و سعی را اعاده نماید و در فرض دوم نیز اعاده طواف و نماز طواف لازم است، و احتیاطاً سعی را هم اعاده می کند.

سؤال ۳۶۸ اگر خانمی به نیت عمره مفرده محرم، و پس از آن عادت شود، و در همه روزهایی که در مکه است در حال عادت باشد، برای عمره مفرده باید چه کند؟ اگر بدون انجام اعمال به ایران آمده، چه وظیفه ای دارد؟ جواب: در فرض سؤال باید برای طواف و نماز نایب بگیرد، و بقیه اعمال عمره را خودش بجا آورد، و چنانچه به ایران آمده، باید برگردد و اعمالش را انجام دهد، و اگر نمی تواند برگردد، باید برای اعمال عمره نایب بگیرد، ولی باید خودش تقصیر نموده، و ترتیب بین تقصیر و سایر اعمال را مراعات کند، و تا اعمال عمره را انجام ندهد، در احرام باقی می ماند.

### حکم مسلوس

سؤال ۳۶۹ وظیفه مسلوس (کسی که بی اختیار قطرات بول از او خارج می شود) نسبت به طواف و نماز طواف چیست؟ جواب: اگر در زمان خاصّی بیماریش تخفیف پیدا می کند، به گونه ای که می تواند در آن زمان طواف و نماز طواف را با وضو و بدن پاک به جا آورد، باید این اعمال را در آن زمان انجام دهد و اگر چنین وقتی ندارد، در صورتی که زحمت زیادی نداشته باشد، هر بار که وضویش باطل شد تجدید وضو کند، و اگر زحمت زیاد دارد، برای طواف یک وضو، و برای نماز هم یک وضو می گیرد، و نایب گرفتن لازم نیست. سؤال ۳۷۰ شخصی عمل جراحی کرده، و فعلاً کیسه ای به او بسته اند که پیوسته قطرات بول در آن می ریزد؛ خواه از معجای بول، یا از محلّی که جراحی و سوراخ شده است.

آیا چنین شخصی حکم مسلوس را دارد؟ جواب: آری، حکم مسلوس را دارد که حکم آن در پاسخ قبل گذشت. سؤال ۳۷۱  
مُحرمی که مبتلا به خروج ریح است (یعنی مرضی دارد که نمی تواند از خارج شدن باد جلوگیری کند) و در طول سال شاید  
یکی دو ماه بیماریش تخفیف پیدا کند، ولی نوعاً به فاصله یکی دو دقیقه وضویش باطل می شود، تکلیفش چیست؟ جواب:  
چنانچه نتواند در اثناء طواف وضو بگیرد، یا این کار زحمت زیاد داشته باشد، می تواند برای طواف به یک وضو اکتفا کند، و  
برای نماز طواف وضوی دیگری بگیرد. هر چند در اثناء طواف و نماز، وضویش باطل شود، و نیازی به نایب گرفتن نیست.  
سؤال ۳۷۲ پیرمردی سلس بول دارد و خود را برای طواف از تنجیس لباس و مسجد حفظ نمی کند و به راهنمایی و ارشاد  
دیگران توجه ندارد؛ آیا می تواند برای طواف نایب بگیرد؟ جواب: باید نایب بگیرد.

### حکم مبטون

سؤال ۳۷۳ مدّتی است، که به علّت بیماری و در اثر عمل جراحی، مبطون هستم و خروج مدفوع را احساس نمی کنم. بدین  
جهت از کیسه مخصوصی استفاده نموده، و برای وضو و نماز طبق رساله عمل می کنم. با توجه به این که سال آینده، انشاء  
الله، به زیارت خانه خدا نائل می شوم، وظیفه ام در رابطه با مراسم حج چیست؟ جواب: چنانچه زمانی باشد که بتوانید طواف و  
نماز طواف را بدون خروج آن انجام دهید، باید همان زمان را انتخاب نموده، و اعمالتان را انجام دهید و اگر چنین چیزی  
امکان پذیر نیست، و به هیچ وجه خروج آن را

احساس نمی کنید، طواف را با یک وضو، و نماز طواف را با وضوی دیگر انجام دهید.

### سؤم: طهارت از نجاست

مسأله ۳۷۴ بدن و لباس طواف کننده (خواه در طواف واجب، یا مستحب) باید از هر نجاستی پاک باشد؛ حتی بعضی از نجاسات که در نماز بخشوده شده (مانند خون کمتر از یک درهم) در طواف بخشوده نیست، ولی در مورد خون زخمها، اگر شستن آن باعث مشقت و عسر و حرج باشد، ضرری برای طواف ندارد. مسأله ۳۷۵ اگر لباسهای کوچک مانند جوراب، شب کلاه و همیان، که به تنهایی نمی توان با آن ستر عورت کرد، نجس باشد عیبی ندارد. مسأله ۳۷۶ اگر تطهیر خون قروح و جروح مشقت داشته باشد، شستن آن لازم نیست؛ ولی احتیاط واجب آن است که به مقداری که می توان بدن را تطهیر کرد، و لباس را عوض نمود، و موجب مشقت نیست، انجام دهد. مسأله ۳۷۷ در صورتی که بتواند با تأخیر انداختن طواف، خود و لباس خویش را بدون مشقت تطهیر کند، احتیاط آن است که چنین نماید؛ به شرط آن که وقت باقی باشد. مسأله ۳۷۸ هرگاه لباس یا بدن نجس باشد، و نداند یا می دانسته و فراموش کرده، چنانچه بعد از طواف بفهمد طوافش صحیح است، و اگر در حال طواف بفهمد باید لباس خود را عوض کند، و با لباس پاک طواف را ادامه دهد، و اگر لباس پاکی همراه ندارد طواف را متوقف می کند، و لباس یا بدن را آب می کشد، سپس باقیمانده طواف را به جا می آورد، و طوافش صحیح است؛ خواه قبل از تکمیل کردن دور چهارم

باشد، یا بعد از آن. مسأله ۳۷۹ اگر شك داشته باشد که لباس یا بدنش نجس است یا پاک، می تواند در آن حال طواف کند؛ خواه بداند قبلاً پاک بوده، یا نداند، ولی اگر یقین داشته باشد که قبلاً نجس بوده، و نداند که آن را تطهیر کرده یا نه، نمی تواند در آن حال طواف کند، بلکه باید ابتدا تطهیر کند، و سپس طواف نماید. مسأله ۳۸۰ اگر در بین طواف بدن یا لباس او نجس شود، دست از طواف بر می دارد، و لباس یا بدنش را آب می کشد، سپس طواف را از همانجا که قطع کرده بود ادامه می دهد، و طوافش صحیح است؛ خواه قبل از تکمیل چهار دور باشد، یا بعد از آن. مسأله ۳۸۱ اگر در بین طواف نجاستی در بدن یا لباس خود ملاحظه کند، و احتمال دهد که در همان حال طواف حاصل شده، طبق مسأله قبل عمل می کند. سؤال ۳۸۲ شخصی در دور ششم طواف نجاستی در بدن خود مشاهده کرده، و یقین دارد که از دورهای قبل بوده است، ولی بدون توجه به این مطلب، طواف را تکمیل کرده، و پس از تطهیر بدن طواف را اعاده می نماید، سپس بقیه اعمال عمره را به انجام می رساند. آیا اعمال او صحیح است؟ جواب: عمل او اشکالی ندارد. سؤال ۳۸۳ شخصی در حین طواف متوجه اندکی خون بر بینی خود می شود. با دستمال آن را پاک کرده، و طواف را به انجام می رساند. آیا طوافش صحیح است؟ جواب: اگر بینی او نجس شده باید آن را آب بکشد، و طواف را

تکمیل کند، و اگر این کار را نکرده، احتیاط آن است که بعد از تطهیر آن را تکمیل کند و نماز بخواند، سپس طواف و نماز را اعاده کند. سؤال ۳۸۴ اگر بیجه های کوچک در حال طواف یا سعی در فداقه خود بول کنند، چه حکمی دارند؟ جواب: حج آنها صحیح است، انشاء الله.

#### چهارم: ختنه برای مردان

مسئله ۳۸۵ هرگاه مردی ختنه نکرده باشد، طوافش باطل است، و احتیاط واجب آن است که پسر نابالغ نیز ختنه کرده باشد. مسئله ۳۸۶ اگر بیجه ختنه نشده را وادار به احرام کنند، یا او را محرم نمایند، احرام او صحیح است، ولی تمام طوافهای او اشکال دارد. بنابراین، چنین فردی در احرام باقی می ماند، و در آمدن از احرام برای او مشکل می شود، مگر آن که او را ختنه کنند، و سپس طواف کند، یا او را طواف دهند. مسئله ۳۸۷ اگر کسی ختنه کرده به دنیا بیاید، طوافش صحیح است. مسئله ۳۸۸ هرگاه کسی از روی عمد، یا فراموشی، یا ندانستن مسئله، طواف را بدون ختنه انجام دهد، طوافش باطل است. سؤال ۳۸۹ تکلیف کسی که ختنه او به طور ناقص انجام شده، و با این حال اعمال حج را به جا آورده، چه می باشد؟ جواب: احتیاط واجب آن است که بعد از ختنه صحیح و کامل، طوافها و نماز طوافها را اعاده کند، و اگر نمی تواند به مکه برود، نایب می گیرد. سؤال ۳۹۰ اگر شخصی را به طور ناقص ختنه کرده باشند، به این معنی که قسمت بالای آلت کاملاً هویدا نیست، ولی در حال نعوذ آشکار می گردد. آیا چنین

شخصی ختنه شده محسوب، و طوافهایش صحیح است؟ اگر پاسخ منفی است، و ختنه بر آن شخص برای بار دیگر لازم باشد، و او به عِلَّتِ سَنِّ بِالَا- از انجام این کار خجالت بکشد، حکم مسأله چیست؟ جواب: احتیاط واجب آن است که طواف و نماز آن را بعد از ختنه کردن اعاده کند، و در این گونه مسائل خجالت کشیدن معنی ندارد. می تواند به طور پنهانی نزد طیب آگاهی برود و ختنه کند، و این کار در ایام ما بسیار آسان است.

## **پنجم: پوشانیدن عورت**

### **پوشانیدن عورت**

مسأله ۳۹۱ پوشانیدن عورت بر طواف کننده واجب است؛ بلکه لازم است بدن خود را طوری بپوشاند که نگویند بدنش برهنه است. مسأله ۳۹۲ احتیاط واجب آن است که تمام شرایط لباس نماز گزار را در حال طواف رعایت کند.

### **طواف در لباس مشمول خمسی**

سؤال ۳۹۳ شخصی با پول خمس نداده لباس احرام خریده، و با همان لباس محرم شده، و طواف و نماز طواف را بجا آورده است. اکنون وظیفه اش چیست؟ جواب: اگر از روی علم و عمد نبوده، عمره او صحیح است، ولی در صورتی که جاهل مقصّر بوده، احتیاط واجب آن است طواف و نماز آن، را اعاده کند. سؤال ۳۹۴ هر گاه مُحْرَم به هنگام طواف پول خمس نداده همراه داشته باشد، آیا طوافش اشکال پیدا می کند؟ جواب: اشکالی برای طوافش ایجاد نمی کند.

### **حدّ پوشش در طواف**

سؤال ۳۹۵ آیا حجاب زنان محرم در طواف، مانند حجاب در حال نماز است، یا تفاوت می کند؟ جواب: تفاوت می کند؛ در حال نماز پوشیدن پشت پا و کف آن نیز مستثنی است؛ ولی احتیاط آن است که در حال طواف آنها را بپوشاند (جوراب بپوشد). همچنین در طواف استفاده از نقاب جایز نیست، ولی در نماز ضرری ندارد. سؤال ۳۹۶ اگر مقداری از موی سر زن محرم، یا جاهای دیگر بدنش، که پوشیدن آن در حال طواف لازم است، ظاهر باشد، طوافش چه حکمی دارد؟ جواب: طوافش صحیح است؛ هر چند گناه کرده است. سؤال ۳۹۷ بعضی از خانم ها از لباس احرام سفید نازک استفاده می کنند که بدن در حالت عادی یا در وقت عرق کردن از زیر آن پیدا می شود، طواف و نمازشان چگونه است؟ جواب: لباس باید ساتر باشد و با ظاهر بودن بدن، نماز و طواف باطل است. سؤال ۳۹۸ خانم هایی که می دانند در وقت دست بلند کردن در مقابل حجرالاسود و یا کتاب دعا به دست گرفتن،

قسمتی از دست آنها از آستین بیرون می آید، چنانچه با توجه چنین کنند طواف آنها چه صورتی دارد؟ جواب: با علم و عمد طواف آنها باطل است. سؤال ۳۹۹ پیدا شدن دست یا سینه مردان در حال طواف چه صورتی دارد؟ جواب: مضرّ به طواف نیست، ولی بهتر است با وجود نامحرم آن را بیوشانند.

## واجبات هفتگانه طواف

### اول و دوم: شروع از حجر الاسود و ختم به آن

مسأله ۴۰۰ باید طواف را از «حجر الاسود» شروع کند، و به «حجر الاسود» ختم نماید، و همین اندازه که در عرف بگویند از حجر الاسود شروع کرده، و به آن خاتمه داده کافی است، و دقت در محاذی بودن اجزای بدن با حجر الاسود لازم نیست؛ ولی احتیاط واجب آن است که کمی قبل از حجر الاسود شروع کند، و کمی بعد از آن ختم نماید، تا یقین حاصل کند که هفت دور تمام انجام داده است. مسأله ۴۰۱ در طواف باید همان گونه که همه مسلمین طواف می کنند شروع کند، و از دقتهای افراد وسواسی در مورد محاذات با حجر الاسود پرهیزد، و در دورهای دیگر توقف در نزد حجر الاسود لازم نیست، بلکه بدون توقف ادامه می دهد تا هفت دور تمام شود تا مزاحمتی برای طواف کنندگان حاصل نگردد. مسأله ۴۰۲ گاه دیده می شود که اشخاص جاهل در هر دوری که به هنگام طواف انجام می دهند توقف نموده، و مقداری عقب و جلو می روند تا محاذات با حجر الاسود را رعایت کرده باشند، این کار به هیچ وجه لازم نیست، بلکه گاهی حرام است. سؤال ۴۰۳ شخصی طواف را از حجر الاسود شروع، و به رکن یمانی



که قبل از حجر الاسود است ختم کرده، و فاصله رکن یمانی تا حجر را بدون نیت ادامه داده، و دوباره از حجر الاسود نیت کرده، و به رکن یمانی ختم نموده، و هفت دور طواف را به همین صورت انجام داده است. طواف او چه حکمی دارد؟ جواب: این طواف باطل است، و باید اعاده شود. سؤال ۴۰۴ اگر کسی قبل از حجر الاسود طواف را شروع نموده، و به همانجا ختم کند، آیا طوافش باطل است؟ جواب: طوافش باطل است. سؤال ۴۰۵ وظیفه شخصی که به اشتباه طواف را از رکن یمانی شروع، و به همانجا ختم کرده، و سپس نماز طواف را خوانده، و پس از آن متوجه خطایش شده چیست؟ چنانچه در وسط طواف متوجه اشتباهش گردد، و طوافش را به حجر الاسود ختم کند، آیا مقدار اضافی برای طواف ضرر دارد؟ جواب: طواف و نماز آن را باید اعاده کند، و اعاده در صورت دوم احتیاط است. سؤال ۴۰۶ اگر شخصی یقین کرد رکن مستجار (رکن یمانی که قبل از حجر الاسود قرار دارد) حجر الاسود است، و طواف را از آنجا شروع و به همانجا ختم کرد، و بعد فهمید که این کار خطا بوده، تکلیفش چیست؟ جواب: طواف مذکور بنا بر احتیاط واجب باطل است، و باید اعاده شود.

### **سؤم: خانه کعبه سمت چپ طواف کننده باشد**

مسأله ۴۰۷ واجب است طوری طواف کند که خانه کعبه طرف دست چپ او باشد (برخلاف حرکت عقربه ساعت) همان گونه که معمول همه مسلمین است. مسأله ۴۰۸ واجب نیست صورت طواف کننده در حال طواف رو به جلو باشد، بلکه می تواند به سمت چپ و راست

خود نگاه کند، و حتی صورت را برگرداند و به عقب نگاه کند. مسأله ۴۰۹ لازم نیست شانه چپ در تمام حالات محاذی کعبه باشد؛ بلکه همین اندازه که مطابق معمول و متعارف مسلمین خانه کعبه را دور بزند کافی است، حتی اگر گاهی صورت خود را به سوی کعبه کند و به راه خود ادامه دهد مانعی ندارد. مسأله ۴۱۰ آنچه بعضی از عوام در مورد محاذی بودن دائمی شانه چپ با کعبه (به خصوص موقع رسیدن به حجر اسماعیل) انجام می دهند هیچ لزومی ندارد؛ بلکه اگر موجب وهن مذهب گردد جایز نیست، و بهتر است به جای این گونه احتیاط های بیجا، در تمام حالات حضور قلب داشته باشند، و همانند سایر مسلمین کعبه را دور بزنند. مسأله ۴۱۱ گاه دیده می شود برخی از افراد جاهل برای احتیاط از شخص دیگری می خواهد که او را طواف دهد، و شانه های او را به سوی کعبه کند، به گونه ای که اختیار از طواف کننده سلب می شود. هر چند این کار موجب بطلان طواف نمی گردد، اما بدون شك کارهای این افراد بسیار بد و زننده است.

مسأله ۴۱۲ هرگاه بر اثر شلوغی مطاف، و ازدحام طواف کنندگان، مقداری از طواف برخلاف متعارف انجام شد؛ مثل این که بدن طواف کننده در حال حرکت به سمت کعبه واقع شد، یا پشت به کعبه قرار گرفت، یا مقداری عقب عقب حرکت کرد، و طواف را ادامه دهد باید آن مقدار را از سر بگیرد، و اگر نمی تواند برگردد، بدون قصد طواف همراه جمعیت دور می زند تا به محل مورد

نظر برسد، و از آنجا تیت کند و ادامه دهد. مسأله ۴۱۳ اگر بر اثر ازدحام طواف کنندگان، انسان را بدون اختیار به پیش ببرند، در صورتی که با توجه به این امر و با اختیار خود وارد طواف شده، ضرری به طوافش نمی زند. مسأله ۴۱۴ به هنگام طواف کردن به هر شکل برود مانعی ندارد؛ می تواند آهسته یا تند، سواره یا پیاده راه برود، یا حتی بدود، ولی بهتر آن است که به طور عادی و با آرامش راه برود، و ذکر خدا گوید. سؤال ۴۱۵ شخصی در حال طواف کعبه را بوسیده، و احتمال می دهد در آن حال چند قدم راه هم رفته باشد، و این شک بعد از انجام طواف به وجود آمده است. طوافش چه حکمی دارد؟

جواب: چون شک بعد از طواف بوده، طوافش صحیح است. سؤال ۴۱۶ شخصی در اثناء طواف به خاطر لمس و بوسیدن بیت الله الحرام از مسیر خود منحرف شده، و نمی داند در بازگشت طواف را از همان نقطه ادامه داده یا نه، اکنون وظیفه اش چیست؟ جواب: هرگاه شک بعد از طواف بوده طوافش صحیح است، و الا باید از سر بگیرد. سؤال ۴۱۷ یکی از حجاج خیال کرده به هنگام طواف مقداری از شوط را بر اثر فشار جمعیت طی کرده، ولی یقین به این مطلب ندارد، و از آنجا که نمی توانسته آن مقدار را برگردد و اعاده کند، بقیه شوط را به قصد رجاء و احتیاطاً انجام می دهد (تا اگر آن دور باطل بوده اضافه لغو باشد، و اگر صحیح بوده، اضافه بر طواف محسوب نشود) سپس

هفت دور بجا آورده، و آن دور را حساب نکرده است. این طواف چه حکمی دارد؟ جواب: این طواف بنا بر احتیاط صحیح نیست. سؤال ۴۱۸ شخصی به هنگام طواف بر اثر فشار جمعیت چند گام به جلو رفته، سپس به جای آن که همان مقدار را جبران کند، آن را رها کرده و یک دور دیگر به جا آورده، که مجموعاً هفت دور تمام و یک دور ناقص می شود. آیا این طواف صحیح است؟ جواب: طواف اشکال دارد، و باید آن را اعاده کند. سؤال ۴۱۹ اگر محرم از ابتدا بداند که بر اثر شلوغی طواف کنندگان مقداری از طواف یا همه آن را بی اختیار انجام خواهد داد، آیا از اول می تواند نیت کند آن مقدار، که جمعیت او را می برد، نیز جزء طواف باشد، و آن را مثل طواف سواره محسوب نماید؟ جواب: طواف صحیح است، و اشکالی ندارد. سؤال ۴۲۰ شخصی در حال طواف به یکی از طواف کنندگان که روی زمین افتاده، برخورد نموده، و او را از روی زمین بلند می کند. ممکن است در این حال چند گامی به جلو برود، در حالی که توجه به طواف ندارد. در نتیجه نمی داند که آیا مقداری از طواف را بدون قصد بجا آورده یا نه، تکلیفش چیست؟ جواب: اگر قصد طواف، و لو اجمالاً، داشته کافی است. سؤال ۴۲۱ شخصی در شوط پنجم یقین پیدا می کند که پنج متر شوط اول، و پنج متر از شوط دوم را بی اختیار طواف کرده است. تکلیف او چیست؟ جواب: اگر از اول قصد کرده خود را در میان

طواف کنندگان قرار دهد و با آنها بچرخد، آنچه را با فشار جمعیت به جا می آورد، جزء طواف است و صحیح می باشد.

#### **چهارم: «حجر اسماعیل» داخل طواف باشد**

مسأله ۴۲۲ واجب است «حجر اسماعیل» را داخل در طواف کند، یعنی از بیرون حجر اسماعیل کعبه را دور بزند. بنابراین، اگر از داخل «حجر اسماعیل» طواف کند باید آن دور را نادیده گرفته، و از حجر الاسود اعاده نماید (ولی نظر به این که به عقب برگشتن در این گونه موارد با ازدحام جمعیت مشکل است، بهتر این است که همراه طواف کنندگان آن دور را بدون نیت ادامه دهد، تا به حجر الاسود برسد، سپس نیت می کند و آن دور را ادامه می دهد). مسأله ۴۲۳ هرگاه شخصی عمداً از داخل حجر اسماعیل طواف کند، حکم ابطال عمدی طواف را دارد که در ابتدای مسائل طواف حکم آن گذشت.

مسأله ۴۲۴ اگر کسی پس از انجام اعمال عمره متوجه شود که چند شوط از طواف را، سهواً از داخل حجر اسماعیل انجام داده، عمره او صحیح است، ولی باید آن طواف را تکمیل کند، سپس نماز طواف را اعاده نماید. مسأله ۴۲۵ اگر کسی در بعضی از دورها از روی دیوار حجر اسماعیل طواف کند، کافی است همان مقدار را اعاده کند، و اعاده تمام طواف لازم نیست (البته در شرایط کنونی عملاً هیچ کس روی دیوار حجر نمی رود).

#### **پنجم: طواف در خارج خانه کعبه باشد**

مسأله ۴۲۶ طواف باید در خارج خانه کعبه باشد. بنابراین، طواف در داخل خانه کعبه جایز نیست. مسأله ۴۲۷ جایز نیست روی آن قسمت از کناره کعبه که «شاذروان» نام دارد، طواف کند؛ هر چند امروز شاذروان طوری ساخته شده که عملاً امکان طواف روی آن نیست. مسأله ۴۲۸ دست گذاشتن بر دیوار خانه کعبه، یا بر دیوار حجر اسماعیل، یا دست

گذارند روی حجر اسماعیل، ضرری برای طواف ندارد؛ هر چند احتیاط مستحب آن است که در آن طرف کعبه که شاذروان قرار دارد، هنگام طواف دست بر دیوار کعبه نگذارند. مسأله ۴۲۹ هرگاه در اثنای طواف داخل خانه کعبه شود طواف او باطل است، و باید اعاده کند، و هرگاه از درون حجر اسماعیل طواف کند همان دور را (چنان که در بالا گفته شد) از حجر الاسود اعاده کند؛ اما اگر از روی دیوار حجر اسماعیل، یا شاذروان طواف کند، اعاده همان مقدار کافی است.

### ششم: حد مطاف

مسأله ۴۳۰ مشهور میان جمعی از فقها این است که باید طواف در فاصله مقام ابراهیم و خانه کعبه باشد (۱) و از هر طرف باید این فاصله در نظر گرفته شود، بنابراین در طرف «حجر اسماعیل» محدوده طواف شش ذراع و نیم (کمتر از سه متر و نیم) خواهد بود، زیرا حجر اسماعیل (که مجموعاً بیست ذراع است) از آن کم می شود، ولی حق این است که طواف در تمام مسجد الحرام جایز می باشد؛ هر چند در غیر مواقع ازدحام رعایت احتیاط مستحب است؛ یعنی اگر طواف کردن در فاصله مزبور مشکل نباشد، از آن حد خارج نشود. مسأله ۴۳۱ اتصال صفوف طواف کنندگان شرط نیست. مسأله ۴۳۲ طواف در طبقات بالا در حال ازدحام زیاد، و در مورد بیماران که اجازه طواف از پائین به آنها داده نمی شود، اشکالی ندارد؛ و گرفتن نایب لازم نیست. سؤال ۴۳۳ خانمی بدون کمک دیگران قادر بر طواف نیست یا باید او را با تخت در خارج مطاف طواف دهند، یا شخص نامحرمی او را بر پشت بگیرد،

و در محدوده مطاف طواف دهد. وظیفه اش چیست؟ جواب: با توجه به این که به فتوای ما مطاف حدّ معینی ندارد، او را با تخت در پشت مقام ابراهیم طواف دهند. سؤال ۴۳۴ کسی که به حدود مطاف آگاهی نداشته، طواف را بجا آورده، و پس از آن شك می کند که در مطاف بوده یا نه، آیا طوافش صحیح است؟ جواب: همان گونه که در بالا آمد در هر صورت طوافش صحیح است؛ چون طواف حدّ معینی ندارد.

سؤال ۴۳۵ چنانچه محرم یقین داشته باشد که در حال طواف در محدوده معین با مرد نامحرم یا زن نامحرم برخورد می کند، آیا باز هم لازم است در محدوده معین طواف کند؟ جواب: گفتیم که طواف حدّ معینی ندارد. به علاوه برخورد از روی لباس بدون قصد خاص اشکال ندارد. سؤال ۴۳۶ گاه انسان ناچار می شود از محدوده طواف فاصله میان مقام ابراهیم و کعبه دورتر شود، خواه به سبب نظافت کارکنان مسجدالحرام باشد، یا تعمیراتی که احیاناً در بعضی از اطراف کعبه انجام می دهند، یا کسانی که با ویلچر و تخت روان طواف داده می شوند و مانند اینها، آیا طوافشان صحیح است؟ جواب: همان گونه که قبلاً گفتیم طواف از نظر ما محدوده خاصی ندارد، و در حال اختیار نیز می توان از فاصله مقام و کعبه دورتر طواف کرد. ۱. این فاصله بیست و شش ذراع و نیم، یعنی کمتر از سیزده متر می باشد.

#### هفتم: موالات

مسأله ۴۳۷ موالات عرفی در طواف شرط است؛ یعنی باید هفت دور پی در پی دور خانه خدا بگردد، و

کمتر از هفت دور کافی نیست؛ ولی در طواف مستحب موالات شرط نیست. مسأله ۴۳۸ هرگاه طواف را عمداً قطع کند (برای رفع خستگی، یا نوشیدن آب، و مانند آن) ولی از مسجد خارج نشود، و قبل از فوت موالات باز گردد، و از همان جا که قطع کرده ادامه دهد، طوافش صحیح است. خواه کمتر از چهار شوط طواف کرده باشد، یا بیشتر. مسأله ۴۳۹ هرگاه کسی مشغول طواف واجب باشد و وقت نماز فریضه، یا نافله وتر فرا رسد، می تواند طواف را قطع کرده، و نماز را به جا آورد، سپس بقیه طواف را تکمیل کند؛ خواه قبل از چهار دور باشد، یا بعد از آن. مسأله ۴۴۰ اگر شخصی در حال طواف باشد، و وقت نماز واجب تنگ گردد، واجب است طواف را رها کند، و نمازش را بخواند، سپس اگر بعد از چهار دور رها کرده، از همانجا طواف را تمام نماید، در غیر این صورت بنا بر احتیاط از اول شروع می کند. مسأله ۴۴۱ قطع طواف برای رسیدن به نماز جماعت، یا رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب، جایز بلکه مستحب است، و بعد از انجام نماز، طواف را از همانجا که قطع کرده ادامه می دهد، و احتیاط مستحب آن است که طبق مسأله بالا عمل کند. (توجه داشته باشید که این مسأله در مورد نماز جماعت است). مسأله ۴۴۲ اگر بدون عذر طواف را قطع کرد، و کاری که منافات با طواف داشت انجام داد، مثل این که فاصله زیادی انداخت، و موالات عرفیه از بین رفت، احتیاط آن است که اگر چهار دور بجا آورده طواف را



تمام کند، و سپس اعاده نماید؛ ولی مانعی ندارد از آغاز طواف را از سر بگیرد. مسأله ۴۴۳ هرگاه در اثناء طواف عذری پیدا شد، مثل بیماری شدید، یا حیض، یا باطل شدن وضو و مانند آن، اگر عذر مذکور بعد از تمام شدن چهار دور بوده، پس از رفع عذر برمی گردد، و طواف را تکمیل می کند، ولی اگر قبل از تمام شدن چهار دور بوده، آن طواف را رها کرده، دوباره از اول شروع می کند، و احتیاط مستحب در فرض اول (در غیر حیض) اتمام و اعاده است. مسأله ۴۴۴ هرگاه عذر شخصی که طواف را قطع کرده، ادامه پیدا کند تا زمانی که وقت انجام طواف تنگ شود، در صورت امکان باید او را به مسجد الحرام بیاورند و طوافش دهند، و اگر ممکن نیست برایش نایب بگیرند.

مسأله ۴۴۵ اگر در حال سعی صفا و مروه یادش آمد که طواف را ناقص به جا آورده، باید برگردد و طواف را از همانجا که ناقص کرده تکمیل کند، سپس بقیه سعی را بجا آورد، و طواف و سعیش هر دو صحیح است. لکن احتیاط واجب آن است که اگر طواف کمتر از چهار دور بوده، آن را تمام کند و سپس اعاده نماید. همچنین اگر سعی را کمتر از چهار بار انجام داده، آن را تمام نموده و سپس اعاده کند، و در هر دو حالت می تواند طواف یا سعی را رها کرده، از اول بجا آورد. مسأله ۴۴۶ حاجی می تواند طواف را رها نموده، خانه را ببوسد، و سپس برگردد و از همانجا که قطع کرده طواف

را ادامه دهد، ولی بهتر است این کارها را انجام ندهد. سؤال ۴۴۷ شخصی در شوط اوّل طواف بود که نماز جماعت شروع شد. بدین جهت طواف را قطع کرده، و مشغول نماز می شود. پس از نماز، طواف را از سر می گیرد، و هفت شوط کامل به جا می آورد. آیا طواف او صحیح است؟ جواب: اشکال ندارد. سؤال ۴۴۸ شخصی در وسط طواف، آن را به هر دلیل رها کرده، و طواف را از سر می گیرد. آیا طوافش صحیح است؟ اگر اعمال بعدی را انجام داده باشد، چه وظیفه ای دارد؟ جواب: طواف و اعمال بعدی در هر حال صحیح است. سؤال ۴۴۹ تعدادی از زائران خانه خدا مشغول طواف بودند که مأمورین نظافت مسجدالحرام شروع به نظافت نموده، و طواف کنندگان به ناچار طواف را رها کردند. مدّتی طول کشید، خیال کردند موالات عرفیه به هم خورده، بدین جهت طواف را از سر گرفتند. در صورتی که به هم خوردن موالات مشکوک باشد، طوافشان چه حکمی دارد؟ جواب: در هر صورت اشکالی ندارد. سؤال ۴۵۰ شخصی شوط اوّل طواف را، که به طور ناقص انجام شده بود، رها نموده، سپس شش شوط دیگر به جا می آورد، بعد از آن شوط اوّل را اعاده می کند. آیا طوافش صحیح است؟ جواب: هرگاه نیتش اجمالاً انجام طواف واجب شرعی بوده، مانعی ندارد. سؤال ۴۵۱ شخصی نیت طواف را در دل می گذراند، و به قصد طواف حرکت می کند. پس از چند قدمی گمان می کند نیت طواف باید به زبان آورده شود، بدین جهت آن دور را رها نموده، و

برمی گردد، و نیت را به زبان آورده، و طواف را از نو شروع می کند. آیا طوافش صحیح است؟ جواب: اشکال ندارد. سؤال ۴۵۲ شخصی طواف خود را بر هم می زند و طواف دیگری را شروع می کند. آن را نیز بر هم زده و طواف سوم را آغاز و به اتمام می رساند. اکنون وظیفه اش چیست؟ جواب: طواف آخر او اشکال ندارد. ولی سزاوار است مؤمنان از این گونه کارها حتی الامکان پرهیزند. سؤال ۴۵۳ شخصی در شوط ششم بر اثر خستگی از ادامه طواف باز می ماند. بدین جهت طواف را قطع نموده، به استراحت می پردازد، و شخص دیگری را نایب می کند که بقیه طوافش را انجام دهد، سپس خودش نماز طواف را بجا می آورد. بعداً متوجه می شود که استراحت در وسط طواف موالات را بر هم نمی زند. اکنون وظیفه اش چیست؟ جواب: بقیه طواف را خودش تکمیل می کند، سپس نمازش را اعاده می نماید. سؤال ۴۵۴ شخصی در حال طواف غش کرده، و از ادامه طواف باز می ماند، و پس از چند ساعت به هوش می آید. آیا می تواند طوافش را از همان جا که قطع شده ادامه داده، سپس بقیه اعمالش را بجا آورد؟ جواب: اگر طوافش قبل از اتمام شوط چهارم قطع شده، وضو می گیرد و طواف را از اول شروع می کند، و اگر بعد از شوط چهارم بوده، پس از وضو از همانجا ادامه می دهد. سؤال ۴۵۵ کسی که وظیفه اش اتمام و اعاده طواف است، هرگاه طواف ناقص خود را اتمام نموده، و به

هنگام اعاده طواف، دوباره طوافش قطع شود. آیا این طواف را نیز باید اتمام و اعاده کند؟ جواب: آری، فرقی نمی کند. سؤال ۴۵۶ در مواردی که باید احتیاطاً طواف را تمام کند، سپس نماز طواف را بخواند، و پس از آن طواف و نماز آن را اعاده کند، اگر یک طواف به قصد اعم از تمام و اتمام انجام دهد (یعنی چنانچه آن مقدار انجام شده باطل بوده، تمام هفت شوط را قصد طواف داشته باشد، و چنانچه صحیح بوده فقط بقیه را قصد طواف داشته باشد) و سپس دو رکعت نماز طواف بخواند، آیا کفایت می کند؟ جواب: بهتر آن است که طواف اول را رها کرده، طواف دیگری را شروع کند. زیرا این احتیاط مستحب است. سؤال ۴۵۷ در مواردی که طواف و سعی را اتمام و اعاده می کند، آیا ترتیب نیز لازم است؟ جواب: آری، احتیاط آن است که ابتدا طواف را تمام کند و نماز بخواند، سپس طواف و نماز آن را اعاده نماید، و بعد به سراغ سعی برود. سؤال ۴۵۸ در مواردی که طواف و نماز باید اعاده شود، آیا لازم است با لباس احرام باشد؟ جواب: لازم نیست.

## احکام طواف

### عدم تمکن از طواف

مسأله ۴۵۹ هرگاه محرم بر اثر بیماری قادر بر انجام طواف نباشد تا وقت طواف تنگ شود، اگر ممکن است، او را به نحوی ببرند و طواف دهند (هر چند بر دوش بگیرند، یا بر چرخ یا تخت بنشانند. البته با رعایت شرایط و احکام طواف در حد ممکن) و اگر به این شکل هم ممکن نباشد، برای او نایب می گیرند.

### نقصان طواف

مسأله ۴۶۰ اگر محرم مشغول سعی بین صفا و مروه شود، سپس یادش بیاید که طواف را بجا نیاورده، باید سعی را رها کرده و طواف و نماز طواف را انجام دهد، و پس از آن سعی را اعاده نماید.

سؤال ۴۶۱ اگر بعد از تقصیر متوجه نقصان یا بطلان طواف عمره شد، چه وظیفه ای دارد؟ جواب: باید طواف و نماز آن را اعاده کند ولی ظاهراً از احرام خارج شده و کفاره ای ندارد. سؤال ۴۶۲ اگر بعد از طواف و نماز آن متوجه شود که یک یا دو دور از طواف را بجا نیاورده، تکلیف چیست؟ جواب: باید مقدار نقصان را تدارک کند و نماز طواف را مجدداً بخواند.

### کم یا زیاد کردن طواف

مسأله ۴۶۳ کم یا زیاد کردن طواف جایز نیست. هرگاه کسی از روی عمد یا جهل چیزی بر هفت دور بیفزاید، طواف او باطل است، و اگر طواف واجب را کم کند، چنانچه قبل از فوت موالات عرفیه باز گردد و آن را تکمیل نماید، طوافش صحیح است، و الا طواف او باطل می شود، و باید از نو شروع کند. مسأله ۴۶۴ طواف واجب یا مستحب را می توان قطع کرد، و از نو شروع نمود. (این حکم برای حل بسیاری از مشکلات طواف کارساز است؛ زیرا می تواند آن را رها کند، و از سر بگیرد). مسأله ۴۶۵ هرگاه طواف را از روی عمد بیش از هفت دور به جا آورد طواف او باطل است؛ خواه از اول قصد زیادی داشته باشد، یا بعد از اتمام هفت دور قصد کند که چیزی بر آن اضافه نماید، و خواه زیادی به

اندازه یک دور باشد، یا کمتر، یا بیشتر؛ اما اگر مقدار اضافی را به قصد طواف به جا نیاورد، مثل این که در اول کار یک دور با جمعیت حرکت می کند تا به طواف آشنا شود، سپس هنگامی که مقابل «حجر الاسود» رسید قصد طواف می کند، این کار ضرری ندارد، همچنین اگر بعد از تمام شدن هفت دور بر اثر کثرت جمعیت نتواند فوراً از دایره طواف خارج شود، مانعی ندارد مقداری با مردم بدون قصد طواف ادامه دهد، و بعد خارج شود. مسأله ۴۶۶ هرگاه از روی سهو طواف را زیادتر از هفت دور به جا آورد، اگر اضافه کمتر از یک دور باشد، آن را قطع می کند و طوافش صحیح است، و اگر یک دور یا بیشتر باشد، احتیاط آن است که به قصد قربت بر آن بیفزاید تا هفت دور دیگر به عنوان طواف مستحب کامل شود، و بعد دو رکعت نماز طواف واجب را به جا می آورد، و پس از سعی (در آنجا که سعی واجب است) دو رکعت دیگر برای طواف مستحب به جا می آورد. و لازم نیست قصد کند طواف اول واجب است، و دوم مستحب؛ بلکه همین اندازه که به قصد قربت انجام دهد کافی است. مسأله ۴۶۷ هرگاه از روی سهو و فراموشی طواف واجب را ناقص بگذارد، اگر بعد از تمام کردن چهار دور باشد، برمی گردد و طواف را کامل می کند. (خواه موالات از دسته رفته باشد، یا نه) و اگر قبل از چهار دور باشد چنانچه موالات به هم نخورده، می تواند آن را تکمیل نماید وگرنه، باید

از نو شروع کند. مسأله ۴۶۸ چنانچه پس از بازگشت به وطن متوجه نقصان در طواف شود، احتیاط آن است که برگردد، و طوافش را طبق آنچه در بالا گفتیم تکمیل کند، و اگر نتواند، یا مشکل باشد، نایب بگیرد. و احتیاط آن است که یک گوسفند در مکه، و اگر نتواند در شهر خود، قربانی نماید. مسأله ۴۶۹ هرگاه طواف کننده از روی عمد از اول قصد کند کمتر از هفت دور یا بیشتر بجا آورد، طوافش باطل است؛ هر چند به هفت دور تمام کند. مسأله ۴۷۰ احتیاط واجب آن است که اگر طواف کننده از روی ندانستن مسأله، یا فراموشی یا غفلت کمتر از هفت دور یا بیشتر بجا آورد، طواف را اعاده کند. مسأله ۴۷۱ اگر در وسط طواف از قصد هفت دور برگشت (چه قصد کرده باشد کمتر انجام دهد، و یا بیشتر) از همانجا که چنین نیتی کرده طوافش باطل است. و احتیاط آن است که طواف را به نیت صحیح تمام کرده، و سپس اعاده کند، و اگر با این قصد زیادتر از هفت شوط انجام دهد، اصل طواف باطل می شود. مسأله ۴۷۲ چنانچه شخصی گمان کند همانطور که هفت دور طواف مستحب است، یک دور هم استحباب دارد، و قصد کند هفت دور طواف واجب کند، و یک دور مستحب هم به دنبال آن انجام دهد، یا به همین نیت هشت دور طواف کند، طوافش صحیح است، ولی آن یک دور بی فایده و باطل است؛ زیرا طواف، کمتر از هفت دور نیست. سؤال ۴۷۳ شخصی چند متر از یک شوط طواف را خراب کرده، و

چون محلّ دقیق آن را نمی دانسته آن را رها نموده، و یک شوط دیگر از حجر الاسود شروع و به آنجا ختم کرده است. اگر نیت او این باشد که آنچه خراب شده به نحو صحیح انجام شود، و زیادی قبلی و بعدی به عنوان مقدّمه علمیّه باشد، طوافش چه حکمی دارد؟ جواب: طوافش صحیح است، مگر این که بعد از خراب شدن آن شوط، آن قسمت طواف را ادامه داده باشد که در این صورت طواف اشکال دارد. سؤال ۴۷۴ کودک نابالغی با اجازه پدرش محرم شده، و طواف را نیمه کاره رها کرده، به تصوّر این که همان مقدار کافی است، و سعی را نیز از طبقه دوم انجام داده است. اکنون تکلیف او چیست؟ جواب: سعی و طوافش باطل است. باید طواف و نماز و سعی را اعاده نموده، سپس تقصیر نماید. سؤال ۴۷۵ شخصی پس از تمام شدن هفت دور طواف، دو دور دیگر برای جبران نقص احتمالی به قصد احتیاط به جا می آورد. آیا این عمل ضرری به طوافش می رساند؟ جواب: طواف او اشکالی ندارد. سؤال ۴۷۶ شخصی به هنگام سعی بین صفا و مروه متوجّه می شود بیش از هفت دور طواف کرده است. وظیفه او چیست؟ جواب: احتیاط آن است که سعی را تکمیل نموده، سپس طواف و نماز طواف و سعی را دوباره بجا آورد، و پس از آن تقصیر کند. سؤال ۴۷۷ اگر هنگام خروج از محلّ طواف بعد از دور هفتم، مقداری از مسافت را به قصد آن که جزء طواف باشد به جا آورد، چه حکمی دارد؟ جواب: اگر عمدی باشد،

طواف باطل می شود، و اگر سهوی باشد باید قطع کند، و طواف صحیح است.

## قران در طواف

مسأله ۴۷۸ «قران»، یعنی دو طواف را پشت سر هم بجا آوردن بی آن که در وسط آن نماز طواف بخواند، اگر در طواف واجب باشد حرام است، ولی طواف اول باطل نمی شود؛ مگر این که از آغاز چنین قصدی داشته باشد، که در این صورت صحیح بودن طواف اول او مشکل است. مسأله ۴۷۹ «قران» در طواف مستحب مکروه است، ولی حرام و باطل نیست. مسأله ۴۸۰ اگر شخص محرم یک دور، یا کمتر، یا بیشتر، بر هفت دور بیفزاید، و قصدش این باشد که مقدار اضافه جزء آن طواف نباشد، حکم قران میان دو طواف را دارد که حرام است، ولی طواف اول باطل نیست. سؤال ۴۸۱ زنی به همراه شوهرش، که یک دور طواف را انجام داده بود، شروع به طواف می کند، و پس از اتمام طواف همسرش، که دور ششم او بوده، طواف را از سر می گیرد، و هفت دور دیگر می زند. طواف اول و دوم زن چه حکمی دارد؟ جواب: طوافی را که از سر گرفته صحیح است. سؤال ۴۸۲ آیا «قران در طواف» که حرام است، طواف را نیز باطل می کند؟ جواب: اگر از اول یا در وسط طواف اول، قصد قران داشته احتیاط در اعاده طواف است، و اگر بعد از تمام شدن طواف اول قصد قران کرده، طواف اول باطل نمی شود. سؤال ۴۸۳ شخصی پس از انجام هفت دور طواف عمره مفرده، با خود می گوید: «این طواف دلچسب نشد» بدین جهت و بدون خواندن نماز



طواف، هفت دور دیگر طواف می کند، سپس نماز و سعی را انجام داده، و تقصیر می کند. آیا عمل او صحیح است؟ جواب: عمل او صحیح است؛ هر چند ناآگاهانه داخل در قران حرام شده است.

### شک در طواف

مسأله ۴۸۴ اگر بعد از فراغت از طواف، در عدد دورهای طواف یا شرایط طواف مانند وضو و غیره شک کند اعتنا نمی کند. مسأله ۴۸۵ هر گاه بعد از رسیدن به «حجر الاسود» شک کند هفت دور به جا آورده، یا هشت دور، یا بیشتر، نباید اعتنا کند، و طوافش صحیح است. همچنین اگر در وسط دور شک کند که دور هفتم است یا بیشتر، آن دور را تمام کند، و طوافش صحیح است. مسأله ۴۸۶ اگر در آخر دور، یا در وسط دور، شک کند شش دور به جا آورده، یا هفت دور، طواف او بنابر احتیاط واجب باطل است، و باید آن را رها کرده، از نو شروع کند. همچنین است در هر موردی که یک طرف شک کمتر از هفت دور باشد؛ اما در طواف مستحب در این موارد بنابر کمتر می گذارد، و طواف را کامل می کند و طوافش صحیح است. مسأله ۴۸۷ شخص کثیر الشک که در طواف زیاد شک می کند نباید به شک خود اعتنا کند، و آن طرفی را که مناسبتر برای او است بگیرد؛ مثلاً اگر میان پنج و شش شک کند، بنابر شش می گذارد و اگر میان هفت و هشت شک کند، بنا را بر هفت می گذارد. مسأله ۴۸۸ ظن و گمان در مسائل گذشته در حکم شک است، و باید مطابق حکم شک

عمل کند. مسأله ۴۸۹ مانعی ندارد که انسان برای شمردن دورهای طواف به رفیق و همراه خود اعتماد کند (در صورتی که فرد مورد اعتمادی باشد). مسأله ۴۹۰ بعضی برای حفظ عدد دورهای طواف، دعای توسل و مانند آن را شروع می کنند، تا به هفتمین معصوم (علیه السلام) برسند. این کار مناسب نیست؛ به خصوص اگر با صدای بلند خوانده شود. بهتر است از اذکار دیگر استفاده شود. سؤال ۴۹۱ اگر فردی در طواف های متعدد هر بار در یک مورد شک می کند (در اشواط، در بطلان، طهارت، هل دادن) چه تکلیفی دارد؟ جواب: هرگاه کثیر الشک محسوب شود، اعتنا به شکش نکند. سؤال ۴۹۲ اگر در هنگام طواف در صحت دور سابق، یا قسمتی از دور فعلی که مشغول انجام آن است و محل آن گذشته شک کند، چه حکمی دارد؟ مثلاً مشغول انجام دور چهارم است و از حجر اسماعیل هم گذشته، ولی در صحت دور سوم شک دارد، یا در مورد دور چهارم شک دارد که از داخل حجر طواف کرده، یا از خارج آن دور زده است. اکنون وظیفه اش چیست؟ جواب: طوافش صحیح است. سؤال ۴۹۳ شخصی به هنگام انجام طواف در تعداد دورهای طواف شک کرد، و چون گمانش به یک طرف بیشتر بود بنا بر آن طرف گذاشت. پس از انجام اعمال، یقین به صحت طواف پیدا کرد. آیا طوافش صحیح است؟ جواب: صحیح است. سؤال ۴۹۴ اگر حاجی در حال طواف، یا سعی، شک کند که دور چندم طواف یا سعی است، و با همین حال عمل خویش را ادامه دهد، سپس به

یک طرف شک یقین پیدا کرده، و عمل را تمام نماید، آیا چنین عملی صحیح می باشد؟ جواب: اگر طواف یا سعی را به امید انجام وظیفه شرعی ادامه دهد، و بعد یقین پیدا کند اشکالی ندارد، و طواف و سعی او صحیح است. سؤال ۴۹۵ گاه انسان شک می کند که فلان شوط طواف را درست انجام داده، یا نه؟ آیا جایز است بعد از طواف یک شوط دیگر به عنوان احتیاط به جا آورد، سپس نماز طواف را بخواند؟ جواب: با قصد مذکور مانعی ندارد. سؤال ۴۹۶ شخصی در پایان یکی از دورهای طواف آن را رها کرده، و لحظه ای استراحت می کند. هنگامی که برای تکمیل آن برمی گردد شک می کند که شوط پنجم بوده، یا ششم؟ وظیفه اش را بیان فرمائید. جواب: احتیاط واجب آن است که آن طواف را رها کند، و از نو شروع نماید. سؤال ۴۹۷ معیار و ملاک کثیر الشک بودن در طواف چیست؟ جواب: کثیر الشک بودن یک امر عرفی است، یعنی مردم بگویند او بسیار شک می کند. سؤال ۴۹۸ کسی که با کاروان طواف می کند اگر همراهان می گویند هفت دور شده و خودش فکر می کند که شش دور انجام داده است یا بالعکس وظیفه او چیست؟ جواب: اگر از گفته دیگران اطمینان به تعداد دورها حاصل نکند باید به یقین خود عمل نماید، ولی اگر با گفته دیگران شک برایش حاصل شود طواف او باطل است.

### نیابت در طواف

مسأله ۴۹۹ طواف دادن شخصی که خود می تواند طواف کند با چرخ یا تخت روان مانعی ندارد. سؤال ۵۰۰ آیا

کسانی که قادر به انجام طواف نیستند باید نایب بگیرند؟ یا لازم است توسط چرخ، یا تخت های مخصوص طواف داده شوند؟ هر چند آنها را در خارج از محدوده، یا از طبقه بالا، طواف دهند؟ جواب: نیابت لازم نیست، و طواف به شکل مزبور صحیح است، و طواف از طبقه بالا به هنگام ضرورت مانعی ندارد. سؤال ۵۰۱ آیا قسمتی از طواف، برای کسانی که قادر نیستند تمام آن را خودشان انجام دهند، قابل نیابت هست؟ جواب: در صورت امکان آنها را در باقیمانده سوار بر چرخ و مانند آن طواف دهند، در غیر این صورت، برای تمام طواف نایب بگیرند. سؤال ۵۰۲ شخص ناتوانی که به خاطر گرانی نمی تواند طواف را بوسیله تخت روان و مانند آن انجام دهد، آیا می تواند نایب بگیرد؟ جواب: مانعی ندارد. سؤال ۵۰۳ آیا مُحرم می تواند قبل از انجام طواف واجب خود به نیابت از معذور طواف انجام دهد؟ جواب: مانعی ندارد. سؤال ۵۰۴ آیا کسی که فقط نیابت در طواف یا سعی می کند لازم است لباس احرام بپوشد؟ جواب: لازم نیست.

### دیگر سؤالات طواف

مسأله ۵۰۵ سخن گفتن و خندیدن در حال طواف، و حتی خوردن چیزی، طواف را باطل نمی کند ولی بهتر است در حال طواف (خواه واجب باشد، یا مستحب) سخنی جز ذکر خدا و دعا نداشته باشد، و با حضور قلب این عبادت بزرگ را انجام دهد، و از هر کاری که حضور قلب را می کاهد، پرهیز کند. سؤال ۵۰۶ اگر طواف، یا نماز طواف، یا سعی شخصی در عمره به جهتی باطل شده، و آن شخص بدون توجه به

این مطلب تقصیر نموده، و از احرام خارج شده باشد، سپس متوجه بطلان عمل مذکور گردد، چه وظیفه ای دارد؟ جواب: باید عمل باطل شده را جبران کند، ولی ظاهراً از احرام خارج شده، و کفاره ای ندارد. سؤال ۵۰۷ شخصی طواف عمره خویش را غلط انجام داده، و پس از آن، چندین طواف نیابی نیز به همان صورت به جا آورده است. تکلیف او در مورد طوافهای مذکور چیست؟ جواب: اگر از روی سهو و فراموشی باشد عمره او صحیح است، و اگر عمدتاً یا جهلاً بوده، عمره او اشکال دارد. طواف های نیابی نیز همین حکم را دارد. سؤال ۵۰۸ هرگاه محرم لباس احرام را کنار بگذارد و اعمال عمره، نظیر طواف و سعی، را جهلاً یا عمدتاً با لباس دوخته انجام دهد، اعمالش چه حکمی دارد؟ جواب: طواف و سعی مزبور صحیح، و عمره مذکور مُجزی است، ولی اگر عمدتاً باشد کفاره دارد. سؤال ۵۰۹ به هنگام طواف، و بر اثر فشار و ازدحام، بعضی از وسائل طواف کنندگان مثل ساعت، انگشتر، احرامی، شانه و مانند آن، روی زمین و زیر دست و پای طواف کنندگان می افتد، که برداشتن آن خطرناک است. بعضی از طواف کنندگان پا روی آن می گذارند. آیا این عمل ضرری به طواف آنها می زند؟ جواب: اشکالی ندارد، ولی عمدتاً پا روی آن نگذارند. سؤال ۵۱۰ اگر انسان هنگام طواف پا روی احرامی دیگران بگذارد، و بداند این کار موجب اذیت و آزار صاحب آن می شود، طوافش چه حکمی دارد؟ جواب: به طواف ضرری نمی زند، ولی عمدتاً این کار را نکند.

سؤال ۵۱۱ حجاج

اهل سنت هنگام طواف وقتی به محاذی حجرالاسود می‌رسند، دستها را بلند کرده و تکبیر می‌گویند، و سپس به طواف خود ادامه می‌دهند. آیا این کار طبق نظر علمای شیعه نیز سفارش شده است؟ جواب: این کار سفارش نشده است. سؤال ۵۱۲ گاه در حال طواف تماس با بدن نامحرم حاصل می‌شود آیا ضرری برای طواف ندارد؟ جواب: طواف او باطل نمی‌شود، و کفاره ای هم ندارد، حتی اگر خدای نکرده از روی عمد باشد، ولی باید مراقب دام‌های شیطان بود. سؤال ۵۱۳ نظر به اهمیت اعمال حج، به خصوص طوافها و نماز آن، بعضی از حج‌اج پاره ای از اعمال را، هر چند ظاهراً نقصی ندارد، احتیاطاً چند بار انجام می‌دهند. چه حکمی دارد؟ جواب: نباید گرفتار وسواس شد، ولی انجام عمل احتیاطی بدون وسوسه مانعی ندارد.

### ۳ نماز طواف

#### نماز طواف

مسئله ۵۱۴ واجب است بعد از طواف واجب، دو رکعت نماز بخواند، و احتیاط واجب آن است که این نماز را پشت مقام ابراهیم بجا آورد، ولی لازم نیست متصل به آن باشد، بلکه همین اندازه که بگویند پشت مقام ابراهیم بجا آورده کافی است.

#### محل نماز طواف

مسئله ۵۱۵ محل نماز طواف واجب چنانکه گفتیم پشت مقام ابراهیم است، ولی اگر فشار جمعیت زیاد باشد، می‌تواند در یکی از دو طرف مقام ابراهیم، یا عقب تر از مقام، نماز بخواند، به خصوص در مواقعی که جمعیت طواف کننده به قدری زیاد است که صفوف طواف کنندگان به پشت مقام ابراهیم می‌رسد، و خواندن نماز در آنجا مشکل می‌شود، در این حال نباید اصرار بر خواندن نماز در نزدیکی مقام ابراهیم داشت، بلکه باید در جایی که این مشکل وجود ندارد خوانده شود، و کارهایی که بعضی از عوام انجام می‌دهند، مانند این که گروهی دست به دست هم می‌دهند، و حریمی برای نماز گزاران مورد نظر درست می‌کنند، هیچ ضرورتی ندارد و اگر برای طواف کنندگان، یا سایر نماز گزاران ایجاد مزاحمت کند، خالی از اشکال نیست بلکه باید عقب تر بروند تا جایی که مزاحم طواف کنندگان نباشد. سؤال ۵۱۶ این که فرموده اید: «واجب آن است که نماز طواف را پشت مقام بجا آورند» پشت مقام تا چه اندازه است، آیا می‌توان حدّ معینی برای آن فرض کرد؟ جواب: این امر عرفی است، یعنی مردم بگویند نماز او پشت مقام است. سؤال ۵۱۷ شخصی با اعتقاد به این که حجر اسماعیل مقام ابراهیم است، نمازش را

در آنجا بجا آورده است. وظیفه اش چیست؟ اگر بعد از تقصیر متوجه شود، آیا اعمال بعد از نماز هم باید اعاده گردد؟  
جواب: باید نمازش را در پشت مقام ابراهیم اعاده کند، و اعاده اعمال بعد لازم نیست. سؤال ۵۱۸ آیا نماز در پشت مقام ابراهیم حکم تکلیفی است، یا وضعی؟ به عبارت دیگر، اگر کسی (مثلاً) نمازش را نزدیک دیوار زمزم بخواند، آیا نمازش باطل است، یا فقط معصیت کرده، ولی نماز صحیح است؟ جواب: خواندن نماز طواف واجب پشت مقام ابراهیم جزء شرایط است، و جنبه حکم وضعی دارد، ولی اگر بر اثر ازدحام نتواند نماز را پشت مقام بخواند، تا جایی که مزاحمتی برای طواف کنندگان نداشته باشد عقب تر می رود. سؤال ۵۱۹ هرگاه فردی به خاطر ازدحام یا نزدیک شدن وقت نمازهای واجب نتواند نماز طواف را پشت مقام بخواند، آیا باید صبر کند تا خلوت شود، یا می تواند فوراً نمازش را در جایی که مقدور است بخواند، ولو در ساعت های بعد، در جای نزدیکتر می تواند اعاده نماید؟ جواب: می تواند در جایی که مقدور است بخواند، و صبر کردن برای نزدیکتر خواندن لازم نیست.

سؤال ۵۲۰ اگر کسی نماز طواف را در مکانی غیر از مقام ابراهیم بخواند، و با اعتقاد به صحت آن، بقیه اعمال را انجام دهد، وظیفه او چیست؟ جواب: فقط باید نماز را اعاده کند. سؤال ۵۲۱ در یکی از روزنامه های عربستان مقاله ای تحت عنوان: «آیا جابجایی مقام ابراهیم مناسب است؟» به چاپ رسیده، و مطالبی در مورد لزوم این کار به منظور رفع مانع برای طواف کنندگان مطرح

شده است. لطفاً بفرمائید: الف) چنین اقدامی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟ جواب: جابجایی مقام ابراهیم ضرری به امر طواف نمی زند؛ زیرا جایز است طواف در دو طرف مقام ابراهیم انجام شود؛ اما از آنجا که مقام ابراهیم معیاری برای محلّ نماز «طواف واجب» است، و این تغییر سبب می شود که معیار مزبور به هم بخورد، تغییر آن شرعاً مجاز نیست. ب) در صورت عملی شدن این طرح، تکلیف حجّاج در مورد طواف و نماز طواف چیست؟ جواب: همان طور که گذشت برای طواف مشکلی ایجاد نمی شود؛ زیرا طواف در پشت مقام نیز جایز است؛ اما اگر خدایی نکرده آنها اقدام به چنین کار خلافی کنند، زائران باید محلّ تقریبی فعلی آن را برای نماز «طواف واجب» در نظر بگیرند، و طبق آن عمل کنند. سؤال ۵۲۲ گاه انسان می داند که اگر نماز طواف را شروع کند، طواف کنندگان او را حرکت داده، جا بجا می کنند؛ ولی در عین حال نماز را شروع می کند. اگر این نماز را تمام کند صحیح است؟ جواب: اگر به امید این که بتواند آن را کامل کند انجام داده، و او را جا به جا نکردند، نماز او صحیح است، و اگر کمی جا به جا کنند، به طوری که صورت نماز به هم نخورد، و در حال جا به جایی سکوت کند، آن نیز مانعی ندارد. سؤال ۵۲۳ شخصی مشغول نماز طواف بود که طواف کنندگان او را حرکت دادند. پس از استقرار ذکری را که در حال حرکت خوانده بود تکرار کرد، ولی دوباره او را حرکت دادند، او نیز



ذکر را تکرار کرد. آیا نمازش صحیح است؟ جواب: اگر طوری حرکت داده اند که استقرار او از بین رفته، تکرار ذکر مانعی ندارد؛ در غیر این صورت، تنها به قصد احتیاط تکرار کند، به شرط آن که از روی وسواس نباشد. سؤال ۵۲۴ هنگامی که قسمتی از زمین مسجد الحرام نجس می شود، کارکنان آنجا اقدام به تطهیر آن به روش غیر صحیح می کنند. آیا نماز خواندن بر روی آن قسمت از زمین، که به روش فوق تطهیر شده و هنوز مرطوب است، جایز است؟ جواب: احتیاط آن است که در مکان دیگری نماز بخواند؛ ولی اگر یقین به نادرستی روش آنها ندارد اشکالی ندارد، و جستجو در این امور لازم نیست. سؤال ۵۲۵ آیا در نماز طواف رعایت تقدّم و تأخر بین مرد و زن لازم است؟ جواب: لازم نیست ولی اگر به سهولت بتوان این مطلب را رعایت کرد، احتیاط رعایت آن است. سؤال ۵۲۶ در موقع نماز طواف امکان ندارد که مردان و زنان طوری بایستند که محاذی هم نباشند، یا زنان جلوتر از مردان مشغول نماز نشوند. در این صورت نماز چه حکمی دارد؟

جواب: در این شرایط اشکالی ندارد. سؤال ۵۲۷ آیا طواف عمره مفرده مستحب، حکم طواف واجب را دارد، که باید نماز آن پشت مقام ابراهیم باشد یا حکم طواف مستحبی را دارد که می توان در هر جای مسجد الحرام آن را خواند؟ جواب: حکم طواف واجب را دارد و باید نماز آن پشت مقام ابراهیم باشد، البته به مقداری که میسر است.

### کیفیت نماز طواف

مسأله ۵۲۸ نماز طواف را می توان بلند یا آهسته خواند،

و اذان و اقامه ندارد، و در چیزهای دیگر شبیه نماز صبح است؛ ولی بنابر احتیاط واجب، جماعت در نماز طواف مشروع نیست. مسأله ۵۲۹ در نماز طواف هر سوره ای، جز سوره های سجده را می توان خواند؛ ولی مستحب است در رکعت اول پس از حمد سوره «توحید» و در رکعت دوم سوره «کافرون» را بخواند. سؤال ۵۳۰ اگر خانمی اذکار نماز طواف را به قدری بلند بخواند که نامحرم بشنود، چه حکمی دارد؟ جواب: مانعی ندارد، ولی بهتر است آهسته تر بخواند.

سؤال ۵۳۱ آیا روحانی کاروان، که نماز طوافش را به صورت فرادی خوانده، می تواند همان نماز را مانند نمازهای یومیّه، به نیت جماعت برای افراد کاروان امامت کند؟ جواب: بنابر احتیاط واجب نماز طواف را نمی توان با جماعت خواند.

### اصلاح قرائت نماز

مسأله ۵۳۲ بر هر مکلفی واجب است قرائت نماز خود را یاد بگیرد؛ یعنی حمد و سوره و سایر ذکرهای نماز را به طور صحیح بخواند؛ ولی اگر به علت بیسوادی، یا علل دیگر، بعد از تلاش لازم نتوانست قرائت را به طور کامل بخواند، همان مقدار که می تواند کافی است، و اگر می تواند یاد بگیرد، اما کوتاهی کند، معصیت نموده است، ولی اگر وقت تنگ باشد، و فرصت برای یاد گرفتن نباشد، باید به همان مقدار که توانایی دارد نمازها و از جمله نماز طواف را بخواند، و نایب گرفتن لازم نیست. مسأله ۵۳۳ اگر کسی نمی داند که قرائت نمازش درست نیست، و در نادانی خود معذور باشد، نمازش صحیح است، و اعاده ندارد؛ اما اگر مقصّر بوده، لازم است پس از درست کردن

قرائت، نمازش را اعاده کند؛ و گرنه معصیت کرده است. مسأله ۵۳۴ همه نمازها را باید با قرائت صحیح انجام داد. زائران خانه خدا باید از فرصت استفاده کنند، و به هنگام اراده این سفر بزرگ روحانی، قرائت نماز خود را برای اهل علم بخوانند، و اگر ایرادی دارد برطرف نمایند، تا اعمال آنها از هر نظر خالی از اشکال باشد. مسأله ۵۳۵ برای صحیح بودن قرائت، دقتهای علمای تجوید شرط نیست؛ همین اندازه که در عرف عرب بگویند کلمات را صحیح ادا می کند کافی است. سؤال ۵۳۶ شخصی که نمازش غلطهای فراوانی دارد، و به احرام عمره مفرده محرم شده، و وارد مکه می شود، و (مثلاً) هفت روز در مکه توقف می کند. آیا واجب است تا آخر وقت در احرام بماند و نمازش را اصلاح نماید، سپس شروع به طواف و نماز کند، یا وظیفه دیگری دارد؟ جواب: لازم است صبر کند، و نمازش را به مقداری که می تواند اصلاح کند.

سؤال ۵۳۷ هرگاه شخصی مطمئن بوده که قرائت و اذکار نمازش را به طور صحیح انجام می داده، و نماز طواف را بر همان اساس خوانده است، اکنون معلوم شده که اشتباهاتی در قرائت نماز دارد. چه باید بکند؟ جواب: اگر احتمال غلط بودن آن را نمی داده، نمازش صحیح بوده است، ولی برای نمازهای روزانه آینده اشتباهاتش را اصلاح کند.

### **ترک نماز طواف**

مسأله ۵۳۸ هرگاه کسی از روی عمد نماز طواف را ترک کند، باید برگردد و بجا آورد، ولی اگر به موقع بجا نیآورد، عمره او باطل نیست؛ بلکه فقط گناه کرده و باید آن را جبران کند. مسأله

۵۳۹ اگر شخصی نماز طواف را بجا نیاورد و بمیرد، بر پسر بزرگ او واجب است که قضای آن را بجا آورد؛ و اگر شخص دیگری نیز بجا آورد کفایت می کند. مسأله ۵۴۰ هرگاه شخصی از روی سهو، یا جهل و ندانستن مسأله، نماز طواف واجب را ترک کند، در صورت امکان باید برگردد و نماز را پشت مقام بجا آورد، و اگر برگشتن برای او مشقت دارد، هر جا که هست نماز را بجا آورد؛ حتی اگر در وطن خود باشد. مسأله ۵۴۱ هرگاه نماز طواف را فراموش کند، و در حال سعی یادش بیاید، سعی را رها می کند، و برمی گردد نماز طواف را بجا می آورد، سپس سعی را از همان جا که رها کرده ادامه می دهد. مسأله ۵۴۲ هرگاه نماز طواف را فراموش کند، و اعمال پس از نماز را بجا آورد، و پس از توجه نماز طواف را انجام دهد، اعاده اعمال پس از نماز برای او لازم نیست؛ هر چند احتیاط مستحب در اعاده آن اعمال است.

### زمان نماز طواف

مسأله ۵۴۳ احتیاط واجب آن است که نماز طواف را بلافاصله بعد از طواف بجا آورد؛ مگر این که یادش برود، که حکم آن گفته شد. مسأله ۵۴۴ نماز طواف را در همه اوقات می توان خواند، مگر این که با وقت نماز واجب مزاحمت کند، به گونه ای که خواندن نماز طواف در آن وقت باعث از دست رفتن نماز واجب شود، که در این صورت باید نماز روزانه را مقدم داشت. مسأله ۵۴۵ هرگاه به واسطه مانعی مثل باطل شدن وضو، یا نجس شدن لباس

و بدن، یا ازدحام جمعیت برای نماز جماعت روزانه، و مانند آن نتواند نماز طواف را بلافاصله پس از طواف بجا آورد، بعد از رفع مانع بجا می آورد، و طواف و نمازش صحیح است. مسأله ۵۴۶ در احکامی که ذکر شد، جاهل به مسأله در حکم کسی است که فراموش کرده است. مسأله ۵۴۷ اگر مُحرَم نماز طواف را قبل از طواف خوانده، باید پس از انجام طواف آن را اعاده کند. سؤال ۵۴۸ آیا جایز است در میان طواف و نماز طواف، نماز مستحبی یا عبادت مستحبی دیگری بجا آورد؟ جواب: احتیاط در ترک آن، و اقدام به انجام نماز طواف است. سؤال ۵۴۹ آیا فاصله انداختن بین طواف و نماز آن، به مقدار دو رکعت نماز اشکال دارد، و اصولاً چه مقدار فاصله ضرر دارد؟ جواب: این مقدار اشکال ندارد، و میزان مبادرت عرفیه است، و در صورت تأخیر نماز، اعاده طواف لازم نیست. سؤال ۵۵۰ در مناسک فرموده اید باید نماز طواف را پس از طواف بدون فاصله بجا آورد؛ آیا فوریت نماز بعد از طواف، وضعی است یا تکلیفی و اگر شخص به فاصله مثلاً یک ساعت بعد از طواف نماز را بخواند، چه حکمی دارد؟ جواب: ظاهراً حکم وضعی است و اگر عمداً فاصله زیادی بیندازد، احتیاط آن است که طواف را اعاده کند و بعد از آن نماز طواف را بجا آورد.

### شک در نماز طواف

مسأله ۵۵۱ شک در رکعات نماز طواف موجب بطلان نماز است، و باید اعاده کند، و احتیاط واجب در ظنّ به رکعات اتمام، سپس اعاده است، و در ظنّ در افعال نماز، باید نماز گزار

احتیاط کند، و در سایر احکام، نماز طواف همانند نماز یومیّه است.

## وظیفه زنان حائض

سؤال ۵۵۲ خانمی برای عمره مفرده محرم شد و پس از ورود به مکه و انجام طواف و قبل از بجا آوردن نماز طواف حائض گردیده است، وظیفه اش چیست؟ جواب: اگر وقت دارد، صبر کند تا پاک شود و نماز طواف را بخواند و پس از آن بقیه اعمال را بجا آورد و چنانچه وقت تنگ است، کسی در نماز از او نیابت می کند، سپس سعی و تقصیر را انجام داده و برای طواف و نماز طواف نساء نیز نایب می گیرد.

## مسائل دیگر

سؤال ۵۵۳ آیا محمول نجس (همراه داشتن دستمال نجس، و امثال آن) در طواف و نماز طواف جایز است؟ جواب: پوشیدن لباسهایی که به تنهایی ستر عورت نمی کند، در طواف و نماز طواف اشکالی ندارد؛ همچنین محمول نجس و متنجس. سؤال ۵۵۴ وضوی شخصی پس از طواف باطل می شود، ولی بر اثر خجالت وضو نمی گیرد، و به همان شکل نماز طوافش را به جا آورده، و به دنبال آن سعی و تقصیر نموده، و از احرام خارج می شود. وظیفه او چیست؟ جواب: باید نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند.

سؤال ۵۵۵ گاه در پشت مقام ابراهیم ازدحام زیاد است، و چون زن و مرد در کنار هم هستند احیاناً مورد فشار ازدحام قرار می گیرند. در صورتی که خوف فسادی نرود، آیا به نماز طواف ضرری می زند؟ جواب: در فرض سؤال برای نماز ضرر ندارد.

## طوافهای مستحبی

مسأله ۵۵۶ یکی از مستحبات بسیار مؤکد برای کسانی که در مکه هستند طواف خانه خداست، که مانند طواف واجب هفت دور است، و بعد از آن دو رکعت نماز طواف خوانده می شود؛ ولی سعی صفا و مروه ندارد، و این از افضل عبادات در مسجدالحرام است. در حدیثی، امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: «در اطراف کعبه صد و بیست رحمت الهی وجود دارد. نیمی از آن مخصوص طواف کنندگان، و چهل قسمت از آن مربوط به نماز گزاران، و بیست قسمت دیگر، از آن نگاه کنندگان به کعبه است.» (۱) مسأله ۵۵۷ انسان می تواند به نیت خود، یا به نیت دوستانی که در مکه نیستند، اعم از اموات و غیر

اموات، این طواف را به جا آورد. مسأله ۵۵۸ طوافهای مستحب، بر عمره های متعدّد در یک ماه که به قصد رجا بجا می آورند، ترجیح دارد. مسأله ۵۵۹ طواف مستحب مانند طواف واجب است؛ ولی در موارد زیر تفاوت دارد: ۱ در طواف مستحب وضو شرط نیست؛ هر چند افضل آن است که با وضو باشد، ولی برای نماز طواف باید وضو بگیرد. ۲ نماز طواف مستحب را در هر جایی از مسجد الحرام می توان به جا آورد، و لازم نیست پشت مقام ابراهیم باشد؛ حتی در حال اختیار. ۳ موالات در طواف مستحب لازم نیست، و می تواند میان شوطهای آن جدایی بیندازد. ۴ قطع طواف نافله بدون عذر و ضرورت جایز است؛ اگر چه نخواهد بقیه اشواط را بجا آورد؛ اما طواف واجب، بنا بر احتیاط واجب، نباید در غیر موارد ضرورت قطع شود. ۵ شک در نقصان دوره های طواف مستحب اشکالی ندارد، و بنا را بر کمتر می گذارد. ۶ «قران» در طواف واجب جایز نیست؛ یعنی دو طواف را پشت سر هم بدون نماز نمی توان انجام داد، ولی در طواف مستحب جایز و مکروه است. ۷ قطع طواف مستحب در غیر موارد ضرورت نیز جایز است، و بعداً از هر کجا قطع کرده بقیه را به جا می آورد، و احتیاج به گذشتن از دور چهارم نیست. مسأله ۵۶۰ بهتر است در مواقعی که گروه زیادی مشغول انجام طواف واجب هستند، و ازدحام شدید است، از طواف مستحب خودداری شود. تا محلّ طواف در اختیار کسانی که طواف واجب می کنند

قرار گیرد. مسأله ۵۶۱ طواف مستحب وقت و تعداد معینی ندارد، و در هر موقع از شب یا روز می توان انجام داد. ولی هر طواف باید هفت دور باشد. مسأله ۵۶۲ طواف مستحب لباس احرام نمی خواهد، و سخن گفتن در آن (مانند طواف واجب)، جایز است. هر چند بهتر است که مشغول ذکر خدا باشد، یا دعا بخواند. مسأله ۵۶۳ بلند خواندن دعاها در طواف مستحب و واجب، به طوری که مزاحمت برای دیگران فراهم شود، کار درستی نیست.

سؤال ۵۶۴ هرگاه زنان در طوافهای مستحبی بدانند که چشم آنها به بدن مردان می افتد، و امکان دارد در بین فشار مردان هم قرار گیرند، طوافشان چه حکمی دارد؟ جواب: اگر عمداً و از روی اختیار نگاه نکنند اشکال ندارد ولی بهتر است در ازدحام مراعات کنند. سؤال ۵۶۵ آیا در طوافهای مستحبی هم ختنه شرط است؟ جواب: آری، شرط است. سؤال ۵۶۶ آیا می توان فقط طواف مستحبی انجام داد و نماز آن را نخواند؟ جواب: احتیاط آن است که نماز آن هم خوانده شود. سؤال ۵۶۷ آیا می توان هر دور از دوره های هفت گانه طواف مستحب را به نیت یکی از مؤمنین به جا آورد، یا باید مجموع هفت شوط را برای یکی نفر انجام داد؟ جواب: نیابت در یک شوط صحیح نیست، ولی می تواند مجموع را به نیت چند نفر انجام دهد و ثواب هر شوط را به یک نفر اهدا کند. ۱. وسائل الشیعه، جلد ۹، صفحه ۳۹۸.



## ۴ سعی صفا و مروه

### سعی صفا و مروه

مسأله ۵۶۸ سعی صفا و مروه از واجبات «عمره مفرده» است، و منظور از آن رفت و آمد میان این دو کوه کوچک است. از «صفا» به سوی «مروه» می رود، و از «مروه» به «صفا» باز می گردد، تا هفت دور تمام شود (رفتن از یکی به دیگری یک دور حساب می شود). بنابراین، چهار بار از صفا به مروه می رود، و سه بار باز می گردد، و دفعه چهارم باز نمی گردد، که در مجموع هفت دور می شود.

### واجبات سعی

### واجبات سعی

مسأله ۵۶۹ در سعی چند چیز واجب است: اول: نیت، دوم: شروع از صفا، سوم: ختم کردن به مروه، چهارم: هفت دور تمام، پنجم: سعی داخل در مسعی انجام گیرد، ششم: به صورت متعارف انجام گیرد، هفتم: غصبی نبودن لباس، ستر عورت در مردان و حجاب در زنان.

### نیت

مسأله ۵۷۰ واجب است سعی را با «قصد» و برای رضای خدا انجام دهد، و همین اندازه که اجمالاً بدانند چه می کند، و برای حج یا عمره سعی می نماید، کافی است، و گفتن به زبان لازم نیست.

### ۲ شروع از «صفا»

مسأله ۵۷۱ اگر سعی را سهواً از مروه شروع کند، هر وقت فهمید باید اعاده نماید، و در صورتی که در بین سعی بفهمد، چنانچه آن دور را که از مروه شروع کرده نادیده بگیرد، و بقیه را تکمیل کند، کفایت می کند. سؤال ۵۷۲ اگر شخصی سعی خود را از مروه شروع کند و به صفا ختم نماید، و پس از چند روز به اشتباه خود پی ببرد، وظیفه اش چیست؟ جواب: چنانچه به خاطر ندانستن مسأله باشد، باید سعی را از نو به جا آورد، و اگر از روی سهو و فراموشی باشد، کافی است یک دور از صفا به مروه برود، و احتیاط مستحب آن است که هفت دور به قصد ما فی الذمه بجا آورد. سؤال ۵۷۳ وظیفه کسی که سعی را از مروه آغاز کرده چیست؟ جواب: در صورتی که شوط اول را اسقاط کند، سپس بقیه را تکمیل نماید تا این که هفت دور به مروه خاتمه یابد، سعی او صحیح است.

### ۳ ختم کردن به «مروه»

مسأله ۵۷۴ رفتن از صفا به مروه (۱) یک دور، و بازگشت از آن، دور دوم حساب می شود. بنابراین، دور هفتم به مروه ختم می شود.

مسأله ۵۷۵ باید سعی صفا و مروه هفت دور تمام باشد، نه کمتر و نه بیشتر.

مسأله ۵۷۶ باید تمام فاصله میان این دو کوه کوچک را بپیماید، و با توجه به این که در حال حاضر قسمتی از دامنه این دو کوه با سنگ پوشانیده شده، همین اندازه که سر بالایی را بپیماید کافی است. بنابراین، لازم نیست به قسمت لخت کوه برود، و پای خود را به آن بچسباند، و کارهای نادرستی را (مانند بالا رفتن از کوه) که بعضی عوام انجام می دهند، انجام ندهد. مسأله ۵۷۷ اگر کسی عمداً سعی را کم یا زیاد کند، سعی او باطل است، و اگر سهواً باشد، در صورت نقصان، پیش از آن که موالات از بین برود کامل می کند، و در صورت زیادی، زیادی سهوی ضرری ندارد. مسأله ۵۷۸ کسی که می دانسته باید هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی کند، و با همین نیت از صفا شروع کرده، ولی رفت و برگشت را یک دور حساب نموده، و در نتیجه چهارده دور سعی کرده، احتیاط آن است سعی را اعاده کند، و این احتیاط ترک نشود. مسأله ۵۷۹ هرگاه سعی را عمداً زیادتر از هفت مرتبه به قصد سعی واجب بجا آورد، سعی او باطل است، و اگر سهواً یک دور یا کمتر یا بیشتر اضافه کند، و بعد به خاطرش بیاید اعتنا نمی کند، و سعی او صحیح است، و نیازی نیست که مقدار

زیادی را تا هفت دور تمام کند؛ بلکه احتیاط در ترک این کار است. مسأله ۵۸۰ هرگاه از روی ندانستن مسأله چیزی بر هفت دور اضافه کند، حکمش مانند صورت عمد است؛ یعنی سعی را از نو بجا می آورد. مسأله ۵۸۱ هرگاه از روی سهو و فراموشی چیزی از سعی را کم کند، خواه قبل از اتمام چهار دور باشد یا پس از آن، هر وقت به خاطرش آمد کمبود را به جا می آورد، و سعی او صحیح است، و اگر از مکه خارج شده یا به وطن بازگشته، و برگشتن به مکه برای او مشقت دارد، نایب می گیرد، و کفاره ای هم ندارد؛ هر چند کارهایی را که بر محرم حرام است انجام داده باشد. مسأله ۵۸۲ هرگاه شخصی کمتر از یک دور سعی کرد و بقیه را فراموش نمود، احتیاط واجب آن است که هر وقت یادش آمد سعی را از سر بگیرد، و اگر یک دور را کامل نمود و بقیه را فراموش کرد، جایز است همان سعی را تکمیل کند، ولی اگر چهار دور را تمام نکرده، احتیاط مستحب آن است که سعی را تکمیل کند، سپس از سر بگیرد.

مسأله ۵۸۳ هرگاه یقین داشته باشد که سعی را ناقص بجا آورده، مثلاً شش دور یا کمتر بوده، بر می گردد و آنچه را می داند ناقص گذاشته تکمیل می کند، و سعی او صحیح است. سؤال ۵۸۴ شخصی به اعتقاد این که رفتن از صفا به مروه، و بازگشت به صفا مجموعاً یک دور حساب می شود، سعی خود را شروع کرده، ولی در دور سوم متوجه خطایش

می شود، و سعی را به هفت دور (طبق آنچه در مناسک آمده) خاتمه می دهد. سعی او چه حکمی دارد؟ جواب: سعی او صحیح است. سؤال ۵۸۵ ابتدای کوه صفا و مروه بر اثر تعمیرات و سنگ فرش درست روشن نیست. کارکنان مسجد الحرام با گرفتن حقّ الزحمه از حجّاج پیر و مریض، آنها را با چرخ سعی می دهند؛ ولی زودتر از دور حجّاج پیاده دور می زنند. تکلیف این افراد چیست؟ جواب: قسمت سربالائی مفروش جزء کوه است، و مسیری را که چرخها طی می کنند قطعاً روی کوه صفا و مروه است، و هیچ اشکالی ندارد. سؤال ۵۸۶ تصوّر می کردم رفتن بالای کوه صفا و مروه لازم است، و چون این مقدار مسافت را بر اثر فشار جمعیت بی اختیار بالا رفته بودم، به محلّ سعی برگشتم، و آن قسمت را دوباره انجام دادم، و در حقیقت مقداری از مسافت را دو بار طی کردم. آیا سعی من صحیح است؟ جواب: اگر به نیت احتیاط عمل کرده اید ضرری ندارد؛ ولی رفتن روی کوه و حتی بالای کوه واجب نیست. سؤال ۵۸۷ شخصی رفت و برگشت بین صفا و مروه را یک دور حساب کرده، و بدین شکل پنج بار، که در مجموع ده شوط می شود، سعی کرده است، سپس متوجّه مسأله شده، و سعی را از همان جا قطع کرده، و تقصیر نموده است. وظیفه اش چیست؟ جواب: سعی او باطل است، و سعی را باید از نو شروع کند. سؤال ۵۸۸ هرگاه شخصی سهواً سعی را بیش از هفت دور انجام دهد، باید چه کند؟ جواب: به

زیادی اعتنا نمی کند، و سعی او صحیح است. سؤال ۵۸۹ زیادی در سعی بر اثر جهل به مسأله، حکم زیادی سهوی را دارد، یا در حکم زیادی عمدی است؟

جواب: حکم زیادی عمدی را دارد، و باید از نو به جا آورد. سؤال ۵۹۰ اگر شخصی یقین کند هفت شوط سعی را تمام کرده و تقصیر کند؛ ولی پس از آن متوجه شود که تنها پنج شوط بجا آورده است. آیا باید کل سعی را دوباره بجا آورد، یا انجام همان دو شوط کافی است؟ آیا لازم است تقصیر را نیز اعاده کند؟ جواب: باید همان سعی را تکمیل کند، و بنابر احتیاط واجب تقصیر را اعاده نماید. سؤال ۵۹۱ شخصی سه شوط سعی را بجا آورده، سپس آن را رها کرده، و با فاصله اندکی هفت شوط دیگر انجام داده، سپس تقصیر نموده است. آیا سعی وی صحیح است؟ جواب: آری صحیح است. ۱. چنانکه گفته شد صفا و مروه دو کوه کوچک نزدیک مسجد الحرام است، که هنگام بیرون آمدن از مسجد از طرف صفا و مروه «صفا» در طرف راست، و «مروه» در سمت چپ قرار دارد. بنابراین، حاجی نخست به صفا آمده، و از آن شروع می کند.

### ۵ سعی در داخل مسعی انجام گیرد

مسأله ۵۹۲ سعی میان صفا و مروه باید از طریق معمول باشد. بنابراین، اگر قسمتی از سعی را از داخل مسجد الحرام، یا فضای بیرون انجام دهد، درست نیست.

مسأله ۵۹۳ سعی از طبقه بالا، که امروز ساخته شده و بالاتر از دو کوه صفا و مروه قرار دارد، اشکال دارد؛ مگر این که بر اثر ازدحام یا غیر آن،

نتواند از طبقه پائین سعی را به جا آورد، در این صورت سعی در طبقه بالا جایز است، و احتیاط این است که در این صورت برای طبقه پایین هم نایب بگیرد. مسأله ۵۹۴ اگر طبقه زیرزمینی درست شود، و کوه صفا و مروه ریشه دار باشد، و سعی بین آن دو کوه واقع شود، صحیح است، ولی احتیاط آن است که حتی الامکان از طبقه همکف سعی کند. سؤال ۵۹۵ همان گونه که اطلاع دارید در سعی صفا و مروه، حجاج از یک طرف می روند و از سمت دیگر باز می گردند؛ یعنی انتهای مسیر رفت با ابتدای مسیر بازگشت چند متر فاصله دارد، اگر شخصی از همان مسیری که رفته بازگردد چه حکمی دارد؟ جواب: اشکالی ندارد؛ ولی نباید مزاحم دیگران شود. سؤال ۵۹۶ با توجه به این که در روزهای شلوغ، بر اثر ازدحام زیاد حجاج، مامورین مانع می شوند که معذورین را با چرخ در طبقه پایین سعی دهند، آیا می توان آنها را در طبقه بالا با چرخ سعی داد؟

جواب: در فرض سؤال مانعی ندارد.

### ۶ سعی به صورت متعارف انجام گیرد

مسأله ۵۹۷ واجب است هنگام رفتن به مروه رو به مروه، و هنگام برگشتن به صفا، رو به صفا باشد. مسأله ۵۹۸ اگر کسی به هنگام رفتن به مروه به عکس باشد (یعنی موقع رفتن به سوی مروه پشت به آن کرده عقب عقب برود، یا روی دست راست یا دست چپ حرکت کند) سعی او صحیح نیست؛ اما این مسأله نباید موجب وسواس شود؛ بلکه همین اندازه که مطابق معمول حرکت کند کافی است، هر چند صورت خود را به راست و چپ

برگرداند، یا مثلاً- برای ملاحظه همراهان گاهی به عقب سر نگاه کند. سؤال ۵۹۹ شخصی به هنگام سعی، جهت کنترل همراهان خود گاهی به عقب بر می گشته، و مجدداً همان مسافت را طی می کرده است. آیا سعی او اشکال دارد؟ جواب: اشکال ندارد و اعاده لازم نیست؛ ولی بهتر است این کار را نکند.

سؤال ۶۰۰ شخصی به هنگام سعی، گاهی عقب عقب به طرف مروه یا صفا حرکت کرده است. تکلیفش چیست؟ جواب: می تواند برگردد و جبران نماید، و سعی او اشکال ندارد. سؤال ۶۰۱ کودکی، که محرم به احرام عمره مفرده بوده، گاه به هنگام سعی می دویده، و گاه به عقب بر می گشته، و با همین وضعیت اعمال عمره را به پایان برده، ولی قصد سعی را داشته است. اکنون چه وظیفه ای دارد؟ جواب: اشکالی ندارد.

## ۷ غصبی نبودن لباس، ستر عورت در مردان و حجاب در زنان

مسأله ۶۰۲ برای صحت سعی احتیاط واجب آن است که لباس انسان غصبی نباشد، و ستر عورت در مردان و حجاب برای زنان لازم است.

## زمان انجام سعی

مسأله ۶۰۳ واجب است سعی را پس از انجام نماز طواف بجا آورد.

مسأله ۶۰۴ لازم نیست سعی را بلافاصله بعد از طواف و نماز آن بجا آورد؛ بلکه اگر خسته شود، یا هوا گرم باشد، می تواند آن را تا ساعتها به تأخیر اندازد. حتی بدون خستگی و گرما نیز تأخیر جایز است؛ ولی تأخیر آن تا فردا بدون ضرورت جایز نیست، و اگر تأخیر انداخت، گناه کرده، ولی سعی او باطل نخواهد شد. مسأله ۶۰۵ اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله سعی را بر طواف مقدم دارد، احتیاط واجب آن است بعد از انجام طواف و نماز طواف سعی را دوباره بجا آورد. سؤال ۶۰۶ یکی از دوستانم طواف و نماز طواف را انجام داد، و سعی را به روز بعد، یا روزهای آینده، محول کرد. آیا این تأخیر ضرر دارد، و باید طواف و نماز آن را دوباره بجا آورد؟ جواب: اعاده لازم نیست، ولی کار خلافی کرده؛ زیرا نباید سعی را اختیاراتاً به روز بعد موکول کند.

## احکام سعی

### ترک سعی

مسأله ۶۰۷ سعی از ارکان است، اگر کسی عمداً آن را ترک کند، اعمال مترتبه باطل است و بر احرام باقی است تا آن را بجا آورد. مسأله ۶۰۸ اگر ترک سعی از روی جهل و نادانی نسبت به مسأله بوده، احتیاط واجب آن است که همان حکم عمد را که در مسأله قبل گفته شد اجرا کند؛ اما اگر از روی سهو و فراموشی ترک کند، باید هر وقت یادش آمد برگردد و آن را به جا آورد؛ و اگر برگشتن برای او مشقت دارد، نایب می گیرد تا

برای او به جا آوردن و در این مدت چیزی بر او حرام نیست. سؤال ۶۰۹ شخصی در دور پنجم سعی عمره مفرده بیمار شده، و نتوانسته اعمال عمره را به پایان برساند. بیماری اش شدت یافته، و به ایران منتقل می شود، و پس از بهبودی نتوانسته به مکه بازگردد، وظیفه او چیست؟ جواب: در صورتی که خودش نتواند به مکه بازگردد، شخصی را نایب می کند که سعی ناتمام او را تمام نموده، و سپس آن را اعاده نماید، و بعد از آن به منوب عنه اطلاع دهد تا تقصیر کند، و نایب پس از تقصیر منوب عنه طواف نساء و نماز آن را انجام می دهد.

### قطع کردن سعی

مسأله ۶۱۰ هرگاه مشغول سعی صفا و مروه است و مقداری از آن را انجام داده خواه کم باشد یا زیاد و وقت نماز فرا رسد، سعی را قطع می کند، و نماز را بجا آورده، سپس باقیمانده سعی را انجام می دهد. مسأله ۶۱۱ هرگاه حاجت ضروری برای او، یا یکی از برادران و خواهران دینی پیدا شود، می تواند سعی را قطع کرده و به دنبال آن برود، و پس از بازگشت از همان جا که رها کرده ادامه می دهد، و سعی او صحیح است. همچنین کسی که خسته شده می تواند برای استراحت در وسط سعی بنشیند، و بعد برخیزد و ادامه دهد خواه در صفا باشد، یا در مروه، یا در میان آن دو، ولی بهتر است که بدون خستگی نشیند، و استراحت نکند. مسأله ۶۱۲ هرگاه مشغول سعی باشد و یادش بیاید که نماز طواف را بجا نیاورده،



بر می گردد و نماز طواف را نزد مقام ابراهیم می خواند، سپس سعی را از همان جا که رها کرده ادامه می دهد. مسأله ۶۱۳ احتیاط آن است که در غیر مواردی که در بالا گفته شد موالات را در سعی مراعات کند؛ یعنی هفت دور را بدون فاصله زیادی پشت سر هم بجا آورد. سؤال ۶۱۴ شخصی به هنگام سعی برای خوردن آب از مسیر منحرف شده، و پس از نوشیدن آب به سعی خود ادامه داده است. چه حکمی دارد؟ جواب: سعی او صحیح است، مشروط بر این که از همان جا که قطع کرده ادامه دهد. سؤال ۶۱۵ آیا موالات در تمام اشواط سعی معتبر است، یا اختصاص به قسمتی از آن دارد؟ جواب: احتیاط آن است که در غیر موارد استثنا شده، موالات عرفیه رعایت گردد. سؤال ۶۱۶ آیا موالات در سعی مانند طواف است؟ جواب: استراحت و نشستن در وسط سعی برای کسی که خسته شده، جایز است، ولی احتیاط واجب آن است که زیاد فاصله نشود.

### شک در سعی

مسأله ۶۱۷ هر گاه بعد از اتمام سعی و انجام تفصیر شک کند آیا هفت دور را صحیح بجا آورده، یا نه؟ یا سایر شرایط موجود بوده، یا نه؟ اعتنا نمی کند، ولی اگر قبل از تفصیر شک کند که ناقص بجا آورده یا کامل، باید سعی را از اول اعاده کند؛ اما اگر می داند هفت دور کامل را بجا آورده و شک در بیشتر دارد، سعی او صحیح است و اعتنا نمی کند. مسأله ۶۱۸ اگر بعد از اتمام سعی، یا اتمام هر دوری، شک کند که آن را درست

بجا آورده، یا نه؟ اعتنا نمی کند، و سعیش صحیح است. همچنین اگر در بین رفت و آمد، در صحیح بجا آوردن جزء پیش شک کند اعتنا ننماید. مسأله ۶۱۹ هرگاه در مروه شک کند هفت دور سعی نموده، یا زیاده‌تر (مثل این که شک بین هفت شوط و نه شوط نماید) اعتنا نمی کند، و اگر قبل از رسیدن به مروه شک کند که این دور هفتم است یا کمتر، سعی او باطل است. همچنین در هر شکی که کمتر از هفت دور باشد، مثل شک بین یک و سه، یا دو و چهار و مانند آن، سعی باطل است. مسأله ۶۲۰ اگر طواف را (مثلاً روز شنبه) بجا آورد، و روز بعد شک کند که سعی کرده یا نه، احتیاط انجام سعی است، مگر آن که پس از تقصیر شک نماید، که در این صورت لازم نیست سعی کند. سؤال ۶۲۱ اینجانب پس از تمام شدن شوط ششم در سعی، گمان کردم هفت دور بجا آورده، و تقصیر نمودم، ولی دوستانم فوراً تذکر دادند که باید یک دور دیگر بجا آورم. آن دور را بجا آورده، و بار دیگر تقصیر نمودم. آیا سعی من صحیح است؟ اگر صحیح نبوده، کفاره ای دارد؟ جواب: عمل شما صحیح بوده، و کفاره ای ندارد. سؤال ۶۲۲ اگر کسی قبل از رسیدن به مروه شک کند دور هفتم است، یا دور نهم، چه وظیفه ای دارد؟ جواب: سعی او باطل است، و باید از نو شروع کند. سؤال ۶۲۳ یکی از مقلدین حضرت عالی در عدد دورهای سعی شک می کند، و با حال تردید به سعی

خود ادامه داده، در عین حال فکر می کند تا عدد صحیح را به دست آورد. پس از طیّ حدود صد متر، یا یک دور، یقین به عدد صحیح پیدا نموده، بقیّه سعی را انجام می دهد. آیا سعی او صحیح است؟ جواب: آری سعی او صحیح است؛ مشروط بر این که در حال شکّ و تردید به امید روشن شدن واقع مسأله سعی را ادامه دهد.

### انجام محرمات احرام بعد از سعی

مسأله ۶۲۴ هیچ یک از محرمات احرام، یعنی آن چه به واسطه احرام بر محرم حرام شده بود، با انجام سعی حلال نمی شود، بلکه باید تقصیر کند. مسأله ۶۲۵ هرگاه قبل از تقصیر گمان کند سعی خود را کامل کرده، باید به این گمان قناعت نکند، و تحقیق نماید، و اگر فکرش به جایی نرسید، مقداری را که اطمینان به انجامش ندارد، به جا آورد، و اگر بدون تحقیق تنها به گمان این که سعی خود را کامل کرده، تقصیر کند (موی سر را کوتاه کند) و پس از آن با همسر خود نزدیکی نماید، احتیاط واجب آن است که علاوه بر تکمیل سعی خود، یک گاو قربانی کند (قربانی را اگر بتواند در مکه، و اگر نتواند در شهر خود ذبح می کند). مسأله ۶۲۶ اگر قسمتی از سعی را در عمره مفرده فراموش کند، سپس به گمان این که اعمال عمره تمام شده از احرام خارج شود و با همسرش نزدیکی کند، احتیاط واجب آن است که برگردد و سعی را تمام کند و یک گاو به عنوان کفّاره قربانی نماید.

### طهارت از حدث

مسأله ۶۲۷ بهتر است در حال سعی وضو داشته باشد، ولی واجب نیست. حتّی زنان حائض می توانند سعی بین صفا و مروه را انجام دهند. سؤال ۶۲۸ اینجانب به تصوّر این که سعی هم نیاز به وضو دارد، بعد از یک شوط و نیم، سعی را قطع کرده، و پس از وضو هفت شوط دیگر بجا آوردم. آیا سعی من اشکال دارد؟ جواب: اشکالی ندارد. سؤال ۶۲۹ آیا خانم هایی که به علّت عادت ماهانه برای طواف نایب می

گیرند، در سعی هم می توانند نایب بگیرند؟ جواب: محلّ سعی مسجد نیست، و رفتن زن حائض در آنجا اشکالی ندارد. بنابراین، باید خودشان سعی را بعد از طواف و نماز طواف نایب، بجا آورند. سؤال ۶۳۰ بر اثر ازدحام زیاد حجّاج، گاه انسان ناچار است برای رفتن به محلّ سعی از مسجد الحرام عبور کند، و از این راه خودش را به صفا برساند، و از آنجا سعی را در مسیر معمولی شروع کند. در این صورت تکلیف زن حائض یا نفساء چیست؟ جواب: در صورتی که ممکن باشد از راه دیگری برود، باید خودش سعی را بجا آورد، و اگر ممکن نیست نایب می گیرد؛ ولی چنانچه مرتکب خلاف شود، و خودش از مسجد الحرام عبور کند، باید سعی را بجا آورد و سعی صحیح است؛ هر چند گناه کرده است.

### امور باقی مانده در سعی

مسأله ۶۳۱ مستحبّ است بعد از تمام کردن طواف و نماز آن اگر ازدحام مانع نشود دست بر «حجر الاسود» بگذارد، یا آن را ببوسد، سپس به سراغ آب زمزم برود، مقداری از آن بنوشد، و کمی بر سر و بدن خود بریزد، و پس از آن شروع به سعی نماید، ولی اگر بوسیدن، یا دست گذاردن بر حجر الاسود، بر اثر ازدحام موجب آزار دیگران یا خودش گردد، بهتر است از آن صرف نظر کند.

مسأله ۶۳۲ سعی را می توان پیاده یا سواره انجام داد، خواه سالم و توانا باشد، یا بیمار و ناتوان؛ اما اشخاصی که توانایی دارند بهتر است پیاده بروند. مسأله ۶۳۳ سخن گفتن، و حتّی خوردن آب، یا چیزی از غذا، در حال

سعی جایز است؛ ولی بهتر آن است که در این حال مشغول دعا و ذکر خدا باشد، و با سکینه و وقار و توجّه به ذات پاک خداوند سعی را به جا آورد، و حالت روحانی خود را حفظ کند. مسأله ۶۳۴ مستحبّ است مردان به هنگام رفتن از صفا به مروه، یا هنگام بازگشت، وقتی به محلّ علامتگذاری شده که امروزه با چراغ سبز مشخص شده می‌رسند «هَرْوَلَه» (۱) کنند؛ ولی اگر موجب ناراحتی آنهاست آن را ترک کنند. مسأله ۶۳۵ هروله کردن برای زنان مستحب نیست؛ و مردان نیز اگر فراموش کنند احتیاط آن است که برنگردند. سؤال ۶۳۶ قسمتی که هروله در آن مستحب است را به طور عادی راه رفتن. با توجّه به این که خیال می‌کردم هروله واجب است، آن قسمت را دوباره و به صورت هروله تکرار نمودم. آیا سعی من اشکال دارد؟ جواب: اشکالی ندارد و صحیح است، ولی این کار را تکرار نکنید. سؤال ۶۳۷ شخصی بدون استفاده از چرخ نمی‌تواند سعی کند، و از سوی دیگر، تمکن مالی جهت کرایه آن ندارد. وظیفه اش چیست؟ جواب: اگر می‌تواند با چرخ سعی کند، هر چند با وام گرفتن از دیگران، این کار مقدّم است، و نیابت گرفتن صحیح نیست؛ مگر آن که موجب عُسر و حرج گردد که در این صورت نایب می‌گیرد. سؤال ۶۳۸ اگر بچه‌های کوچک در حال طواف یا سعی به خواب روند، چه کمی دارند؟ جواب: حج آنها صحیح است، انشاءالله. سؤال ۶۳۹ کسی که در حال سعی سوار بر چرخ بوده، به علت خستگی

زیاد در بعضی از حالات رفت و برگشت به خواب رفته است. آیا سعی او صحیح است؟

جواب: اشکالی ندارد. سؤال ۶۴۰ اگر شخصی در سعی صفا و مروه سوار بر چرخ باشد، و تمام هفت دور را در خواب باشد، چه حکمی دارد؟ جواب: احتیاط واجب آن است که اعاده کند، ولی در مورد کودکان اشکالی ندارد. سؤال ۶۴۱ هرگاه زنی به هنگام سعی، عمداً حجاب کامل نداشته باشد، آیا ضرری به سعی او می زند؟ جواب: ضرری به سعی او نمی زند؛ ولی اگر عمداً باشد گناه کرده است. سؤال ۶۴۲ شخصی پس از تقصیر در عمره متوجه شد که طواف و سعیش باطل بوده، و آنها را با لباس دوخته اعاده کرد. آیا لازم است تقصیر را نیز اعاده کند؟ جواب: طواف و سعی او صحیح است، و احتیاط آن است که تقصیر را نیز اعاده کند، ولی کفاره ای ندارد. سؤال ۶۴۳ آیا علاوه بر سعی واجب، سعی صفا و مروه مستحبی نیز داریم؟ جواب: سعی مستحبی نداریم، سعی فقط سعی واجب است. سؤال ۶۴۴ آیا قسمتی از سعی، برای کسانی که قادر نیستند تمام آن را خودشان انجام دهند، قابل نیابت است؟ جواب: در صورت امکان آنها را در باقیمانده، سوار بر چرخ و مانند آن سعی دهند، در غیر این صورت برای تمام سعی نایب بگیرند.

۱. هروله به معنی حرکت سریع است، و حالتی بین راه رفتن و دویدن محسوب می شود.

## ۵ تقصیر

### چگونگی تقصیر

مسأله ۶۴۵ پنجمین واجب عمره تقصیر است؛ یعنی کوتاه کردن موی سر، یا صورت (ریش یا سیل) و گرفتن مقداری از ناخن، و کافی

است تنها کمی از موی سر، یا صورت را کوتاه کند، و از کوتاه کردن ناخن صرفنظر نماید، ولی احتیاط واجب آن است که به کوتاه کردن ناخن به تنهایی قناعت نکند؛ همانگونه که قناعت کردن به کوتاه نمودن موی زیر بغل و مانند آن نیز مشکل است. مسأله ۶۴۶ مردان در عمره مفرده مخیرند بین کوتاه کردن مو و تراشیدن سر. مسأله ۶۴۷ کسی که برای تقصیر، تراشیدن سر را انتخاب می کند، احتیاط آن است که تمام سر را بتراشد و به قسمتی از آن قناعت نکند. مسأله ۶۴۸ تراشیدن موی سر مخصوص مردان است، و در مورد زنان تراشیدن موی سر جایز نیست، و تنها کوتاه کردن مقداری از آن واجب است. مسأله ۶۴۹ حاجی مخیر است که برای تقصیر موی سر را کوتاه کند یا موی صورت را؛ و اگر در سر و صورت هیچ مویی ندارد تیغ را به سر می کشد، و مقداری از ناخن را می گیرد، و اگر ناخن هم نداشت، کافی است تیغ را آهسته به سر بکشد. مسأله ۶۵۰ تراشیدن ریش کفایت از تقصیر نمی کند. مسأله ۶۵۱ کسی که می داند اگر سرش را بتراشد زخمی می شود (و زخمی کردن بدن در حال احرام خلاف احتیاط است) احتیاط آن است که اوّل مقداری از آن را کوتاه کند، سپس سرش را بتراشد. مسأله ۶۵۲ کوتاه کردن موی سر، یا صورت، با هر وسیله ای باشد فرق نمی کند؛ ولی کندن مو کافی نیست. مسأله ۶۵۳ تقصیر عبادت است، و باید با قصد قربت و برای خدا انجام شود، و اگر ریا کند

عمره اش باطل می گردد؛ مگر آن که جبران کند و مجدداً به قصد قربت انجام دهد. سؤال ۶۵۴ آیا جایز است مقداری از سر خود را با تیغ بتراشد، و بقیه را ماشین کند؟ البته پس از ماشین کردن، دوباره آن قسمت را تیغ می کشد. آیا به این ترتیب حلق صدق می کند؟ جواب: این گونه افراد بهتر است اول تمام سر خود را ماشین کنند و بعد چنانچه مایل به احتیاط باشند تمام سر را حلق کنند. سؤال ۶۵۵ تخییر بین حلق و تقصیر ابتدایی است، یا استمراری؟ به عبارت دیگر، اگر شخص حلق را انتخاب کرد و قسمتی از سرش را تراشید و سپس پشیمان شد، آیا می تواند آن را رها کند، و با کوتاه کردن کمی از موی سر از احرام خارج شود؟ جواب: مانعی ندارد.

### زمان تقصیر

سؤال ۶۵۶ اگر کسی در اثناء سعی تقصیر نماید، وظیفه اش چیست؟ جواب: باید سعی را تمام کند، و تقصیر را تکرار نماید. و چنانچه از روی فراموشی، یا ندانستن مسأله این کار را کرده، احتیاطاً تقصیر را اعاده کند، و در هر حال کفاره ندارد، و اگر از ابتدای سعی قصد هفت دور نداشته، باید سعی را دوباره انجام دهد.

### محل تقصیر

مسأله ۶۵۷ تقصیر در عمره محلّ معینی ندارد؛ بنابراین می تواند در پایان سعی در همان محل (مروه) تقصیر کند، یا پس از مراجعت به منزل این کار را انجام دهد، و نیز تفاوت نمی کند که خودش کوتاه کند، یا از دیگری که محرم نیست بخواهد کمی از موی او را کوتاه نماید و در هر حال خودش باید نیت کند.

### شرایط تقصیر کننده

سؤال ۶۵۸ آیا تقصیر اهل سنّت برای شیعیان کفایت می کند؟ یعنی اگر در پایان عمره از آنها خواهش کنیم مقداری از موی ما را کوتاه کنند، اشکالی دارد؟ جواب: اشکال ندارد.

### احکام تقصیر

مسأله ۶۵۹ کسی که محرم به احرام عمره مفرده شود، همه محرّمات احرام بر او حرام می گردد، و هنگامی که تقصیر کرد، یا سر را تراشید همه چیز، جز مسائل جنسی، بر او حلال می شود، و پس از انجام طواف نساء و نماز آن، مسائل جنسی نیز بر او حلال می گردد. مسأله ۶۶۰ حاجی بعد از تقصیر عمره از احرام خارج می شود، و تمام آنچه بر محرم حرام بود بر او حلال می شود؛ مگر صید و شکار کردن که همچنان بر او حرام است؛ زیرا صید حرام برای همه حرام است. سؤال ۶۶۱ شخصی پس از انجام تقصیر شک می کند که آن را صحیح به جا آورده، یا نه؟ اکنون وظیفه اش چیست؟ جواب: اگر در حال انجام تقصیر عالم به مسأله بوده، و توجه به آن داشته، اشکالی ندارد. سؤال ۶۶۲ شخصی بعد از طواف و نماز طواف تقصیر کرده، سپس سعی را بجا آورده، و دوباره تقصیر نموده است. چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که حکم مسأله را نمی دانسته، یا فراموش کرده، اشکالی ندارد. سؤال ۶۶۳ اگر حاجی تقصیر عمره مفرده را فراموش کند، و به وطن خود بازگردد، آیا می تواند در هر مکانی تقصیر کند؟ آیا نیازی به انجام دوباره طواف نساء نیز



هست؟ جواب: در فرض سؤال می تواند تقصیر را در هر جا انجام دهد؛ ولی احتیاط واجب آن

است که طواف نساء را دوباره انجام دهد، و اگر خودش نمی تواند برود، نایب بگیرد. سؤال ۶۶۴ هرگاه شخصی بر اثر جهل و بی اطلاعی از مسأله، یا از روی نسیان و فراموشی، یا عمد، تقصیر عمره مفرده را ترک کند، و طواف نساء و نماز آن را به جا آورد، چه وظیفه ای دارد؟ جواب: اکنون باید تقصیر کند، و بنابر احتیاط واجب طواف نساء و نماز آن را مجدداً به جا آورد، و فرقی بین صورت عمد و سهو و علم و جهل نیست. سؤال ۶۶۵ کسی که تقصیر او باطل بوده، و پس از آن محرمات احرام را به جا آورده، و جاهل به مسأله نیز بوده، آیا باید کفاره ای پردازد؟ جواب: در صورتی که جاهل بوده کفاره ندارد، مگر در شکار به تفصیلی که در کتب فقهی ذکر شده است. سؤال ۶۶۶ جنابعالی فرموده اید: «اگر کسی تقصیر را به قصد ریا انجام دهد، عمره اش باطل است» منظور از این عبارت چیست؟ وظیفه چنین شخصی چه می باشد؟ جواب: منظور این است که در تقصیر ریا کند، و وظیفه او این است که تقصیر را با قصد قربت تکرار کند.

## ۶ و ۷ طواف نساء و نماز آن

### طواف نساء و نماز آن

مسأله ۶۶۷ پس از تقصیر یا حلق، واجب است هفت دور به نیت طواف نساء به دور خانه کعبه بگردد و پس از آن دو رکعت نماز پشت مقام ابراهیم به نیت نماز طواف نساء بجا آورد. مسأله ۶۶۸ طواف نساء و نماز آن با طواف عمره و نماز آن تفاوتی ندارد، بجز در نیت؛ بنابراین، این طواف نیز باید از حجرالاسود شروع شود و به همانجا

ختم گردد و هنگام طواف سمت چپ او به سمت کعبه باشد و شرایطی را که برای طواف عمره گفته شد، مراعات کند. مسأله ۶۶۹ طواف نساء بر مرد و زن، پیر و جوان، متأهل و مجرد، و حتی کودکان ممیز و خنثی واجب است، و بدون آن زن بر مرد و مرد بر زن حلال نمی شود، بلکه احتیاط واجب آن است که اگر کودک غیر ممیز را به حج آورده، و محرم کرده اند، ولی او همراه او طواف نساء را بجا آورد. مسأله ۶۷۰ اگر «طواف نساء» را ترک کند، خواه از روی عمد باشد، یا جهالت، یا فراموشی عمره مفرده او باطل نیست و کفاره هم ندارد ولی همسر بر او حرام است، تا بازگردد و طواف کند. و اگر بازگشت ممکن نیست، یا مشکل است، نایب بگیرد. و اگر از دنیا برود، ولی او قضای آن را به جا می آورد. مسأله ۶۷۱ اگر شخصی، طواف نساءهای متعددی را ترک کرده باشد، یک طواف نساء برای همه آنها کافی است، و در این حکم (ترک طواف نساء) فرقی میان زن و مرد و کودک نیست؛ زیرا طواف نساء بر همه لازم است، و بدون آن همسر برای او حلال نمی شود. مسأله ۶۷۲ در عمره حج تمتع طواف نساء واجب نیست، ولی در عمره مفرده طواف نساء واجب است. مسأله ۶۷۳ طواف نساء و نماز آن رکن نیست، و ترک عمدی آن موجب باطل شدن حج نمی گردد، هر چند انجام آن در عمره مفرده واجب است، و اگر بجا نیامد همسر بر او حلال نمی شود؛ بلکه به خواستگاری

رفتن و شاهد عقد شدن نیز بنا بر احتیاط واجب بدون طواف نساء جایز نیست. مسأله ۶۷۴ هرگاه زنی که طواف نساء را بجا نیاورده، گرفتار عادت ماهانه شود، و پیش از پاک شدن ناچار به ترک مکّه باشد (مثل این که کاروان مهلت نمی دهد تا پاک شود) لازم است برای طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد (همچنین کسان دیگری که به سبب بیماری یا عذر دیگر قادر به انجام طواف و سعی نباشند باید نایب بگیرند). مسأله ۶۷۵ هرگاه طواف نساء را فراموش کند و از عمره مفرده بازگردد، در صورت امکان باید خودش برگردد و بجا آورد، و چنانچه ممکن نباشد، یا مشقّت داشته باشد نایب می گیرد، و پس از آن که نایب طواف نساء و نماز آن را انجام داد، مرد بر زن و زن بر مرد حلال می شود. مسأله ۶۷۶ کسی که طواف واجب (اعم از طواف عمره، یا طواف نساء) را فراموش کند، و به وطن بازگردد، و با همسر خود نزدیکی نماید، هرگاه از روی فراموشی و جهل به مسأله باشد کفّاره ندارد، ولی اگر مسأله را می دانسته و عمدتاً مرتکب آن شده باید کفّاره بدهد، و کفّاره آن در محرمات احرام گذشت. و مانند مسأله قبل عمل می نماید. سؤال ۶۷۷ آیا بر نایب لازم است علاوه بر طواف نساء که به نیت منوب عنه بجا می آورد، برای خود نیز طواف نساء انجام دهد؟ جواب: واجب نیست. سؤال ۶۷۸ نیت نایب در طواف نساء چگونه است؟ جواب: احتیاط آن است که نیت ما فی الذمه کند؛ هر چند می تواند به نیت منوب

عنه انجام دهد. سؤال ۶۷۹ آیا می توان چند روز پس از سعی و تقصیر، طواف نساء را بجا آورد، یا باید بلافاصله پس از سعی و تقصیر بجا آورد؟ جواب: تأخیر انداختن طواف نساء مانعی ندارد. سؤال ۶۸۰ مردی به همسرش گفت: «وظیفه من طواف نساء است، ولی تو باید طواف رجال بجا آوری!» زن نیز به همین نیت طواف کرد. آیا کفایت می کند؟ جواب: چون منظورش انجام وظیفه مربوط به حج بوده، مانعی ندارد (هر چند چیزی به نام طواف رجال نداریم). سؤال ۶۸۱ شخصی پس از بازگشت از مکه شک می کند که طواف نساء عمره مفرده را بجا آورده یا نه، وظیفه اش چیست؟ جواب: اگر اجمالاً توجه به وجوب طواف نساء داشته، می گوید انجام داده ام، و اگر از وجوب آن اطلاع نداشته، احتیاط واجب آن است که طواف نساء را انجام دهد، و اگر خودش نمی تواند، نایب بگیرد. سؤال ۶۸۲ شخصی قبل از انجام طواف نساء با همسرش ملاعبه نموده، و از روی شهوت به او دست زده است. آیا کفاره دارد؟ جواب: بنابر احتیاط واجب کفاره دارد؛ ولی در صورت فراموشی یا ندانستن مسأله کفاره ندارد. سؤال ۶۸۳ اگر نایب طواف نساء را بجا نیاورد، آیا فقط همسر بر او حرام می شود، یا علاوه بر آن ذمه اش نیز مشغول است، که حتی اگر فوت کرده باشد باید از طرف او قضا کنند؟ جواب: ذمه او مشغول است؛ باید خودش در حال حیات انجام دهد، و اگر نمی تواند نایب بگیرد. سؤال ۶۸۴ آیا طواف نساء بر پیرمردان و پیرزنانی که عرفاً قادر بر

آمیزش جنسی نیستند و ازدواج نمی کنند، و نیز کسانی که عین هستند، واجب است؟ جواب: همه باید انجام دهند. سؤال ۶۸۵ زن و شوهری به مکه مشرف شده، و مناسک را بجا آورده اند، ولی چون زن شوهرش را دوست نداشته، طواف نساء و نماز آن را ترک کرده، و شوهر هم آنها را بجا نیاورده، و به وطن بازگشته اند. حکم این زوجین از نظر محرمیت و زندگی در یک خانه چیست؟ جواب: این زن و شوهر فقط نمی توانند با هم مناسبات و استمتاعات جنسی داشته باشند، تا زمانی که برگردند و طواف نساء و نماز آن را بجا آورند، و اگر خودشان نمی توانند، لازم است برای طواف نایب بگیرند؛ یعنی از کسانی که به مکه می روند خواهش کنند که به نیابت از آنها طواف نساء و نماز آن را بجا آورند. سؤال ۶۸۶ آیا منظور از این که می فرمایید: «بدون طواف نساء زن بر مرد، و مرد بر زن حلال نمی شود». فقط آمیزش جنسی است، یا سایر استمتاعات را هم شامل می شود؟ جواب: سایر استمتاعات را نیز شامل می شود. سؤال ۶۸۷ هرگاه کسی که طواف نساء را ترک کرده با همسرش آمیزش کند و فرزندی به وجود آید، آیا حلال زاده است و از آنها ارث می برد؟ جواب: در هر حال فرزند او مشروع است، و از آنها ارث می برد. سؤال ۶۸۸ کسی که طواف نساء را انجام نداده، و در این حال زنی را عقد کرده، آیا عقد او صحیح است؟ جواب: عقد او باطل است، و چنانچه علم به حکم داشته،

آن زن بر او حرام ابدی می شود. سؤال ۶۸۹ کسی که طواف نساءِ عمره مفرده را بجا نیاورده، و پس از آن حجّ افراد بجا آورده است، آیا طوافِ نساءِ حجّ افراد کفایت می کند؟ جواب: آری کفایت می کند. سؤال ۶۹۰ شخصی طواف نساءِ عمره مفرده را فراموش کرده، و برای عمره تمتّع محرم شده است. طواف مذکور را پس از انجام عمره تمتّع بجا آورد، یا قبل از آن؟ جواب: می تواند بعد از انجام اعمال عمره تمتّع بجا آورد، و اگر تأخیر بیندازد طواف نساء حجّ کافی است.

### احکام مصدود و محصور

مسأله ۶۹۱ «مصدود» به کسی گفته می شود که شخصی (خواه دشمن، یا مأمور دولت) او را بعد از احرام برای عمره یا حج، از انجام اعمال باز دارد. و «محصور» به کسی گفته می شود که بر اثر بیماری یا شکستگی اعضا، یا مجروح شدن، و امثال آن نتواند اعمال حج یا عمره را بجا آورد. مسأله ۶۹۲ کسی که احرام عمره یا حج بست، باید عمره و حج را تمام کند، و اگر انجام ندهد به احرام باقی خواهد ماند، ولی اگر مصدود یا محصور شد، باید به دستوره‌های آینده عمل کند تا از احرام بیرون آید. مسأله ۶۹۳ شخصی که محرم به احرام «حج» یا «عمره» شود، و دشمن یا فرد دیگری، مانند مأموران دولت، یا سارقین، یا غیر آنها، او را از رفتن به مکه باز دارند، و راه دیگری برای رفتن به مکه نداشته باشد، یا اگر راهی باشد هزینه آن را ندارد، در همان جا یک قربانی می کند و از احرام خارج

می شود، و احتیاط آن است که قربانی را به قصد خروج از احرام انجام دهد. همچنین احتیاط آن است که موی سر خود را کوتاه کند، و اگر دسترسی به قربانی پیدا نکرد، همان جا نیت خارج شدن از احرام می کند، و احتیاط آن است که به جای قربانی، ده روز (به شرحی که قبلاً گفته شد) روزه بگیرد، و اگر در آنجا به آن صورت نتوانست بگیرد، تمام آن را در بازگشت روزه بگیرد. مسأله ۶۹۴ اگر کسی با احرام عمره وارد مکه شد، و دشمن، یا کس دیگری او را از انجام اعمال باز داشت، حکم مسأله قبل را دارد. مسأله ۶۹۵ هرگاه شخصی را به خاطر بدهکاری، یا اتهام دیگری زندانی کنند، یا به ظلم حبس نمایند، حکم مسأله سابق را دارد. مسأله ۶۹۶ اگر بعد از احرام، برای رفتن به مکه، یا اجازه بجا آوردن اعمال پولی مطالبه کنند، چنانچه تمکن دارد باید بپردازد؛ مگر این که موجب عسر و حرج گردد، و اگر تمکن ندارد، یا حرجی است، حکم «مصدود» را دارد. مسأله ۶۹۷ اگر یک راه بسته باشد، و راه دیگری هست که می تواند از آن برود، و هزینه آن را هم دارد، به احرام باقی می ماند تا از آن راه برود. مسأله ۶۹۸ مصدود اگر امید برطرف شدن مانع را داشته باشد احتیاط آن است که صبر کند؛ ولی اگر گمان برطرف نشدن آن را داشته باشد، می تواند به دستوری که برای «مصدود» گفته شد عمل کند. مسأله ۶۹۹ «محصور» یعنی کسی که بر اثر بیماری، یا مجروح شدن، یا شکستگی



اعضاء و مانند آن، نتواند اعمال حج و عمره را بجا آورد، اگر محرم به احرام عمره مفرده باشد، ولی بر اثر بیماری و مانند آن مجبور است به وطن بازگردد، یا در همان جا بستری شود، و در هر حال قادر به انجام عمره نیست. چنین کسی باید پول یک قربانی را به مکه بفرستد، و با دوستان خود قرار بگذارد که در فلان روز و فلان ساعت در مکه برای او قربانی کنند، سپس در همان موعد معین تقصیر می کند، و از احرام بیرون می آید، و همه چیز بر او حلال می شود مگر همسر، تا زمانی که حالش خوب شود، و عمره مفرده بجا آورد، و اگر حالش خوب شد و نتوانست عمره بجا آورد، نایب می فرستد، و چنانچه کسی نباشد که برای او در مکه قربانی کند، در همان جا که هست قربانی می کند و از احرام خارج می گردد، و اگر آن هم ممکن نشد، در بازگشت به وطن قربانی می کند. مسأله ۷۰۰ هرگاه شخص بیمار پس از فرستادن قربانی یا پول آن، بهبود یافت، به طوری که قادر به رفتن به سوی مکه شد، باید به مکه برود، و اعمال را انجام دهد. مسأله ۷۰۱ کسانی که مریض نیستند، ولی به علت دیگری بعد از احرام نتوانسته اند به مکه بروند (مثل کسی که کمر یا پایش شکسته، یا بر اثر خونریزی ضعف بر او مستولی شده) حکم مریض را دارند. سؤال ۷۰۲ آیا تصادف به هنگام احرام، داخل در عنوان محصور است، و شخصی که تصادف کرده باید احکام محصور را

بجا آورد؟ جواب: آری، هرگاه شرایط حصر حاصل شود، حکم «محصور» بر آن مترتب می شود. سؤال ۷۰۳ کسی که دعای شرط را، که مستحب است هنگام نیت احرام خوانده شود، بخواند و شرط خروج از احرام را در صورت وجود موانعی کند، آیا در صورتی که محصور یا مصدود شود احکام مصدود و محصور بر او جاری می شود، یا به مجرد حدوث این دو حالت، بدون قربانی از احرام خارج می گردد؟ جواب: می تواند از احرام خارج شود، ولی قربانی بر او واجب است، و اثر شرط در جهات دیگر ظاهر می شود. سؤال ۷۰۴ شخصی در مدینه مصدوم می گردد. او را به مسجد شجره می برند، و محرم می شود. آیا احرام چنین شخصی صحیح است؟ در صورت صحت، اگر نتواند مناسک عمره را به جا آورد تکلیفش چیست؟ جواب: احرامش صحیح است. اگر بتواند عمره را، هر چند با کمک نایب در طواف و سعی، انجام دهد عمره او صحیح است، و اگر نتواند بجا آورد، احتیاط آن است که به حکم محصور عمل کند.

## مسائل متفرقه

### شرکت در نماز جماعت اهل سنت

مسأله ۷۰۵ هنگامی که در «مسجد الحرام» یا «مسجد النبی» نماز جماعت برگزار می گردد، مؤمنین نباید از آن اماکن مقدسه خارج شوند، و نماز جماعت را ترک کنند. بلکه باید به همراه بقیه مسلمانان به نماز جماعت بایستند. مسأله ۷۰۶ نماز جماعتی کاروانی و بزرگ در مسافرخانه ها و هتل های مکه و مدینه توسط شیعیان در صورتی که بتوانند در نماز جماعت حرمین شرکت کنند، اشکال دارد، ولی نماز جماعت چند نفری اشکال ندارد. مسأله ۷۰۷ کسی

که نمازش را در مسجدالحرام به شکل استداره (دایره وار) خوانده، به گونه ای که رو به روی امام جماعت، یا در سمت راست، یا در طرف چپ او ایستاده بوده، نمازش صحیح است، و نیاز به تکرار آن نیست؛ مشروط بر این که امام به حسب دایره یعنی از جهت فاصله به کعبه از دیگران جلوتر باشد. مسأله ۷۰۸ رعایت اتّصال صفوف در نماز جماعت با اهل سنّت لازم است، بنابراین هرگاه عدّه ای از آنها با فاصله بایستند، به سراغ گروهی بروید که با امام اتّصال دارند. مسأله ۷۰۹ کسانی که برای شرکت در نماز مغرب یا ظهر به مساجد مکه و مدینه می روند، و در جماعت آنها شرکت می کنند، می توانند بعد از نماز جماعت، نماز عشا یا عصر خود را به طور فرادی بجا آورند. مسأله ۷۱۰ نمازهایی که همگام با سایر مسلمین به امامت اهل سنّت اقامه می گردد صحیح است، و حتّی در وسعت وقت نیاز به اعاده ندارد. مسأله ۷۱۱ هرگاه رعایت اتّصال صفوف جماعت مستلزم سجده بر فرش باشد، و اصرار نسبت به سجده بر سنگفرش مسجد مستلزم عدم رعایت اتّصال باشد، باید اتّصال را مراعات کند؛ هر چند بر فرش سجده نماید.

مسأله ۷۱۲ هرگاه با کمی تأخیر به نماز جماعت برسد، به گونه ای که مسلمین نماز خود را بسته، و با صفوف جلو اتّصال معتبر نزد شیعه را ندارند، و امکان عبور از صفوف و رفتن به جایی که اتّصال برقرار است نیز نمی باشد، یا مأمورین اجازه چنین کاری را نمی دهند، در همان جا که ممکن است اقتدا نموده، و

همین نماز کفایت می کند و نیازی به اعاده نیست. مسأله ۷۱۳ نمازهایی که بر اثر ازدحام جمعیت در پشت بام مسجدالحرام یا مسجدالنبی به جماعت برگزار می شود، کافی نیست و باید اعاده گردد. مسأله ۷۱۴ نماز جمعه با اهل سنت نیز کفایت از نماز ظهر می کند، و اعاده آن لازم نمی باشد، و اینها دستوراتی است که ائمه طاهرین (علیهم السلام) برای حفظ وحدت مسلمین به ما داده اند. مسأله ۷۱۵ هرگاه مؤمنین زمانی به مسجد برسند که نماز جماعت تمام شده، ولی صفها هنوز به هم نخورده، اذان و اقامه ساقط است، و از این جهت تفاوتی با نماز جماعت شیعیان ندارد. مسأله ۷۱۶ خواندن نماز قضا با نماز جماعت اهل سنت، مانعی ندارد.

مسأله ۷۱۷ با توجه به این که اگر اهل سنت یک رکعت از امام عقب بیفتند تجافی نمی کنند (و به صورت نیم خیز نمی نشینند)، انجام این کار برای شیعیان لازم نیست.

### سجده گاه

مسأله ۷۱۸ سجده کردن بر تمام انواع سنگها جایز است؛ چه مرمر باشد، یا سنگهای سیاه معدنی، یا سنگ گچ و آهک قبل از آن که پخته شود. بنابراین، سجده کردن بر تمام سنگفرشهای «مسجدالحرام» و «مسجدالنبی» که از این قبیل است اشکالی ندارد. مسأله ۷۱۹ سجده کردن بر فرشهای مسجدالنبی و سایر مساجد مکه و مدینه مانعی ندارد، بلکه مهر گذاشتن جایز نیست، ولی اگر به سهولت به جایی که فرش نیست و برای سجده مناسب است دسترسی دارد و سبب حساسیت برادران اهل سنت نمی شود آن را مقدم دارد؛ اما تأکید می شود از هر عملی که موجب هتک و انگشت نما

شدن می گردد اجتناب ورزند، ولی سجده بر فرش در هتل ها جایز نیست.

مسأله ۷۲۰ سجده بر حصیرهایی که در مکه و مدینه مورد استفاده حجاج ایرانی و غیر ایرانی واقع می شود، و حصیر مزبور با نخ مخلوط است، مانعی ندارد؛ مشروط بر این که موجب هتک و انگشت نما شدن نگردد. مسأله ۷۲۱ چنانچه حاجی شیعه نمازش را به گونه ای انجام دهد که معلوم نباشد حتی موافق نظر اهل سنت است، مثل این که بر پشت نمازگزاران صف جلو سجده کند (آن گونه که بعضی از عوام اهل سنت به هنگام ازدحام انجام می دهند)، یا اتصال صفوف را مراعات ننماید، باید نمازش را اعاده کند. مسأله ۷۲۲ نمازهای شخصی که خیال می کرده سجده بر سنگفرشهای مسجدالحرام یا مسجدالنبی صحیح نیست، و بر پشت دست خود سجده نموده، صحیح نیست؛ مگر این که جاهل قاصر باشد. مسأله ۷۲۳ حاجی مخیر است نماز را در محلی که ثواب فراوانی دارد (مانند روضه مطهره مسجدالنبی)، اما مجبور است بر فرش سجده کند بجا آورد، یا در جایی که ثواب کمتری دارد، ولی می تواند بر سنگ سجده نماید.

مسأله ۷۲۴ حجاج محترمی که در نماز جماعت اهل سنت بر روی ویلچر یا صندلی نماز می خوانند، به هنگام رکوع کمی خم می شوند، و به هنگام سجده کمی بیشتر، و نمازشان صحیح است، و لازم نیست کفشهای خود را بیرون آورند، یا مهر به پیشانی بچسبانند.

### نماز مسافر

مسأله ۷۲۵ مسافران مخیرند نماز خود را در مسجدالحرام و مسجدالنبی، بلکه در تمام شهر مکه و مدینه، تمام یا قصر به جا آورند، و نماز تمام

افضل است، و فرقی بین مکه و مدینه قدیم و امروز نیست. مسأله ۷۲۶ با توجه به این که قصد اقامه عشره باید در یک محل، یا دو محلّ نزدیک به هم باشد (مثلا با فاصله سه یا چهار کیلومتر) حجّاج محترم نمی توانند با احتساب ایام عرفات و مشعر و منی قصد ده روز کنند، ولی چنانچه قصد ده روز توقّف در مکه کنند، و پس از گذشت ده روز به عرفات و مشعر و منی بروند، یا بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از قصد برگردند، و به آن امکنه مقدّسه بروند، نمازشان در همه این مکانها کامل است. زیرا در شرایط فعلی فاصله مکه تا عرفات به مقدار مسافت شرعیّه نیست. مسأله ۷۲۷ هرگاه مدیر کاروان، با توجه به این که می داند توقّف زائران در مکه یا مدینه کمتر از ده روز است، اعلام کند که ده روز می مانیم، و زوّار با اعتماد به گفته او نمازشان را تمام بخوانند و روزه بگیرند، و قبل از ده روز از آنجا بروند، نماز و روزه زائران صحیح است؛ ولی مدیر کاروان نباید دروغ بگوید. مسأله ۷۲۸ شخصی که قصد کرده تا پایان روز ترویبه (هشتم ذی الحجّه) در مکه اقامت کند، و به تصوّر این که از آغاز ورودش تا روز هشتم ذی الحجّه ده روز خواهد بود نمازهایش را تمام خوانده، سپس متوجه می شود که ده روز اقامت نخواهد داشت، باید نمازها را شکسته بخواند، و آنچه را تمام خوانده قضا کند.

### روزه مستحبی

مسأله ۷۲۹ حاجی می تواند برای برآورده شدن حاجات خود سه روز در مدینه روزه

بگیرد و سزاوار است این سه روز چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه باشد.

مسأله ۷۳۰ نذر روزه در سفر اشکال دارد ولی اگر نذر کرد احتیاط آن است که به نذر خود عمل کند.

## وقت نماز و روزه

مسأله ۷۳۱ نماز خواندن با اذان اهل تسنن در نماز صبح و ظهر، چنانچه یقین یا گمان قابل ملاحظه ای به دخول وقت حاصل شود مانعی ندارد ولی در مورد نماز مغرب احتیاط آن است کمی صبر شود تا حمزه زائل گردد. این در صورتی است که بخواهند در محل سکونت نماز فرادی بخوانند، ولی اگر با آنها نماز جماعت بخوانند رعایت این احتیاط لازم نیست، و اذان آنها کافی است. مسأله ۷۳۲ کسانی که در ماه مبارک رمضان توفیق انجام عمره مفرده پیدا می کنند، هرگاه جهت نماز اول وقت به مسجدالحرام یا مسجدالنبی بروند، و قبل از زوال حمزه به آنها اصرار کنند که افطار نمایند، مجاز هستند افطار کنند، و روزه آنها صحیح است، و نیازی به قضا ندارد.

## اعلان عید

مسأله ۷۳۳ هرگاه از سوی قاضی اهل سنت حکم شود که فلان روز عید قربان است، و ما یقین بر خلاف آن نداشته باشیم، متابعت از آنان جایز است. بلکه اگر یقین بر خلاف داشته باشیم (که غالباً چنین یقینی حاصل نمی شود)، نیز باید تبعیت کنیم، و نیازی به احتیاط نیست، و حج صحیح است.

## حج و خمس

مسأله ۷۳۴ هرگاه شخصی هزینه حج دیگری را پردازد، و باذل اهل وجوهات شرعی نباشد، چنانچه یقین به وجود خمس در پول مزبور نباشد حج او اشکالی ندارد، و اگر یقین به وجود خمس در آن دارد، لازم است خمس آن را پردازد. مسأله ۷۳۵ هرگاه کسی بدون این که خمس مال خود را پردازد به عمره یا حج برود، و پس از بازگشت متوجه خطای خود شود، حج یا عمره او صحیح است، ولی در اولین فرصت اقدام به پاکسازی اموال خود کند. مسأله ۷۳۶ شخصی که حساب خمسی ندارد هرگاه بخواهد به حج مشرف شود باید به اموال خود رسیدگی کند. چنانچه تاریخ اولین درآمدش را بداند، آنچه از اموال و دارایی ها که بر مبنای اولین درآمد، سال بر آن گذشته خمس دارد، و اگر تاریخ اولین درآمد را نداند، آنچه در طول سال نزد او بوده خمس دارد، و آنچه مشکوک است خمس ندارد، و تخمیس لباس احرام کفایت نمی کند، بلکه باید تمام هزینه حج یا عمره تخمیس گردد. و بسیار بجاست که حجاج محترم از این فرصت الهی استفاده کرده و آنها که تا کنون تمام اموالشان را تخمیس نکرده اند خمس آن را پردازند تا هم به وظیفه واجب خویش

عمل کنند و هم مشمول برکات الهی شوند.

### لقطه (گمشده) حرم

مسأله ۷۳۷ هرگاه حاجی چیزی در حرم پیدا کند، احتیاط واجب آن است که بر ندارد. مسأله ۷۳۸ اگر لقطه (گمشده) حرم را برداشت، چنانچه قیمت آن کمتر از یک درهم (۱) باشد می تواند آن را تملک و مصرف نماید، و اگر تملک نکرد و کوتاهی نمود ضامن نیست، ولی اگر بدون قصد تملک آن را نزد خود نگاه داشت، و در نگهداری آن کوتاهی و تفریط کرد، ضامن است، و اگر قصد تملک کرد و قبل از آن که آن را مصرف کند صاحبش پیدا شد، باید آن را به صاحبش بازگرداند. مسأله ۷۳۹ هرگاه لقطه حرم را، که یک درهم یا بیشتر ارزش دارد بردارد، باید اگر می تواند آن را به شخصی مطمئن بسپارد تا یک سال در جستجوی صاحبش باشد و اعلام کند (۲)، و اگر بعد از یک سال صاحبش پیدا نشد، و امیدی به پیدا شدن صاحبش ندارد، آن را صدقه می دهد، ولی چنانچه پس از صدقه دادن، صاحبش پیدا شود و راضی به صدقه نگردد، احتیاط واجب آن است که قیمت آن را به او بدهد، و در هر حال تملک چنین لقطه ای جایز نیست، و چنانچه تملک کند مالک نمی شود، و ضامن آن است، و اگر از ابتدا نسبت به پیدا کردن صاحبش کاملاً مأیوس باشد می تواند بلافاصله آن را به شخص نیازمندی از طرف صاحب اصلی صدقه دهد. مسأله ۷۴۰ هرگاه زائرین در مکه یا مدینه پول سعودی پیدا کنند، و ندانند که متعلق به زوار ایرانی است یا غیر ایرانی، در صورتی که از



یافتن صاحبش مایوس باشند، احتیاط واجب آن است که آن را از طرف صاحبش به فقیری صدقه دهند.

۱. یک درهم ۶/۱۲ نخود نقره سکه دار است، که قیمت فعلی آن حدود ۴۰۰ تومان است. ۲. چنانچه از روزی که آن را پیدا کرده تا یک هفته هر روز، و پس از آن تا یک سال هفته ای یک بار، در محلّ اجتماع مردم اعلام کند، کافی است.

### استفتائات مرتبط با مسائل عمره

سؤال ۷۴۱ شخصی که مقلّد هیچ یک از مراجع بزرگوار تقلید نبوده، اکنون می خواهد تقلید نماید. در این مدّت مکه هم رفته است. آیا عبادتهایش صحیح است؟ جواب: هرگاه اعمالش مطابق فتوای مرجعی که فعلاً وظیفه اش تقلید از اوست باشد، صحیح است. سؤال ۷۴۲ قرآنهایی در مسجدالحرام وجود دارد که بر روی بعضی از آنها جمله «وقف لله تعالی» نوشته شده، و بر تعدادی نیز این جمله نوشته نشده است. لطفاً در مورد قرآنهایی مذکور به دو سؤال زیر پاسخ فرمائید: الف) در بین حجّاج مشهور است که برداشتن قرآنهایی که جمله مذکور در آن وجود ندارد، جایز است. آیا این سخن صحیح است؟ جواب: برداشتن آنها بدون اجازه مسؤولین مربوطه جایز نیست، و کسانی که بدون اجازه برداشته اند، باید بازگردانند. ب) گاهی از اوقات مسؤولین مسجدالحرام قرآنهایی که جمله مذکور روی آن نوشته شده را به حجّاج هدیه می کنند. آیا گرفتن چنان قرآنهایی جایز است؟ جواب: اشکالی ندارد. سؤال ۷۴۳ آیا می توان قطعه ای از سنگ کوه صفا و مروه، یا صحرای مشعر را به عنوان تبرّک برداشت؟ جواب: برداشتن سنگ از صفا و مروه جایز نیست؛ و

برداشتن از مشعر نیز احتیاط در ترک آن است. سؤال ۷۴۴ گاه دیده می شود که برخی از حجّاج محترم به عنوان تبرّک مقداری از خاک قبرستان بقیع را برداشته، و همراه خود به ایران می آورند. آیا این کار از نظر شرعی صحیح است؟ اگر جایز نباشد، وظیفه فعلی آنها چیست؟ جواب: این کار جایز نیست، و احتیاط آن است که آن را برگردانند. سؤال ۷۴۵ سال گذشته یکی از دوستان، که به حج مشرف شده بود، دو قطعه سنگ از غار حرا به عنوان هدیه برایم آورد. سنگها را در مکان مناسبی نهاده، و هر چند روز یک بار به عنوان تبرّک آنها را می بوسم و زیارت می کنم. آیا این عمل شرک محسوب می شود؟ جواب: این کار ذاتاً حرام نیست؛ اما از این جهت که ممکن است منشأ برداشتهای سوء بدخواهان، یا بدعت گردد، از این کار خودداری کنید. سؤال ۷۴۶ آیا مصرف کنسروهای گوشت و ماهی خارجی، که در بازار مسلمین از جمله مکه و مدینه به فروش می رسد، جایز است؟ جواب: اگر ندانند از کجا وارد شده، یا بدانند از کشورهای اسلامی است، مانعی ندارد، و اگر یقین داشته باشند از کشورهای غیر اسلامی وارد شده، در صورتی استفاده از آن جایز است که وارد کننده آن مسلمان باشد، و احتمال داده شود که او شرایط شرعی ذبیح را احراز کرده، و در دسترس مسلمانان قرار داده است، یا روی آن جمله «ذبیح شرعی» نوشته شده باشد. سؤال ۷۴۷ اگر شخصی مبلغی ارز به فردی بدهد، و عوض آن را پول ایرانی بگیرد چه حکمی دارد؟ جواب:

در صورتی که مخالف مقررات نباشد، و با رضایت همدیگر باشد مانعی ندارد. سؤال ۷۴۸ هنگامی که قسمتی از مسجدالحرام نجس می شود، مأمورین به شکل زیر آن را تطهیر می کنند: «ابتدا عین نجاست را برطرف نموده، سپس ظرف آب قلیلی بر روی محلّ نجس می ریزند، و در مرحله سوم آبهای ریخته شده را جمع می کنند». با توجه به این نوع تطهیر انسان به نجاست تمام مسجدالحرام یقین پیدا می کند. آیا سجده بر سنگهای مذکور در فرض سؤال جایز است؟ جواب: علم به نجاست تمام مسجد پیدا نمی شود، و به شک نباید اعتنا کرد، و این نیز نوعی تطهیر است. سؤال ۷۴۹ اگر شخصی در مسجدالحرام یا مسجدالنبی محتلم شود، برای تیمّم چه نیتی کند؟

جواب: باید فوراً خارج شود، و برای خروج از مسجد تیمّم بدل از غسل جنابت می کند؛ مگر این که زمان خروج کمتر از زمان تیمّم باشد، که بدون تیمّم فوراً خارج می شود. سؤال ۷۵۰ آیا عبور و مرور حائض و جنب، از مقدار توسعه یافته مسجدالحرام و مسجدالنبی جایز است؟ جواب: جایز نیست، و فرقی میان قسمت قدیم و جدید نیست. سؤال ۷۵۱ منظور از مشقّت یا عُسر و حرج، که در بعضی از مسائل به آن اشاره کرده اید چیست؟ آیا مشقّت و عُسر و حرج شخصی ملاک است، یا نوعی؟ جواب: منظور از عُسر و حرج شخصی است. سؤال ۷۵۲ آیا قصد باطل کردن عمره، یا قسمتی از مناسک آن (بدون آن که هنگام قصد ابطال عمل را ادامه دهد) موجب بطلان آن می گردد؟ جواب: قصد ابطال موجب بطلان نمی

گردد. سؤال ۷۵۳ غسل احرام، زیارت و مانند آن، تا چه زمانی اعتبار دارد؟ و با چه چیزهایی باطل می شود؟ جواب: تا یک روز معتبر است و اگر حدث اصغر از او سرزند، به قصد رجا آن را اعاده می کند، ولی واجب نیست. سؤال ۷۵۴ آیا طلب رحمت برای بانیان، حافظان و خدمتکاران مسجدالحرام و مسجدالنبی، که زحمات فراوانی را متحمل می شوند، جایز است؟ جواب: برای آنها طلب هدایت کنید. سؤال ۷۵۵ بعضی از حجاج سهمیه مواد خوراکی و مصرفی خود (مانند نوشابه، موز، پرتغال، سیب، پنیر، آبیوه، صابون، شامپو و مانند آن را) که در ایام سفر مورد استفاده قرار نداده اند، با خود به ایران می آورند. این کار چه حکمی دارد؟ آیا استفاده از آن مواد جایز است؟ جواب: در صورتی که واقعاً جنبه سهمیه داشته باشد مانعی ندارد و ولی اگر فقط جنبه اباحه تصرف دارد، فقط حق دارند در آنجا مصرف کنند، ولی با خود بردن جایز نیست.

سؤال ۷۵۶ انجام حج با مال حرام، یا مال مشتببه به حرام چگونه است؟ جواب: با مال حرام جایز نیست و ولی اگر مال او مشتببه به حرام است، ولی یقین به حرمت آن ندارد، می تواند آن را صرف حج کند. مشروط بر این که از نظر ظاهر محکوم به حلال بودن باشد یعنی از طریق ظاهراً حلال به دست آورده است. سؤال ۷۵۷ شک در اعمال عمره چه حکمی دارد؟ جواب: هرگاه پس از شروع در عملی که بعد از آن است شک کند، اعتنا ننماید چه شک در انجام آن داشته باشد، یا شک در صحیح بجا

## چند مسأله مهم و محلّ ابتلا در عمره

۱ استفاده از ماشینهای سرپوشیده در حال احرام در شبها، یا بین الطلوعین، یا روزهای کاملاً ابری، که سایبان تأثیری برای حفظ از آفتاب و باران ندارد، جایز است، همچنان که سوار ماشین سرپوشیده شدن در حال احرام در داخل شهر مکه مانعی ندارد (خواه در روز باشد، یا در شب)، ولی بهتر است در آن قسمت که از حرم بیرون است (یعنی آن طرف که از مسجد تنعیم فراتر می رود) احتیاط کند، ولی با توجه به این که قسمتهای بعد از تنعیم هم جزء شهر مکه است، احتیاط مذکور واجب نیست. ۲ اگر بدون اختیار چشم مُحرم به آینه بیفتد، اشکالی ندارد، و بهتر است که در ایام احرام حج یا عمره، در اطاق هایی که افراد مُحرم سکونت دارند، و همچنین در مسیر رفت و آمد آنها، مانند داخل آسانسورها، روی آینه ها چیزی بیندازند، که نگاه غیر اختیاری نیز به آن نیفتد. ۳ احتیاط واجب آن است که مُحرم حشرات (مانند پشه، زنبور، مگس، ملخ و امثال آن را) نکشد؛ چه روی بدن یا لباس او باشد، یا جای دیگر، و نیز هیچ جنبنده ای را به قتل نرساند، مگر این که مایه آزار او شود، یا حیوان موذی و خطرناکی باشد؛ (مانند مار و عقرب). و اگر عمداً آنها را بکشد کفاره دارد، و کفاره آن مقداری غذا است؛ (مثلاً یک نان به فقیر بدهد)، بنابراین باید موقع راه رفتن مواظب ملخها و مورچه ها و مانند آن باشد. ۴ لازم نیست طواف در فاصله بین مقام ابراهیم و خانه کعبه باشد؛ بلکه در

تمام مسجدالحرام طواف جایز است؛ (به خصوص هنگام ازدحام جمعیت) ولی در صورت امکان بهتر است از فاصله مزبور تجاوز نکند. ۵ لازم نیست شانه چپ در تمام حالات محاذی کعبه باشد؛ بلکه همین اندازه که مطابق معمول همه مردم، خانه کعبه را دور بزنند کافی است. ۶ هرگاه جمعیت طواف کننده به قدری زیاد باشد که انسان را با فشار و بدون اختیار به پیش ببرد، ضرری برای طواف ندارد، و همین اندازه که از آغاز تیت می کند که برای طواف به میان جمعیت برود کافی است. هر چند می داند فشار جمعیت او را به جلو می برد. ۷ طواف در طبقه دوّم و پشت بام مسجدالحرام اشکال دارد؛ ولی کسانی که مجبور هستند از آنجا طواف کنند طوافشان صحیح است، و نایب گرفتن لازم نیست. ۸ محلّ نماز طواف واجب، پشت مقام ابراهیم است؛ ولی اگر ازدحام جمعیت زیاد باشد، می توان عقب تر نماز خواند. به خصوص، در مواقعی که جمعیت طواف کننده به قدری زیاد است که به پشت مقام ابراهیم می رسد، در این صورت نباید مزاحم طواف کنندگان شد، و اصرار بر خواندن نماز در پشت مقام داشت، و کارهایی که بعضی از عوام انجام می دهند، و دستها را زنجیر می کنند، و مزاحم طواف کنندگان می شوند، صحیح نیست؛ اما نماز طواف مستحب را در هر جای مسجد می توان خواند. ۹ خواندن نماز طواف به جماعت اشکال دارد، حتّی به عنوان احتیاط، و افراد باید حمد و سوره را به قدر امکان اصلاح کنند، و خودشان بخوانند.

در طبقه بالا جایز نیست؛ مگر این که ازدحام به قدری زیاد باشد که سعی در طبقه پایین مشقت شدید داشته باشد. ۱۱ هنگام سعی صفا و مروه کافی است مقداری از سربالایی صفا و مروه را طی کند، و لازم نیست به قسمت لخت کوه برسد، و پای خود را به آن بچسباند. زیرا سربالایی مفروش در صفا و مروه جزء کوه است. ۱۲ نشستن در حال طواف واجب، برای رفع خستگی مانعی ندارد؛ ولی احتیاط آن است که موالات عرفی به هم نخورد، یعنی فاصله زیاد نشود؛ اما نشستن در حال سعی، برای رفع خستگی و مانند آن به هر مقدار مانعی ندارد؛ خواه در صفا باشد، یا در مروه، یا در میان آن دو. ۱۳ بهتر است هنگام ازدحام جمعیت، طواف متسحبی را ترک کرد، و محلّ طواف را برای کسانی که طواف واجب می کنند آزاد گذاشت. ۱۴ نماز خواندن با اهل سنت و شرکت در جماعات آنها در ایام حج و مانند آن، برای حفظ وحدت مسلمین از مستحبات مؤکد و موجب تقویت صفوف در برابر دشمنان است، و در روایات معصومین (علیهم السلام) تأکیدات فراوانی درباره آن شده است، و چنین نمازی کفایت از نماز واجب می کند، و اعاده آن لازم نیست. ۱۵ حجاج محترم می توانند در مسأله وقت نماز و مانند آن از آنها پیروی نمایند، و با آنها نماز بخوانند، و برای سجده اگر بتوانند، روی سنگهای کف مسجد سجده نمایند (زیرا سجده بر تمام آن سنگها جایز است) و اگر نتوانند، روی فرش سجده می کنند، و لازم نیست دست بسته نماز بخوانند،

یا بعد از حمد آمین بگویند. ۱۶ کسانی که به هنگام افطار روزه در مسجد الحرام یا سایر مساجد آنان حضور دارند، هر گاه به آنها اصرار بر افطار کنند، مانعی ندارد همزمان با اهل سنت افطار نمایند، و روزه آنها صحیح است. ۱۷ استفاده از بادبزن، یا حصیرهای بدون نخ، یا حصیرهای معمولی که نخ نازکی دارد، برای سجده کردن در همه حال جایز است، و لزومی ندارد از مهر استفاده شود که مخالفان به خاطر تبلیغات نادرست روی آن حساسیت دارند. بلکه استفاده از مهر در بعضی از مواقع که باعث بدبینی و اعتراض می شود اشکال دارد.

۱۸ نایب و اجیر باید اعمال حج را مطابق اجتهاد یا تقلید خودش بجا آورد، نه اجتهاد یا تقلید شخصی که برای او نیابت می کند. ۱۹ زوّار خانه خدا مخیرند نماز خود را در مسجد الحرام و مسجد النبی، بلکه در همه شهر مکه و مدینه، تمام یا قصر بخوانند، و نماز تمام افضل است، و فرقی میان مکه و مدینه قدیم و جدید نیست. ۲۰ مسافر می تواند برای گرفتن حاجت سه روز در مدینه روزه مستحبی بگیرد؛ (هر چند قصد ده روز نکند) و احتیاط لازم آن است که روزهای چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه را انتخاب کند. ۲۱ احرام بستن از تمام آنچه امروز جزء مسجد شجره است جایز می باشد، حتی از کنار مسجد شجره نیز می توان احرام بست. ۲۲ حاجیان شیعه و پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) نباید در ایام حج و مانند آن، نماز جماعت جداگانه به طور گروهی در کاروانها یا مسجد الحرام



یا مسجدالنبی، تشکیل بدهند، و چنین نماز جماعتی خالی از اشکال نیست، مگر این که نماز چند نفری باشد. ۲۳ زوَّار خانه خدا باید از تمام کارهایی که موجب وهن مذهب است اجتناب ورزند؛ مانند: الف) بازگشت از مسجدالحرام و مسجدالنبی و صفوف جماعت، هنگام اذان یا نزدیک اذان. ب) پرداختن به خرید و فروش در بازارها و خیابانها، یا بازگشتن با اجناس خریداری شده به سمت کاروانها در چنان ساعاتی؛ بلکه این کارها را کنار بگذارند، و به جماعت پیوندند. ج) اجتماع پشت دیوار بقیع برای زیارت قبور معصومین (علیهم السلام)، هنگام نماز جماعت. د) پوشیدن لباسهای نامناسب که مایه وهن در انظار عموم است. ه) برخورد خشونت آمیز در سخن یا رفتار با سایر زوَّارخانه خدا، یا ساکنان مکه و مدینه. خلاصه پیروان مکتب اهل البیت (علیهم السلام) باید چنان رفتار کنند که همه احساس نمایند آنها به برکت پیروی از اهلیت (علیهم السلام) از تربیت بالایی برخوردارند، و هیچ گونه بهانه ای به دست مخالفان ندهند که این کار اجر و ثواب حج آنها را انشاء الله مضاعف می سازد.

### آداب و مستحبات عمره

در روایات اسلامی، و کلمات فقهای عظام (رضوان الله تعالی علیهم) آداب و مستحبات بسیاری برای هر یک از اعمال «عمره» ذکر شده که قسمت قابل توجهی از آن را عیناً در اینجا می آوریم، ولی از آنجا که بعضی از آنها دلیل کافی ندارد (و ما اصل تسامح در ادله سنن و مستحبات را صحیح نمی دانیم) بهتر است همه را به قصد «رجاء»، یعنی به امید این که مطلوب شرع مقدس

و دارای ثواب باشد، به جا آورد. «نکته مهم دیگر» این که انجام بعضی از این مستحبات در زمان ما، و در آن انبوه جمعیت، برای بسیاری از مردم غیر ممکن است؛ بنابراین آنچه را ممکن است انجام می دهند، و آنچه را نمی توان انجام داد اگر مورد علاقه حاجی باشد و نیت انجام آن را، در صورت امکان داشته باشد، طبق روایات معصومین (علیهم السلام) خداوند مطابق نیتش به او پاداش خواهد داد.

### مستحبات سفر

کسی که قصد سفر مکه، یا سفر دیگری دارد، مستحب است امور زیر را انجام دهد: ۱ از خداوند متعال طلب خیر کند. ۲ وصیت بنماید. ۳ صدقه دهد، تا به آن صدقه سلامت خود را خریداری نماید. ۴ هنگامی که برای مسافرت مهیا می شود، در خانه خود چهار رکعت نماز به جا آورد. در هر رکعت سوره حمد، و توحید (قل هو الله) را بخواند، و بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِهِنَّ، فَاجْعَلْنِي خَلِيفَتِي فِي أَهْلِي وَ مَالِي». ۵ بر در خانه خود ایستاده، و سه مرتبه از پیش رو، و از طرف راست، و طرف چپ، سوره حمد، و به همین ترتیب سه مرتبه آیه الکرسی را بخواند، سپس بگوید:

«اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَ احْفَظْ مَا مَعِيَ، وَ سَلِّمْنِي وَ سَلِّمْ مَا مَعِيَ، وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مَا مَعِيَ، بِبِلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ».

### مستحبات احرام

مستحبات احرام چند چیز است: ۱- قبلاً بدن خود را پاکیزه نموده، و ناخن و شارب (سبیل) خود را بگیرد، و موی زیر بغل و اطراف عورت را زایل کند. ۲- کسی که قصد عمره مفرده دارد پیش از یک ماه، موی سر و ریش را رها کند، و بعضی از فقها قائل به وجوب آن شده اند، و این قول هر چند ضعیف است، ولی موافق احتیاط می باشد. ۳- پیش از احرام در میقات غسل احرام کند، و این غسل از زن حائض و زنی که وضع حمل کرده نیز صحیح است، و تقدیم این غسل، به خصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود، جایز است، و در صورت تقدیم، اگر در

میقات آب یافت شد مستحب است غسل را اعاده بنماید، و هر گاه مکلف پس از انجام غسل احرام لباسی بپوشد، یا چیزی بخورد که بر محرم حرام است، تکرار غسل مستحب است، و اگر در روز غسل نماید، آن غسل تا آخر شب آینده کفایت می کند. همچنین اگر در شب غسل کند، تا آخر روز آینده کافی است؛ ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام وضوی او باطل شد، غسل را اعاده نماید. ۴- هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي، وَأُوَدِّي فِيهِ فَرْضِي، وَأَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي، وَأَنْتَهِيَ فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصِدْتُهُ فَبَلَّغَنِي، وَأَرَدْتُهُ فَأُعَانَنِي، وَقَبِلَنِي وَلَمْ يَقَطَعْ بِي، وَوَجَّهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي. فَهُوَ حِصْنِي وَكَهْفِي وَحِزْزِي وَظَهْرِي وَمَلَاذِي وَرَجَائِي وَمَنْجَايَ وَذُخْرِي وَعُمِدَّتِي فِي شِدَّتِي وَرَخَائِي». ۵- دو حوله احرام از جنس پنبه باشد. ۶- احرام را به ترتیب زیر ببندد: در صورت امکان بعد از نماز ظهر، و اگر ممکن نبود، پس از نماز واجب دیگر، و چنانچه آن هم امکان پذیر نبود، بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، که در رکعت اول پس از حمد سوره توحید، و در رکعت دوم سوره قل یا ایها الکافرون را بخواند، و شش رکعت افضل است، و پس از نماز، حمد و ثنای الهی به جا آورد، و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد؛ آنگاه بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنِ اسْتَجَابَ لَكَ، وَآمَنَ بِوَعْدِكَ، وَاتَّبَعَ أَمْرَكَ، فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ

فِي قَبْضَتِكَ، لَا أَوْقَى إِلَّا مَا وَفَيْتَ، وَلَا آخِذٌ إِلَّا مَا أُعْطَيْتَ، وَقَدْ ذَكَرْتَ الْحَيَّ فَاسْأَلُكَ أَنْ تَعْرِمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّهِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتُقَوِّينِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ، وَتُسَلِّمَ لِي مَنَاسِكَ فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ، وَاجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِي رَضِيَتْ وَارْتَضَيْتَ، وَسَمَّيْتَ وَكَتَبْتَ. اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شَقِّهِ بَعِيدِهِ، وَأَنْفَقْتُ مَالِي إِنْغَاءَ مَرْضَاتِكَ. اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَاجَتِي وَعُمُرَتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمُرَةِ إِلَى الْحَيِّ، عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّهِ نَبِيِّكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَحْسِبُنِي فَخَلَّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي، بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ. اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حِجَّةً فَعُمُرَةٌ أَحْرَمٌ لَكَ شِعْرِي وَبَشْرِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَمُخِي وَعَصَبِي مِنَ النِّسَاءِ وَالثِّيَابِ وَالطَّيْبِ، أُبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ». ۷- نیت احرام را بر زبان جاری کند، و تنها به نیت قلبی قناعت نکند، و برای مردان مستحب است تلبیه را بلند بگویند.

۸- سابقاً گفتیم که تلبیه واجب، که احرام به آن حاصل می شود، بنا بر احتیاط چنین است: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ». و مستحب است پس از آن بگویند: «لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِيًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تُبْدِيُّ وَالْمَعَادُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَسْتَعْنِي وَ يُفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْعُوبًا وَمَرْهُوبًا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النُّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ،

لَيْبِكَ كَشَافَ الْكَرْبِ الْعِظَامِ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ عَيْدُكَ وَابْنُ عَبْدَيْكَ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ يَا كَرِيمَ لَيْبِكَ». ۹- تلبیه ها را در حال احرام، و در موارد زیر تکرار کند: الف) هنگام برخاستن از خواب، ب) بعد از هر نماز واجب و مستحب، ج) وقت رسیدن به زوَّار دیگر که سواره هستند، د) هنگام بالا رفتن از بلندی، یا سرازیر شدن از آن، ه) وقت سوار شدن یا پیاده شدن، و) در اوقات سحر تلبیه بسیار بگوید.

۱۰ زنان حائض و نساء (زنی که وضع حمل کرده) نیز این تلبیه ها را بگویند. شخصی که عمره به جامی آورد تلبیه گفتن او در عمره مستمر خواهد بود تا خانه های مکه را ببیند، و پس از آن قطع خواهد شد.

## مکروهات احرام

مکروهات احرام چند چیز است: ۱- احرام در احرامی مشکى، و احتیاط ترک آن است، و بهتر احرام در جامه سفید است. ۲- احرام بستن در جامه چرکین، و اگر لباس احرام کثیف شود بهتر است مکلف مادام که در حال احرام است آن را نشوید؛ ولی می تواند تبدیل کند. ۳- احرام بستن در جامه راه راه. ۴- استعمال حنا پیش از احرام.

## مستحبات دخول حرم

۱- برای تواضع و فروتنی در برابر خداوند متعال پا برهنه شده، و کفشهای خود را در دست گرفته، داخل حرم شود. این عمل ثواب زیادی دارد. ۲- هنگام دخول حرم این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: (وَ أَدْنُ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رِجَالاً- وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ) اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُوا أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، وَ قَدْ جِئْتُ مِنْ شَقَّةِ بَعِيدَةٍ وَ فَجٍّ عَمِيقٍ، سَامِعاً لِنِدَائِكَ، وَ مُسْتَجِيباً لَكَ، مُطِيعاً لِأَمْرِكَ، وَ كُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَالْحَمْدُ عَلَيَّ مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ، أَبْتَغِي بِمَذَلِّكَ الزُّلْفَةَ عِنْدَكَ، وَ الْقُرْبَةَ إِلَيْكَ، وَ الْمَنْزِلَةَ لِمَدْيِكَ، وَ الْمَغْفِرَةَ لِتُدْنُوْبِي، وَ التَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ حَرِّمْ بَدَنِي عَلَي النَّارِ، وَ امْنِي مِنْ عَذَابِكَ وَ عِقَابِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

## مستحبات ورود به مکه معظمه و آداب مسجد الحرام

۱ برای دخول به مکه معظمه غسل کردن مستحب است. ۲ هنگام ورود به مکه، با حالت تواضع وارد شود.

۳ مستحب است برای دخول به مسجد الحرام غسل نماید. ۴ مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود. ۵ بهتر است از باب السَّلام که محاذی باب بنی شیبه سابق است وارد شده، و جلوی در مسجد الحرام ایستاده، و بگوید: «السَّلامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلامُ عَلَيَّ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، السَّلامُ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّهِ وَ آلِهِ، السَّلامُ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». ۶ سپس داخل مسجد الحرام شود، و رو به کعبه دستها

را بلند نموده، بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا، وَفِي أَوَّلِ مَنْاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي، وَأَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي، وَأَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ، وَأَمْنًا مُبَارَكًا، وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَزِيدُكَ، وَالْبَلَدَ بِلَعْدِكَ، وَالْبَيْتَ بِبَيْتِكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَأُؤَمُّ طَاعَتَكَ، مُطِيعًا لِأَمْرِكَ، رَاضِيًا بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ الْيَكِّ، الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ. اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ». و در روایت دیگر آمده که بر در مسجد چنین بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، عَزِيدُكَ وَرَسُولَكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ، وَعَلَى أَنْبِيَاءِكَ وَرُسُلِكَ، وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَسَلِّمْ عَلَيْنَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ، وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، جَلَّ

ثَنَاءٌ وَجْهِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَ زُورِهِ، وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَغْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَ زَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ، وَ عَلَى كُلِّ مَأْتِيٍّ حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَ زَارَهُ، وَ أَنْتَ خَيْرُ مَا تَبِيَّ وَ أَكْرَمُ مَزُورٍ، فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ، بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، بِأَنَّكَ أَحَدٌ أَحَدٌ صَيَّمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُوَلَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْوًا أَحَدٌ، وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ، يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تَحْفَنَكَ إِيَّايَ بِزِيَارَتِي إِيَّاكَ، أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ». سپس سه مرتبه می گوید: «اللَّهُمَّ فَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ». سپس می گوید: «وَ أَوْسَعَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالَ الطَّيِّبِ، وَ اذْرَأَعْنِي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَ شَرَّ فِسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ». ۷ مستحب است وقتی که به محاذات حجرالأسود رسید بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ اللَّاتِ وَ الْعُزَّى، وَ بَعْبَادَةِ الشَّيْطَانِ، وَ بَعْبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ». ۸ سپس نزدیک حجرالأسود رفته، و بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ. سُبْحَانَ اللَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ، وَ اللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أَخْشَى وَ أَخْذَرُ. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي، وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ،

بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». ۹ صلوات بر پیغمبر و آل او عليهم السلام بفرستد، و سلام بر پیغمبران بدهد، همان گونه که هنگام دخول مسجد سلام می دهد. ۱۰ سپس بگوید: «إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَ أُوْفِي بِعَهْدِكَ». ۱۱ در روایت معتبر آمده است: هنگامی که نزدیک حجرالأسود رسیدی دستهای خود را بلند کن، و حمد و ثنای الهی به جا آور، و بر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) صلوات بفرست، و از خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند. پس از آن، در صورت امکان حجر را بوسیده، و اگر بوسیدن ممکن نشد با دست لمس کن، و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن، و بگو: «اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا، وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتَهُ، لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُوفَاةِ. اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ، وَ عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ، صِلْ لَوَاتِكَ عَلَيَّ وَ آلِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ اللَّاتِ وَ الْعُزَّى، وَ عِبَادَةَ الشَّيْطَانِ، وَ عِبَادَةَ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

## آداب و مستحبات طواف

انجام اعمال زیر در حال طواف مستحب است: ۱ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى ظَلَلِ الْمَاءِ، كَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى جِدَدِ الْأَرْضِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُّ لَهُ عَرْشُكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَ أَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، وَ أَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ، أَنْ تَفْعَلَ بِي



كَذَا وَ كَذَا»، و به جای «كذا و كذا» حاجت خود را از خداوند متعال بخواهد. ۲ مستحب است هنگام طواف بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ، وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ، فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي، وَلَا تُبَدِّلْ إِسْمِي». ۳ صلوات بر محمد و آل او بفرستد، به خصوص هنگامی که به در خانه کعبه رسید. ۴ هنگامی که به حجر اسماعیل رسید، به ناودان نگاه کند و بگوید: «اللَّهُمَّ ادْخِلْنِي الْجَنَّةَ، وَ اجْزِنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ، وَ عَافِنِي مِنَ السُّقْمِ، وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ». ۵ به هنگام عبور از حجر بگوید: «يَا ذَا الْمَنِّ وَ الطَّوْلِ، يَا ذَا الْجُودِ وَ الْكِرَمِ، إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ، فَضَاعِفُهُ لِي، وَ تَقَبَّلْهُ مِنِّي، إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». ۶ هنگامی که به رکن یمانی برسد دستها را بلند کند، و بگوید:

«يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ، وَ خَالِقَ الْعَافِيَةِ، وَ رَازِقَ الْعَافِيَةِ، وَ الْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ، وَ الْمَنَّانُ بِالْعَافِيَةِ، وَ الْمُتَفَضِّلَ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ، وَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ وَ شُكْرَ الْعَافِيَةِ، فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». ۷ سپس سر را به سمت کعبه کند، و بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَ عَظَّمَكَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَ جَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا. اللَّهُمَّ اهْدِ لَهٗ خِيَارَ خَلْقِكَ، وَ جَنِّبْهُ شِرَارَ خَلْقِكَ». ۸ هنگامی که بین رکن یمانی و حجر الأسود رسید، بگوید: (رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ). ۹ در شوط هفتم،

وقتی که به مستجار (۱) رسید، مستحب است در صورت امکان دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید، و شکم و صورت خود را به دیوار کعبه بچسباند، و بگوید:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَ هَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ».

۱۰ سپس به گناهان خود اعتراف نموده، و از خداوند عالم آمرزش بطلبد که انشاءالله تعالی مستجاب خواهد شد، بعد بگوید: «اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرَّوْحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي، وَ اغْفِرْ لِي مَا طَلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَ خَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ، أَشَدَّ تَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ». ۱۱ و هرچه خواهد دعا کند، و دست بر رکن یمانی که قبل از رکن حجرالاسود قرار دارد بگذارد، سپس نزد حجرالاسود آمده، و طواف خود را تمام کند، و بگوید: «اللَّهُمَّ قَنَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَ بَارِكْ لِي فِيهَا آتَيْتَنِي». ۱۲ برای طواف کننده مستحب است در هر شوط ارکان خانه کعبه (چهار گوشه آن)، و حجرالاسود را استلام نماید. (۲) و در وقت استلام حجر بگوید: «أمانتی أَدَيْتَهَا، وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ، لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاهِ».

۱. مستجار، پشت کعبه نزدیک رکن یمانی برابر در خانه کعبه واقع شده است. ۲. منظور از استلام لمس کردن آن است.

### دعاهای اشواط طواف

خواندن دعاهای زیر در هر یک از شوطهای طواف به ترتیبی که می آید، شایسته است: شوط اول لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَهًا وَاحِدًا وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ،

وَنَصَرَ عَيْدَهُ، وَاعَزَّجُنْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحَدَّهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ،  
بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَفِنَا  
عَذَابَ النَّارِ، وَصَلِّ عَلَى اللَّهِ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَطْهَارِ. شَوْطِ دَوْمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ  
عِنْدِكَ، وَأَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَأَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِغْفِرْ لِي ذُنُوبِي  
كُلَّهَا جَمِيعًا، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ  
عِلْمُكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي أُمُورِي كُلِّهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ، وَأَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَ  
عِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ، وَقُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ، مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. شَوْطِ  
سَوْمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْرُوجِ الطَّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبَارَكِ، وَأَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ، وَسُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ، يَا  
وَاهِبَ الْعَطَايَا، وَيَا مُطْلِقَ الْأَسَارِي، وَيَا فَكَّاكَ الرَّقَابِ مِنَ النَّارِ، أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ  
النَّارِ، وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا، وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ آمِنًا، وَأَنْ تَجْعَلَ دُعَائِي أَوَّلَهُ فَلَاحًا، وَأَوْسَطَهُ نَجَاحًا، وَآخِرَهُ صِيْلَاحًا،  
إِنَّكَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ. شَوْطِ چهارمِ اللَّهُمَّ إِنَّ مَغْفِرَتَكَ أَرْجِي مِنْ عَمَلِي، وَإِنْ رَحْمَتَكَ

أَوْسَعُ مِنْ ذَنْبِي، اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ ذَنْبِي عِنْدَكَ عَظِيمًا فَعَفُوكَ أَعْظَمُ مِنْ ذَنْبِي، اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا أَنْ أُبْلَغَ رَحْمَتَكَ، فَرَحْمَتِكَ أَهْلٌ أَنْ تَبْلُغَنِي وَتَسَبِّحَنِي، لِأَنَّهَا وَسَّعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِالْأَلْوَانِ الْعَذَابِ، سُبْحَانَ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِي قَلْبِي نُورًا وَبَصِيرَةً وَفَهْمًا وَعِلْمًا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. شَوْطُ بِنَجْمٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ، وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ، وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ. اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ، وَلَا سِقْمًا إِلَّا شَفَيْتَهُ، وَلَا عَيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ، وَلَا رِزْقًا إِلَّا بَسَطْتَهُ، وَلَا خَوْفًا إِلَّا آمَنْتَهُ، وَلَا سُوءًا إِلَّا صَرَفْتَهُ، وَلَا حَاجَةً هِيَ لَكَ رِضًا، وَلِي فِيهَا صَلَاحٌ إِلَّا قَضَيْتَهَا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. شَوْطُ ششم

أَسْأَلُكَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةً عَبِيدَ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ فَقِيرٍ بَائِسٍ مُسْكِنٍ مُسْتَكِينٍ مُسْتَجِيرٍ، لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَوَةً وَلَا نُشُورًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَمِنْ صِلَاةٍ لَا تُرْفَعُ، وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ، وَالْفَرَاحَ بَعْدَ الْكَرْبِ، وَالرِّخَاءَ بَعْدَ الشَّدَّةِ، اللَّهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ،

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَآتُوبُ إِلَيْكَ. شَوْطَ هَفْتِمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَاسْمِكَ الْعَظِيمِ، وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي الْعَظِيمَ، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ، وَغَزَائِمِ مَغْفِرَتِكَ، وَالنَّجَاهِ مِنَ النَّارِ وَمِنْ كُلِّ بَلِيٍّ، وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ، وَالرِّضْوَانِ فِي دَارِ السَّلَامِ، وَجِوَارِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، اللَّهُمَّ مَا بَنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَآتُوبُ إِلَيْكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمْ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلِ النَّوْرَ فِي بَصِيرَتِي، وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي، وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي، وَالشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. البتة انجام بسیاری از این امور در این ایام امکان پذیر نیست، و موجب مزاحمت برای زوار است، آنچه می تواند و مزاحمت ندارد، انجام دهد.

## مستحبات نماز طواف

مستحب است امور زیر را در نماز طواف به قصد رجا بجا آورد: ۱ پس از قرائت سوره حمد، در رکعت اول «سوره توحید»، و در رکعت دوم «سوره قل یا ایها الکافرون» را بخواند. ۲ پس از نماز، حمد و ثنای الهی را به جا آورده، و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و از خداوند عالم طلب قبول نماید. ۳ در بعضی از روایات آمده، که حضرت صادق (علیه السلام) بعد از نماز طواف به سجده رفته، و چنین راز و نیاز می کردند:

«سَجَدَ لَكَ وَجْهِي تَعْبُدًا وَرِقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا، الْأَوَّلُ قَبْلُ»

كُلِّ شَيْءٍ، وَ الْأَجْرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ هَا أَنَا ذَابِتِنَ يَدَيْكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، فَاعْفِرْ لِي، أَنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ، فَاعْفِرْ لِي، فَإِنِّي مُقِرٌّ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي، وَ لَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ». و پس از سجده آثار گریه و زاری بر چهره مبارک آن حضرت ظاهر بود. ۴ پس از انجام نماز طواف، و پیش از سعی مستحب است نزد زمزم رفته، و کمی آب بر سر و پشت و شکم خود بریزد، و بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَ رِزْقًا وَاسِعًا، وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سَقَمٍ».

## مستحبات سعی

پس از نماز طواف نزد حجرالأسود بیاید، و مستحب است از در محاذی حجرالأسود به سوی صفا برود، و با آرامش بالای صفا رفته، و به خانه کعبه نظر کند، و به رکنی که حجرالأسود در آن است رو نماید، و حمد و ثنای الهی را به جا آورد، و نعمتهای خداوند را در نظر بگیرد، سپس این اذکار را بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ» هفت مرتبه. «الْحَمْدُ لِلَّهِ» هفت مرتبه. «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» هفت مرتبه. «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْإِحْمَادُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» سه مرتبه. سپس سه مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أْبَلَانَا، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ» و سه مرتبه آن را تکرار کند. پس از آن سه مرتبه بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

سپس سه مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسئَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ، وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ». سپس سه مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً».

سپس صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»، صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، و صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید. سپس بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحِيدَهُ وَخِدَهُ، أَنْجَزَ وَعِيدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَخِدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَخِدَهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ، وَفِي مَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِهِ، اللَّهُمَّ أَظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ، يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ». «أَسئَلُكَ اللَّهُ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضِيْعُ وَدَائِعُهُ، دِينِي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي. اللَّهُمَّ اسئَلِنِي عَلَى كِتَابِكَ، وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَ تَوْفَنِي عَلَى مِلَّتِهِ، وَ أَعِدْنِي مِنَ الْفِتْنَةِ». سپس سه مرتبه بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ» و اگر قادر بر انجام تمام این عمل نباشد، هر قدر که می تواند بخواند. و نیز مستحب است که این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ، فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْتُ عَلَيْكَ بِالْمَغْفِرَةِ، فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرْحَمْنِي، وَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنِ عَذَابِي، وَ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ، فَيَأْمَنُ

أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ إِرْحَمْنِي. اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبْنِي وَ لَمْ تَظْلِمْنِي، أَصِيْبِحْتُ أَتَقَى عَذَابَكَ وَ لَا أَخَافُ جُورَكَ، فَيَأْمَنُ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ إِرْحَمْنِي».

## دعاهای اشواط سعی

خواندن دعاهای زیر در هر یک از دورهای سعی، به ترتیبی که می آید، شایسته است: دور اول (از صفا

به مروه) اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ الْكَرِيمِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا، وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعِيدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَرَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، لَا شَيْءَ قَبْلَهُ وَلَا بَعْدَهُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَلَا يَفُوتُ أَبَدًا، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَالْيَهُ الْمَصِيرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ، وَأَعْفُ وَتَكَرَّمْ، وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ، إِنَّكَ تَعَلَّمَ مَا لَا نَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ، رَبِّ نَجِّنَا مِنَ النَّارِ سَالِمِينَ غَانِمِينَ، فَرِحِينَ مُسْتَبْشِرِينَ، مَعَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ، وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا، ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ، وَكَفَى بِاللَّهِ عِلِيمًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ. وَنَزِدُكَ مَرُوهَ آيَةِ خَوَانِدِهِ مِى شُود: إِنَّ الصِّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شِعَابِ اللَّهِ فَمَنْ حَيَّجَ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا، وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ. دُور دُوم (از مروه به صفا) اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ، الْفَرْدُ الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ، وَ كَبْرُهُ تَكْبِيرًا. اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»، دَعُونَاكَ رَبَّنَا فَاعْفُ لَنَا كَمَا أَمَرْتَنَا، إِنَّكَ لَا تُخَلِّفُ الْمِيعَادَ، رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا

يُنَادِي



لِلْإِيمَانِ أَنْ آمَنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا، رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ، رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ، رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ، رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ، وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا، رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ، رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ، وَأَعْفُ وَتَكْرَمْ، وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ، إِنَّكَ تَعَلَّمُ مَا لَا نَعَلَّمُ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ. إِنَّ الصَّافَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ، أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا، وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ. دُورِ سَوْمِ اللَّهِ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، رَبَّنَا أَتِمِّمْ لَنَا نُورَنَا وَ اغْفِرْ لَنَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ، عَاجِلَهُ وَ آجِلَهُ، وَ أَسْأَلُكَ تَغْفِيرَكَ لِذُنُوبِي، وَ أَسْأَلُكَ رَحْمَتَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ، وَ اعْفُ وَ تَكْرَمْ، وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمُ، إِنَّكَ تَعَلَّمُ مَا لَا نَعَلَّمُ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ، رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا، وَ لَا تُرْغِ قَلْبِي بَعِيدًا إِذْ هَيَّدَيْتَنِي، وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ. اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي سَمْعِي وَ بَصِيرِي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَ بِمَعَاذِكَ مِنَ عُقُوبَتِكَ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ، أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ، فَ لَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى. إِنَّ الصَّافَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ

بِهِمَا، وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ. دُورِ چِهَارمِ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا تَعْلَمُ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعْلَمُ، وَ أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ مَا تَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَدِيكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ الصَّادِقُ الْوَعِيدُ الْأَمِينُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ كَمَا هَدَيْتَنِي لِلْإِسْلَامِ أَنْ لَا تُنَزِعَهُ مِنِّي، حَتَّى تَتَوَفَّانِي عَلَيْهِ وَ أَنَا مُسْلِمٌ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَ فِي سَمْعِي نُورًا، وَ فِي بَصَرِي نُورًا. اللَّهُمَّ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ وَ سَاوِسِ الصَّدرِ، وَ شَتَاتِ الْأَمْرِ، وَ فِتْنَةِ الْقَبْرِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي اللَّيْلِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي النَّهَارِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا تَهَبُّ بِهِ الرِّيَّاحُ، يَا أَرْحَمَ الرَّحِمِينَ. سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ يَا اللَّهُ، سُبْحَانَكَ مَا ذَكَرْنَاكَ حَقَّ ذِكْرِكَ يَا اللَّهُ، رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ، وَ اعْفُ وَ تَكْرَمْ، وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا لَا نَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ. إِنَّ الصِّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا، وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ. دُورِ پَنجَمِ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، سُبْحَانَكَ مَا شَكَرْنَاكَ حَقَّ شُكْرِكَ يَا اللَّهُ، سُبْحَانَكَ مَا أَعْلَى شَأْنِكَ يَا اللَّهُ، اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيْنَا الْإِيمَانَ، وَ زَيِّنْهُ فِي قُلُوبِنَا، وَ كَرِّهْ إِلَيْنَا الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ، وَ اجْعَلْنَا مِنَ الرَّشِيدِينَ. رَبِّ اغْفِرْ وَ

ارْحَمِمْ، وَاعْفُ وَ تَكْرَمِمْ، وَ تَجَاوِزْ عَمَّا تَعْلَمِمْ، إِنَّكَ تَعْلَمِمْ مَا لَا نَعْلَمِمْ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ. اللَّهُمَّ فِينِي عَذَابِكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ، اللَّهُمَّ اهْدِنِي بِالْهُدَى، وَ نَقِّنِي بِالتَّقْوَى، وَ اعْفُزْ لِي فِي الْأَخِرَةِ وَ الْأُولَى، اللَّهُمَّ ابْسِطْ عَلَيْنَا مِنْ بَرَكَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ فَضْلِكَ وَ رِزْقِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي اسئَلُكَ النَّعِيمَ الْمُقِيمَ، الَّذِي يَحُولُ وَ لَا يَزُولُ أَبَدًا، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَ فِي سَمْعِي نُورًا، وَ فِي بَصِيرِي نُورًا، وَ فِي لِسَانِي نُورًا، وَ عَن يَمِينِي نُورًا، وَ مِنْ فَوْقِي نُورًا، وَ اجْعَلْ فِي نَفْسِي نُورًا، وَ عَظْمٌ لِي نُورًا. رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي. إِنَّ الصِّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا، وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ. دور ششم

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، صَدَقَ وَعْدُهُ، وَ نَصَرَ عَبْدَهُ، وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ. اللَّهُمَّ إِنِّي اسئَلُكَ الْهُدَى وَ التَّقَى وَ الْعِفَا وَ الْغِنَى، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ، وَ خَيْرًا مِمَّا تَقُولُ، اللَّهُمَّ إِنِّي اسئَلُكَ رِضَاكَ وَ الْجَنَّةَ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ النَّارِ، وَ مَا يُقْرَبُنِي إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ وَ فِعْلٍ أَوْ عَمَلٍ، اللَّهُمَّ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنَا، وَ بِفَضْلِكَ اسْتَعَيْنَا، وَ فِي كَنَفِكَ وَ انْعَامِكَ وَ عَطَائِكَ وَ احْسَانِكَ أَصِيبْنَا، أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَا قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَ الْآخِرُ فَلَا بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَ الظَّاهِرُ فَلَا شَيْءَ فَوْقَكَ، وَ الْبَاطِنُ فَلَا شَيْءَ دُونَكَ، نَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفُلْسِ وَ الْكَسَلِ وَ عَذَابِ

الْقَبْرِ، وَفِتْنَةِ الْغَنَى، وَ نَسِيئِكَ الْفُوزَ بِالْجَنَّةِ. رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ، وَ اعْفُ وَ تَكْرَّمْ، وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا لَا نَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ. إِنَّ الصِّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَرَّجَ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا، وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ.

دور هفتم الله أكبر الله أكبر، الله أكبر كبيراً، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ الْإِيمَانَ وَ زَيِّنْهُ فِي قَلْبِي، وَ كَرِّهْ إِلَيَّ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ، وَ اجْعَلْنِي مِنَ الرَّشِيدِينَ. رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ، وَ اعْفُ وَ تَكْرَّمْ، وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا لَا نَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ، اللَّهُمَّ اخْتِمْ بِالْخَيْرَاتِ آجَالَنَا، وَ حَقِّقْ بِفَضْلِكَ آمَالَنَا، وَ سَهِّلْ لِبُلُوغِ رِضَاكَ سُبُلَنَا، وَ حَسِّنْ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ أَعْمَالَنَا. يَا مُنْقِذَ الْغُرَقَى، يَا مُنْجِيَ الْهَلَكَى، يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى، يَا مُتْتَهِيَ كُلِّ شَكْوَى، يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ، يَا دَائِمَ الْمَعْرُوفِ، يَا مَنْ لَا غِنَى بِشَيْءٍ عَنْهُ، وَ لَا بَدَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مِنْهُ، يَا مَنْ رَزَقَ كُلَّ شَيْءٍ عَلَيْهِ، وَ مَصِيرُ كُلِّ شَيْءٍ إِلَيْهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَائِدٌ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَعْطَيْتَنَا، وَ مِنْ شَرِّ مَا مَنَعْنَا. اللَّهُمَّ تَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ، وَ الْحَقْنَا بِالصَّالِحِينَ، غَيْرَ خَزَايَا وَ لَا مَفْتُونِينَ، رَبِّ يَسِّرْ وَ لَا تُعَسِّرْ، رَبِّ اتِّمِّمْ بِالْخَيْرِ. إِنَّ الصِّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَرَّجَ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا، وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ. مستحب است پیاده سعی نماید، و از آنجا که علامت گذاری شده هروله کند، یعنی کمی تندتر برود، و اگر سوار چرخ باشد این مقدار

را فی الجمله تند نماید، و بعد از آن به طور عادی تا مروه راه برود، و در وقت برگشتن نیز به همان ترتیب عمل نماید، و از برای زنها هروله نیست، و مستحب است بر درگاه خداوند گریه کند، و در حال سعی دعا بسیار نماید.

## مستحبات دیگر مکه معظمه

آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است: ۱- زیاد ذکر خدا کند، و قرآن بخواند. ۲- ختم نمودن یک قرآن. ۳- خوردن آب زمزم، و خواندن دعای زیر پس از آن: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَ رِزْقًا وَسِعًا، وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ» «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الشُّكْرِ لِلَّهِ». ۴- نگاه کردن به کعبه. ۵- هرگاه مزاحم طواف کنندگان واجب نشود، هر قدر که می تواند طواف کند.

## طواف وداع

کسی که می خواهد از مکه بیرون رود مستحب است طواف وداع بجا آورد، و در هر شوطی حجرالأسود و رکن یمانی را در صورت امکان استلام نماید، و چون به مستجار رسد مستحباتی که قبلاً برای آن مکان ذکر شد به جا آورد، و آنچه خواهد دعا نماید، بعداً حجرالأسود را استلام نموده، و حمد و ثنای الهی نماید، و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد، و این دعاء را بخواند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أَمِيَّتِكَ وَ حَبِيبِكَ وَ نَجِيِّكَ وَ خَيْرِ رَحْمَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ. اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتِكَ، وَ جَاهِدَكَ فِي سَبِيلِكَ، وَ صَدَقَ بِأَمْرِكَ، وَ أُوذِيَ فِي جَنبِكَ، وَ عَيْدَكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ. اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ، مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَ الْبَرَكَهِ وَ الرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ وَ الْعَافِيَةِ». و مستحب است وقت بیرون آمدن، از مقابل رکن شامی بیرون رود، و از خداوند متعال توفیق مراجعت بطلبد، و وقت بیرون رفتن معادل یک درهم خرما خریده و آن را به فقرا صدقه دهد.

## قسمتی از مستحبات مدینه طیبه

### توضیح

از جمله مستحبات که بسیار بر آن تأکید شده این است که هنگام برگشتن از مکه، به مدینه طیبه برگردد. تا به زیارت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) و حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) و ائمه بقیع (علیهم السلام) مشرف شود.

## زیارت حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَيْتَ لَأُمَّتِكَ، وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ عِبَدْتَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

## زیارت حضرت صدیقه (علیها السلام)

«يَا مُمْتَحَنَةُ امْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ، فَوَجَّحَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً، وَ زَعَمْنَا أَنَا لَكَ أَوْلِيَاءَ، وَ مُصَيِّدُ قُوفٍ وَ

صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا أَتَانَا بِهِ أَبُوكَ (صلى الله عليه وآله) وَ أَتَانَا بِهِ وَصِيَّتُهُ، فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا الْحَقِّينَا بَتَّصِي دِيْقِنَا لَهُمَا، لُبَشِّرَ أَنْفُسِنَا بِأَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بَوْلَانِيَتِكَ».

### زیارت جامعه که هریک از ائمه (علیهم السلام) رامی توان با آن زیارت نمود

«السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ أَصِيْفِيَاءِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَمَنَاءِ اللَّهِ وَ أَحِبَّيَانِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَنْصَارِ اللَّهِ وَ خُلَفَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفِهِ  
اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُظْهِرِي أَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ، السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُسْتَقَرِّينَ فِي  
مَرْضَاهِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَدِلَّةِ عَلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ مَنَ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ، وَ مَنَ  
عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهُ، وَ مَنَ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهُ، وَ مَنَ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهُ، وَ مَنَ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَ مَنَ تَخَلَّى  
مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. أَشْهَدُ اللَّهُ أَنِّي سَلَّمْتُ لِمَنَ سَلَّمْتُمْ، وَ حَزَبْتُ لِمَنَ حَارَبْتُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ، مُفَوِّضٌ فِي  
ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، لَعَنَ اللَّهُ عِدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ، مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، وَ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ، وَ صِلَى اللَّهُ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ».

### زیارت ائمه بقیع (علیهم السلام)

مستحب است که زائر بهترین لباس نظیف خود را بپوشد، و به بهترین عطر خود را خوشبو کند، و با آرامش و وقار به زیارت آن بزرگواران برود، و چون نزدیک آن بارگاه شد بایستد، و با خواندن دعای زیر اجازه ورود بگیرد: «یا مَوَالِيَّ یا اَبْنَاءَ رَسُولِ  
اللَّهِ، عِبْدُكُمْ وَ ابْنُ اَمْتِكُمْ، الدَّلِيلُ بَيْنَ اَيْدِيكُمْ، وَ الْمُضْعَفُ فِي عُلُوِّ قَدْرِكُمْ، وَ الْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ، جَاءَكُمْ مُسْتَجِيرًا بِكُمْ، قاصداً اِلى  
حَرَمِكُمْ، مُتَقَرِّبًا اِلى مَقَامِكُمْ، مُتَوَسِّلًا اِلى اللَّهِ تَعَالَى بِكُمْ، ءَاَدْخُلُ يا مَوَالِيَّ؟ ءَاَدْخُلُ يا اَوْلِيَاءَ اللَّهِ؟ ءَاَدْخُلُ يا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُخَدِّقِينَ  
بِهَذَا الْحَرَمِ، الْمُقِيمِينَ بِهَذَا الْمَشْهَدِ؟» سپس پای راست را پیش بگذارد، و با خشوع و خضوع وارد شود، و بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَرْدِ الصَّمِدِ، الْمَاجِدِ الْأَحَدِ، الْمُتَفَضِّلِ الْمَنَانِ، الْمُتَطَوِّلِ الْحَنَانِ، الَّذِي مَنَّ بِطَوْلِهِ، وَسَهَّلَ زيارَةَ ساداتي بِإِحْسَانِهِ، وَلَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زيارَتِهِمْ مَمْنُوعًا، بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ». و سپس پست به قبله و رو به آن قبور مطهر دعای زیر بخواند: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّمَّةَ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التَّقْوَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْحَاجُّ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْقَوَّامُ فِي الْبُرْيَةِ بِالْقِسْطِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ آلَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوَى، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَيْحَتُمْ وَصَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ، وَكُذِّبْتُمْ وَأُسِيءَ إِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيْمَةُ الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ، وَأَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ، وَأَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ، وَأَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا، وَأَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا، وَأَنَّكُمْ دَعَاءُ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْأَرْضِ، لَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ يَنْسَخُكُمْ مِنْ أَصْلَابِ كُلِّ مَطَهَّرٍ، وَيَنْقُلُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ، لَمْ تُدَنَّسِكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ، وَلَمْ تَشْرَكَ فِيكُمْ فِتْنُ الْأَهْوَاءِ، طِبْتُمْ وَطَابَ مَثْبُتُكُمْ، مَنْ بِكُمْ عَلَيْنَا دِيَانُ الدِّينِ، فَجَعَلُكُمْ فِي بِيوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُزْفَعَ وَيُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ صِلَاتِنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا، وَكَفَّارَةً لِتُدُونِنَا، إِذْ اخْتَارَكُمْ اللَّهُ لَنَا، وَطَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنْ عَلَيْنَا مِنْ وَلَايَتِكُمْ، وَكُنَّا عِنْدَهُ مَسْمُومِينَ بِعِلْمِكُمْ، مُعْتَرِفِينَ بِتَضَدِّيقِنَا إِيَّاكُمْ، وَهَذَا مَقَامٌ مِنْ أَسْرَفٍ وَأَخْطَأَ وَاسْتَكَانَ وَاقْرَبِ بِمَا جَنَى، وَرَجَى بِمَقَامِهِ الْخَلَّاصِ، وَأَنَّ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلْكِ مِنَ الرَّدَى، فَكُونُوا لِي شَفَعَاءَ، فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا، وَاتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوءًا، وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا. يَا

مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسِيهُو، وَ دَائِمٌ لَا يَلْهُو، وَ مُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، لَكَ الْمَنْ بِمَا وَفَّقْتَنِي، وَ عَزَّفْتَنِي بِمَا أَقَمَّنِي عَلَيْهِ، إِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ، وَ جَهَلُوا مَعْرِفَتَهُ، وَ اسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ، وَ مَالُوا إِلَى سِوَاهُ، فَكَانَتْ الْمِنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا، مَذْكُوراً مَكْتُوباً، فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ، وَ لَا تُخَيِّبْنِي فِي مَا دَعَوْتُ، بِحُزْمِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ. سپس قبور فاطمه بنت اسد و ابراهیم فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و سایر بزرگان بقیع را زیارت کند، و بر آنها درود و رحمت فرستد، و بر ایشان فاتحه بخواند.

## زیارت حضرت حمزه

و سزاوار است مساجد هفتگانه و مسجد قبا و قبور شهدای احد را زیارت کند، و به هنگام زیارت قبر حضرت حمزه، عموی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در احد بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ وَ أَسَدَ رَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَ جُدْتَ بِنَفْسِكَ، وَ نَصَيْحَتِ رَسُولِ اللَّهِ، وَ كُنْتَ فِي مَا عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ رَاغِباً، بِرَأْسِ أَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي، مُتَقَرِّباً إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) بِمِثْلِكَ، رَاغِباً إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، أَبْتَغِي بِزِيَارَتِكَ خَلَاصَ نَفْسِي، مُتَعَوِّذاً بِكَ مِنْ نَارِ اسْتِحْقَاقِهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، هَارِباً مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي اخْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي، فَزِعاً إِلَيْكَ رَجَاءً رَحْمَةِ رَبِّي، آتِيْتُكَ مِنْ شِقِّهِ بَعِيدِهِ، طَالِباً فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ قَدْ أَوْقَرْتُ ظَهْرِي ذُنُوبِي، وَ آتَيْتُ مَا اسْخَطَ رَبِّي، وَ لَمْ أَجِدْ أَحَداً أَفْزِعُ إِلَيْهِ خَيْراً لِي مِنْكُمْ



أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، فَكُنْ لِي شَفِيعاً يَوْمَ فَقْرِي وَ حَاجَتِي، فَقَدْ سَرَتْ إِلَيْكَ مَخْرُوناً، وَ اتَيْتُكَ مَكْرُوباً، وَ سَكَبْتُ عَبْرَتِي عِنْدَكَ بِأَكْبَارٍ، وَ صَدَرَتْ إِلَيْكَ مُفْرَداً، وَ أَنْتَ مِمَّنْ أَمَرَنِي اللَّهُ بِصَلَاتِهِ، وَ حَثَّنِي عَلَى بِرِّهِ، وَ دَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ، وَ هَدَانِي لِحُبِّهِ، وَ رَغَّبَنِي فِي الْوَفَادَةِ إِلَيْهِ، وَ أَلْهَمَنِي طَلَبَ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَشْقَى مَنْ تَوَلَّاهُمْ، وَ لَا يَخِيبُ مَنْ أَتَاهُمْ، وَ لَا يَخْسِرُ مَنْ يَهْوَاهُمْ، وَ لَا يَسُدُّ مَنْ عَادَاهُمْ».

### زيارت وداع پیامبر (صلى الله عليه وآله)

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ، فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَأِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا أَشْهَدُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي، أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ، وَ أَنَّكَ قَدِ اخْتَرْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ، ثُمَّ اخْتَرْتَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، الَّذِينَ أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً، فَاحْشُرْنَا مَعَهُمْ، وَ فِي زَمْرَتِهِمْ، وَ تَحْتَ لِوَاءِهِمْ، وَ لَا تَفَرِّقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ».

### زيارت وداع ائمه بقیع (عليهم السلام)

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّمَّةَ الْهُدَى وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، أَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهُ وَ أَقْرَأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ بِمَا جِئْتُمْ بِهِ وَ دَلَّلْتُمْ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ فَاصْبِرْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ»، وَ سَبَسَ مِي كَوَيْدَ:

«وَ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِمْ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ». پایان

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

